

مطهری

«عجل ا... فرجه»

مقتدای مسیح

«علیه السلام»

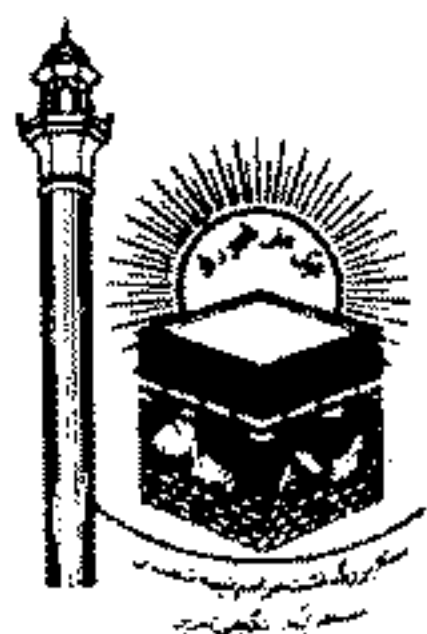
آیتا... کریمی جهرمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهدی «عج»

مقتدای مسیح «ع»

تألیف: آية... کریمی جهرمی



ستاد بزرگداشت نیمه شعبان مسجد آیت الله انگجی تبریز

و

انتشارات احرار تبریز

مهدی «عج» مقتدای مسیح «ع»

تالیف: آیت الله شیخ علی کریمی جهرمی

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۷۴

□ حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

حروفچینی: سایه / لیتوگرافی: مجتمع لیتوگرافی روا / چاپ: تمدن / صحافی: امین

طرح روی جلد: طرح و رنگ

بهاء: ۴۰۰ تومان

این کتاب برابر مجوز شماره $\frac{۱۳۵-۱/۹۴۳۶}{۷۴/۸/۲۳}$ و با استفاده از کاغذ حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در

تبریز به چاپ رسیده است.

تبریز - خیابان جمهوری اسلامی - مسجد آیت الله انگجی - صندوق پستی ۵۱۳۳۵/۲۷۶۱

ستاد بزرگداشت مراسم نیمه شعبان مسجد آیت الله تبریز - تلفن ۸۷۷۸۳۸

آدرس: تبریز - ابتدای خیابان آزادی - نرسیده به اداره اوقاف - فروشگاه و نمایشگاه کسب آزادگان

انتشارات احرار تبریز - تلفن: ۳۴۸۴۸۰

«عضو تعاونی ناشران استان آذربایجان شرقی»

شابک ISBN 964-5606-11-X/۹۶۴-۵۶۰۶-۱۱-X

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	یادداشت ناشر
۹	پیشگفتار
۱۱	شناخت امام
۱۹	پیشوایان دوازده گانه
۲۷	مهدی موعود «ارواخا فدا» در دیدگاه قرآن
۳۹	مهدی موعود «ارواح العالمین له الفداء» در نهج البلاغه
۴۵	مهدی موعود «عجل الله تعالی فرجه» در اخبار و احادیث
۵۱	طلوع خورشید ولایت در پگاه نیمه شعبان
۵۹	شب ولادت مهدی بیاد حسین «علیهما السلام»
۶۵	نقش امام زمان «ارواخا فدا» در جهان
۷۱	منکران مهدی «عجل الله تعالی فرجه» چه می گویند؟
۸۷	غیبت مهدی موعود «ارواخا فدا»
	مهدی موعود «علیه آلاف التحية والاکرام»
۹۹	در پناه لطف مخصوص خداوند
۱۰۷	دیدار امام زمان «ارواخا فدا» در غیبت کبری
	حضرت محمد «صلی الله علیه و آله و سلم»
۱۱۳	و نواده اش در رأس دو انقلاب جهانی
۱۲۱	حکومت الهی ولی عصر «ارواخا لثراب مقدمه الفداء»
۱۲۹	یاران مهدی «علیه السلام» یا عناصر رشادت
۱۳۵	منتظران مهدی موعود «ارواخا فدا»

۱۴۵ مسیح و مهدی «صلوات الله علیهما»

۱۵۱ افتخار لقب قائم در روز عاشورا

۱۵۷ قم در غیبت قائم «عجل الله فرجه الشریف»

۱۶۵ آوای دلدادگان در فراق مهدی «علیه آلاف التحية و الثناء»

نمونه‌ای از کتب قدما و متاخرین

۱۷۳ پیرامون امام زمان «عجل الله تعالی فرجه»

۱۸۱ وظایف ما نسبت به امام زمان «علیه السلام»

۱۸۹ استعانت

السلام علی القائم المنتظر و العدل المشتبه

در گیرودار روزمره دنیای مادی، در هیاهوی زندگی ماشینی و جهان پر از تبعیض و نیرنگ، تنها چیزی که مایه آرامش روح و روان انسانهای متقی و الهی است، یاد حکومت جهانی حضرت ولی عصر و امام زمان، حضرت حجة ابن الحسن العسکری «ارواح شیعته لمقدمه الفداء» می باشد که برای زمینه سازی حکومت جهانی آن موعود انبیاء از هیچ کوششی دریغ نمی ورزند. تلاش در راه سوق دادن دلهای جامعه به سوی آن کعبه آمال و قدم برداشتن در خط صحیح انتظار فرج بر هر فرد مسلمان شیعی فرض لازم است.

نوشتار حاضر رقیمه ای است گرانبها که صفحاتش بقلم رسا و شیوای دانشمند گرامی و بزرگوار، حضرت آیت الله حاج شیخ علی کریمی جهرمی زرین و وزین گشته و نهایتاً تلاشی است در رسیدن به عالی مقصد یاد شده.

از درگاه خداوند سبحان عاجزانه مسئلت داریم که طرفه العینی الطاف و نگاههای مهربان مهدی آل محمد «علیه و علیهم السلام» را از سر ما دور نفرماید و ادعیه خالصه حضرتش را شامل حالمان گرداند.

تابستان ۱۳۷۴ شمسی

ستاد بزرگداشت مراسم نیمه شعبان

مسجد آیت انگلی تبریز

پیشگفتار:

بسم الله الرحمن الرحيم

از بزرگترین افتخارات شیعه و از مایه‌های سیال و جوشان شرف و سعادت آنان، موضوع امامت با خصوصیت استمرار آن است. برحسب روایات وارده از خاندان وحی که مؤید به عقل و خرد صحیح و دست نخورده آدمی است، رشته ولایت و امامت مستمر است.

آغازگر رشته ولایت مصطلح شیعی، امام امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب «علیه السلام» است و خاتم امامان معصوم بقیة الله فی الارضین، مهدی آل محمد «صلوات الله علیه و علیهم اجمعین» می باشد که امامت او برای همیشه ثابت و پایدار است و هرگز منقطع نخواهد گردید و هماهنگ با حیات و زندگی انسان ادامه خواهد داشت و انقضاء آن مساوی با فناء نسل بشر و نابودی مظاهر حیات و هستی در کره زمین است.

در اینجا نکته قابل توجه آنست که جدایی از حضرت ولی عصر «ارواحنا فداه» و عدم توجه به آن ولی اعظم الهی در حکم فنا و نابودی حیات

معنوی انسانست، انسان زنده از کانون حیات بخش امام معصوم نیرو می گیرد و توان می یابد و اگر خدای نخواست از این منبع فیض و حیات محروم شد و جان تازه نیافت، کالبد ناتوان، بی خاصیت و مرده ای است که شایسته زیر خاک خوابیدن است.

هر آن کسی که در این حلقه نیست زنده بعشق

بر او نمرده بفتوای من نماز کنید

نوشتار حاضر، گامی در راه پیوستن به این مرکز نور و حیات است و به انگیزه آشنائی با قطب عالم وجود، حضرت خاتم الاوصیاء، امام زمان «ارواحنا له الفداء» نگارش یافته. حال چقدر موفق باشد، بسته به لطف و رحمت واسعه الهیه است.

این اثر ناچیز را به خدمتگزاران صادق و دلداده حضرت بقیة الله فی الارضین «ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء» تقدیم می دارم؛ و از جوانان پاک و با اخلاص مسجد آیت الله انگجی و مسجد توحید تبریز که با شور و عشق ویژه ای بیاد حضرت ولی عصر امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف» تلاش می نمایند، بالاخص از عزیزان مسجد آیت الله انگجی که تلاش خود را در طبع و نشر این کتاب بکار برده اند صمیمانه تشکر می کنم و سلامت و سعادت آن عزیزان را از خداوند متعال خواهانم. آرزو مندم که دعای خیر حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» شامل حال آنان گردد و نامشان در زمره یاران امام مهدی «ارواحنا فداء» در آخر الزمان ثبت و ضبط گردد.

حوزه علمیه قم - علی کریمی جهرمی

شناخت امام

مطلبی که محور اصیل دینداری بشمار می‌رود و در نظام زندگی امتها تأثیر بسزائی دارد و به همین دلیل نیز از اهمیت خاصی برخوردار است، موضوع شناسائی امام و معرفت به ولیّ دهر و حجّت زمان است. هیچکس نمی‌تواند شانه از زیر بار این تکلیف خالی کند بلکه در تمامی شرائط و احوال وظیفه همگان است که در مسیر شناسائی امام «علیه السلام» قدم بگذارند و ولیّ عصر خود را بشناسند. بنابراین معرفت امام مانند معرفت الله و شناسائی خدای بزرگ است، که بر هر کسی لازم و ضروری است.

پیامبر بزرگ اسلام می‌فرماید:

من مات ولا يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة^۱

کسی که بمیرد در حالیکه امام زمان خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است.

آری، انسان ناآشنا به امام زمان بسان مردم قبل از اسلام، در حال مرگ،

بهره‌ای از توحید و معنویات نخواهد داشت و کافر از دنیا خواهد رفت. کوتاه سخن اینکه فرق و امتیازی میان کسی که در دوران پرافتخار اسلام زندگی می‌کرده ولی عارف و آشنا به امام عصر خویش نبوده است، با گمگشته وادی ضلالت در عصر جاهلیت وجود ندارد و درست همانند کسی است که در ک اسلام نکرده و پیش از اسلام در حالت کفر در گذشته و سرانجام هر دو عذاب دردناک خدا است. لطافت و ظرافت بیان این حدیث نورانی در کنار حدیث شریف دیگری روشن تر و نورانی تر می‌گردد که پیامبر «صلی الله علیه و آله وسلم» فرموده:

معاشر الناس من اراد ان یحیی حیوتی و یموت میتی فلیتولّ
 علی بن ابیطالب و بقیة الائمة بعده^۲

ای گروه‌های جامعه! کسی که دوست بدارد زندگی کند بگونه
 زندگی من و بمیرد به گونه مرگ من، پس علی بن ابیطالب و باقی
 امامان بعد از او را به ولایت و دوستی بپذیرد.

این حدیث، بیانگر معنای حدیث قبل نیز هست. ملاک در اینکه انسان، پیامبرگونه زندگی کند و بمیرد، آشنایی و دوستی با امامان معصوم «علیهم السلام» است و میزان در زندگی به گونه جاهلیت دوری از حضرات معصومین است. حدیث شریف فوق را علمای شیعه و سنی نقل کرده‌اند و بدون تردید مقصود از امام هر عصر و زمانی، امامان دوازده گانه و پیشوایان عالیقدر شیعه، ترجمان وحی الهی و مظاهر رحمت پروردگار بوده و با فضیلت‌ترین و با تقواترین انسانها و روشنگران راه حقیقت و عدالت هستند.

با کمال تأسف این حدیث روشن و سرنوشت‌ساز را بعضی از علمای اهل سنت از معنای معقول و خرد پسندانه آن منحرف نموده و برای فرار از

شناسایی و پیروی خاندان جلیل رسول الله «صلی الله علیه و آله وسلم»، گاهی امام زمان را به زمامداران و خلفا و سلاطین، و زمانی به معنی قرآن، تفسیر می کنند. خوشبختانه به قدری تفسیر و توجیه آنان نامعقول و غیر منطقی است که احیاناً بعضی از دانشمندان خود آنها نیز نتوانسته اند آنرا بپذیرند.

مثلاً جلال دوانی دانشمند فرزانه که از متکلمین بزرگ اهل سنت است، روزی در محضرویی از این حدیث شریف سخن به میان آمد، بعضی گفتند که منظور از امام زمان، سلطان وقت است. تصادفاً حاکم آن عصر بایزید از سلاطین عثمانی، متجاهر به انواع فسق و تباهکاری بود، در آن حال مثلاً جلال ریش خود را به دست گرفته و می گفت: آیا رواست که فردای قیامت، خداوند بزرگ، جلال الدین محمد را عذاب کند که چرا بایزید پلید را به امامت نشناختی؟!

جریان مباحثه شیخ محمد بن علی بن ابراهیم ابن ابی جمهور احسائی دانشمند بزرگ شیعه با فاضل هروی از علماء اهل سنت نیز مناسب این بحث است، که در خراسان انجام گرفته است:

در یکی از مجالس بحث شیخ احسائی از فاضل هروی در باره این حدیث شریف «من مات...» نظرویی را پرسید که آیا صحیح است یا نه؟ فاضل اقرار کرد که این حدیث صحیح بوده و بر صحت آن اتفاق است. سؤال کرد: اکنون امام تو کیست؟ فاضل گفت: مقصود از امام زمان، ظاهر آن نیست بلکه منظور، قرآن است. یعنی مرگ بدون شناسایی قرآن، مرگ جاهلیت است. شیخ گفت: بنا بر این یاد گرفتن تمامی قرآن بر هر فردی واجب است در حالی که احدی این را نگفته است. فاضل جواب داد: نه، تمامی قرآن مقصود نیست بلکه تنها سورة فاتحة الكتاب است که شرط

صحت نماز می باشد، چون نماز بدون این سوره درست نیست. شیخ گفت: ظاهر لفظ «امام زمانه» گواهی می دهد که هر زمانی را امامی است و گرنه می فرمود «امام الزمان» یعنی اگر می فرمود: هر کس بمیرد و امام زمان را نشناخته باشد ... خوب می توانستیم بگوئیم مقصود سوره حمد است ولی فرموده است: «امام زمانه» هر کسی بمیرد و امام زمان خودش را نشناخته باشد و ظاهر این جمله آنست که هر زمانی را امام مخصوص بخود است. فاضل از جواب ناتوان ماند و از گفتار و تأویل خود برگشت و گفت: بنابر حدیث مذکور، حال من و تو در این زمان، برابر است. شیخ گفت: چگونه من با تو مساوی هستم در حالیکه مرا امامی است «حجة ابن الحسن» که دانسته ام وجودش لازم است و اعتقاد به امامت او دارم و به حکم عقل صریح و نقل صحیح و روشن، وجود و ولادت و غیبت او را ثابت می کنم و با دلیل، او را شناخته ام. فاضل گفت: امامی که هرگز او را ندیده و مقام او را نمی دانی و از وجودش بهره مند نمی گردی و پاسخ سئوالات خود را از او نمی شنوی چه فایده ای دارد؟ ابن ابی جمهور پاسخ داد: حدیث نبوی «صلی الله علیه و آله و سلم» «من مات ...» نمی گوید که باید مکان و جایگاه امام را بدانی و پی به مقام او ببری و امر نمی کند که باید او را ببینی و پاسخ خود را از او بشنوی، بلکه فرمان رسول اکرم این است که باید امام زمان را شناخت، و شکر خدا را که من او را به دلائل محکم می شناسم و به دلالت حدیث از گمراهی نجات یافته ام. فاضل هروی گفت: من نیز در پی شناسائی امام می باشم و شنیده ام که مردی در یمن دعوی امامت دارد، اراده دارم بدیدار او روم و اگر صحت ادعای او را دانستم تابع ادعای او شوم. شیخ فرمود: پس اکنون تو را امامی نیست و اگر در این حال بمیری به مرگ جاهلیت مرده ای.^۳

ناگفته نماند که به نظر ما توجیه و تأویل این حدیث شریف از شبکه‌های تبلیغی خلفای جور و زمامداران خودکامه است و جیره‌خواران دستگاههای جبار و مزدوران درباری در زمان امویان و عباسیان این حدیث شریف را بدین نحو سخیف و ننگین تأویل می‌کردند تا جنایات استعمارگران و گرگهای خون‌آشام و دشمنان انسانیت را توجیه کرده و نفسها را در سینه‌ها خفه سازند و مجریان حقیقی عدالت و رهبران واقعی و دلسوز و خیرخواه جامعه یعنی خاندان پیامبر و امامان شیعه که مهمترین سنگر انسان دوستی و بزرگترین پایگاه عدالت اجتماعی بودند را برکنار کنند و جلادهای آدمکش و دژخیمان سنگدل و ضد انسانی، طاغوت‌های بنی امیه و بنی مروان و بنی عباس را بیش از گذشته بر سر مردم ضعیف و امت مستضعف مسلط کرده، پایه‌های لرزان حکومت مستبدانه آنان را ثابت و استوار سازند.

آری، دستگاههای خلفا، عالمان مبتذل و دین به دنیا فروشان و روحانی نمایان مشهور ولی مزدور و وابسته را وامی داشتند که زیر نقاب دین و در پرتو مقام تخیلی و موهوم خود، توده مستضعف و بی سواد را آن چنان عادت دهند که به هر ذلتی تن در داده و همه مظالم و جنایتها را به حکم اینکه ولی، والی، فرمانده و امام، چنین خواسته است، به جان خریداری کنند و البته این نحو تلقینات مسموم و زهرآگین تازگی ندارد و همواره عالم اسلام از این رهگذر ضربه‌های کاری خورده و لطمه‌های سخت و جبران ناپذیر دیده است. بنا بر این جای تردید نیست که نمی‌توان امام زمانی که معرفتش واجب و لازم است را به سردمداران خود سر و حکام خیره سر تطبیق نموده و یا به یزیدها، ولیدها، حجاج‌ها، منصورها و متوکل‌ها منطبق ساخت و معرفت

آنان را در طول معرفتِ خدای بزرگ قرار داد. بنا بر این بدون اندک ابهام و اجمالی، مقصود، امامان را ستینند که به علی بزرگ آغاز و به مهدی موعود پایان می‌یابند. «صلوات الله عليهم اجمعین».

در مقام بیان بیشتر زشتی و انحراف تطبیق حدیث فوق‌الذکر بر خلفاء ظالم، توجه بدین داستان خالی از لطف نیست که حتی گاهی بعضی از دست‌نشانندگان حکام جور نیز به تطبیق و تأویل آن خنندیده و استهزاء کرده‌اند:

چون حجاج بن یوسف ثقفی به مکه آمد و عبدالله بن زبیر را دازد، عبدالله بن عمر به نزد وی آمد و گفت: دستت را بده تا با تو برای عبدالملک بیعت کنم که رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمود: «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» حجاج پای خود را جلو آورد و گفت: پایم را بگیر که دستم الان مشغول است. عبدالله بن عمر گفت: آیا مرا مسخره می‌کنی؟ حجاج پاسخ داد: ای احمق بنی عدی! تو با علی «علیه السلام» بیعت نکردی و امروز می‌گوئی: من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة. آیا علی «علیه السلام» امام زمان تو نبود؟ به خدا سوگند تو به سوی من به خاطر گفتار پیغمبر نیامده‌ای بلکه از ترس این درخت آمده‌ای که عبدالله بن زبیر بر آن دازده شد.^۴

زیر نویسها و یادداشت‌های

شناخت امام

- ۱ - کتاب الغیبة، نعمانی، ط مکتبة الصدوق، ص ۱۳۰، حدیث ۶
- ۲ - کفایة الاثر، ص ۸۶
- ۳ - مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، ج ۱، ص ۵۸۸
- ۴ - سفینة البحار، ج ۲، ص ۱۳۶

پیشوایان دوازده گانه

عدد دوازده در بین اعداد، عددی افتخارآمیز و همواره نمودار خیرها و برکات بیشمار و مظهر کمال، رشد و سعادت انسانی بوده و هست. ارقام بسیاری از عوامل خوشبختی در جهان با عدد دوازده تطبیق می کنند. ماههای سال که مولد تاریخها و موعد فرارسیدن مدتها و وامها و قبض و اقباضها و تثبیت معاملات و بسیاری از امور دیگر است دوازده ماه می باشد و خداوند این موضوع را بالحن مخصوص و تأکید فراوان در قرآن بازگو کرده و می فرماید:

ان عدة الشهور عند الله اثنا عشر شهرا في كتاب الله يوم خلق
السموات والارض.^۱

عدد ماهها در نزد الله دوازده ماه در کتاب خدا است که آسمانها و
زمین را آفرید. (چنین مقرر فرمود)

و نیز تعداد اسباط بنی اسرائیل دوازده تا است و نواده های حضرت

یعقوب و خاندان این پیامبر بزرگوار به دوازده تیره منقسم گردیده و تشکیل دوازده طائفه می دادند.

همچنین چشمه‌هایی که از سنگ با اصطکاک عصای موسی جوشید و فوران کرد دوازده چشمه بود. چنان که به هر دو مطلب در قرآن کریم تصریح شده می‌فرماید:

و قطعناهم اثنتی عشرة اسباطاً امماً و اوحینا الی موسی اذ استسقاء قومه ان اضرب بعصاک الحجر فانبعثت منه اثنتا عشرة عیناً قد علم کل اناس مشربهم ...^۲

قوم موسی را به دوازده سبط منشعب کردیم که هر سبطی طائفه‌ای می‌باشند و چون امت موسی در آن بیابان خشک و سوزان از آب طلبیدند که از عطش نجات یابند به موسی وحی کردیم که عصای خود را بر سنگ بزن و چون زد دوازده چشمه آب از آن جاری شد (و هر چشمه‌ای مخصوص طائفه‌ای گردید) و هر قبیله آبشخور خود را دانست.

نیز نقباء و بزرگان بنی اسرائیل دوازده نفر بوده‌اند و خداوند می‌فرماید:

و لقد اخذنا میثاق بنی اسرائیل و بعثنا منهم اثنی عشر نقیباً ...^۳

به تحقیق که ما از بنی اسرائیل عهد و میثاق گرفتیم و از میان آنان دوازده نفر بزرگ و پیشوا برانگیختیم.

این دوازده نفر، رؤسا و اسباط و رهبران آنان بودند و ولایت امور دین و دنیای آنان را داشتند جز اینکه وحی به آنان نمی‌شد، بلکه آنان مرجع امور جامعه بوده و به اسرار و اوضاع آنان راه داشتند.

ائمّه و پیشوایان اسلام که پس از درگذشت پیامبر «صلی الله علیه و آله

وسلم» زعامت امت را به عهده گرفتند، دوازده نفر می باشند. سلسله ای الهی و رشته ای آسمانی است که سررشته آن، پدر همه امامان و مسلمان نخستین و رهبر آبرمردان تاریخ حضرت امیرالمؤمنین «علیه السلام» و نقطه پایانش مصلح جهانی حضرت حجة ابن الحسن «عجل الله تعالی فرجه الشریف» است و میان این پدر بزرگ و والا و این خلیف صالح و فرزند شایسته و بین این دو پیشوای نمونه ده نفر که هر یک، خورشیدی تابان در آسمان هدایتند، قرار دارند و بر حسب تحقیق علامه معاصر حضرت آیت الله صافی ۲۷۱ حدیث دلالت می کنند بر اینکه امامان معصوم «علیهم السلام» دوازده نفرند.

از جمله آن روایات، روایتی است که از ابوهریره نقل شده است که رسول اکرم برای ما خطبه خواند و در آن خطبه فرمود:

معاشر الناس من اراد ان یحیی حیوتی و یموت میتی فلیتول علی بن ابیطالب و بقیة الائمة بعده.

فقیل یا رسول الله فکم الائمة بعدک؟ قال:

عدد الاسباط^۱

ای گروههای مردم کسی که می خواهد حیاتش حیات من و مرگش بسان مرگ من باشد باید علی بن ابیطالب و دیگر امامان بعد از او را دوست بدارد.

عرض شد: یا رسول الله امامان بعد از شما چند نفرند؟ فرمود:

عدد اسباط بنی اسرائیل (دوازده نفر)

جنادة بن ابی امیة روایت کرده است که در مسمومیت حضرت امام حسن «علیه السلام» که با آن به شهادت رسیدند به خدمت آن حضرت مشرف شده ملاحظه کردم در پیش روی او طشتی گذاشته بودند و بر اثر ستمی که

معاویه به آن حضرت داده بود پاره پاره جگر مبارکش در آن طشت می ریخت، سپس گفتم: ای مولای من چرا خود را معالجه نمی کنی؟ فرمود:
ای بنده خدا مرگ را به چه چیز می توان علاج کرد.

گفتم: انا لله وانا اليه راجعون. پس به جانب من ملتفت شد و فرمود که:
خبر داد ما را رسول خدا «صلى الله عليه وآله وسلم» که بعد از او
دوازده خلیفه و امام خواهند بود. یازده کس ایشان از
فرزندان علی و فاطمه باشند و همه ایشان به تیغ و یا به زهر
شهید شوند...^۵

در پایان این بحث، یک روایت را که قندوزی از دانشمندان اهل سنت
در کتاب ینابیع المودة ذکر کرده برای اثبات و توضیح مطلب محل بحث
یادآور می شویم. اجمال آن خبر چنین است که یک نفر از یهودیهای مدینه به
حضور امیرالمؤمنین «علیه السلام» آمد و مسائلی از آن حضرت پرسش کرد و
پاسخ همگی را به خوبی شنید. یکی از آن سئوالات این بود که گفت: اخبرنی
کم لهذه الامة بعد نبيها من امام. خبر بده مرا که برای این امت پس از پیامبر
چند امام است؟ امام در پاسخ فرمود:

لهذه الامة بعد نبيها اثنا عشر اماما لا يضرهم خلاف من خالفهم.
برای آنان دوازده امام است که مخالفت مخالفین، ضرری به آنان
نمی رساند.

یهودی گفت: راست گفتی.

از جمله پرسشهایش این بود که چه کسی با پیامبر در جایگاه او در
بهشت ساکن خواهد شد و همنشین پیغمبر در آنجا کیست؟ حضرت
فرمود:

والذی یسکن معه فی الجنة هولاء الائمة الاثنا عشر اولهم انا و
آخرهم القائم المهدي^۱

کسانی که با پیغمبر در بهشت خواهند بود همین امامان دوازده
گانه که من اول آنانم و مهدی قائم آخرین آنان است.

یهودی گفت: راست فرمودی و خلاصه پس از شنیدن جواب هر یک از
پرسشهای هفتگانه، آن یهودی مسلمان شد و شهادت بر وحدانیت خدا و
رسالت رسول الله و وصایت علی «علیها السلام» داد.

باری، طبق روایات شریفه و نصوص بسیار رشته ولایت، همواره ثابت
است و حلقه مفقوده ندارد و پرونده امامت، هرگز بسته نخواهد شد و عصر
حاضر، عصر امامت حضرت حجة ابن الحسن «ارواحنا فداه» است.

زیرنویسها و یادداشتهای

پیشوایان دوازده گانه

- ۱ - سوره توبه، آیه ۳۶
- ۲ - سوره اعراف، آیه ۱۶۰
- ۳ - سوره مائده، آیه ۱۲
- ۴ - کفایة الاثر، ص ۸۶
- ۵ - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۳۸ - الانوار البهیة، حالات حضرت امام حسن،
ص ۴۰
- ۶ - ینابیع المودة، ص ۴۴۳ به نقل منتخب الاثر، ص ۶۲ - حدیث ۱۰

مهدی موعود «ارواحنا فداء» در دیدگاه قرآن

قرآن که منبع اصلی فرهنگ، عقائد و معارف اسلامی است و همه مسلمانان باید از این کانون حقائق ملهم شوند، متضمن و حاوی آیات زیادی است که با شخص ولی عصر، امام زمان «ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء» و با دوران پرتالو ظهور آن حضرت و یاران با وفایش تطبیق شده و یا اصولاً آن آیات کریمه نظر به وجود مقدس آن حضرت دارند که نمونه‌هایی از آن آیات را در اینجا ارائه می‌دهیم تا موجب افزایش ایمان و مزید اعتقاد همگان نسبت به حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف» گردد:

الف: ذلک الكتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب^۱
این کتاب بی هیچ تردیدی راهنمای پرهیزکاران است. آنان که به غیب ایمان دارند.

ایمان به غیب در این آیه کریمه به حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» تفسیر یا تطبیق شده است، چنانکه داود رقی می‌گوید: امام صادق

«علیه السلام» راجع به این آیه فرمود:

من اقرّ بقیام القائم انه حقّ^۲

[مقصود از مؤمن به غیب] کسی است که اقرار به قیام قائم - آل محمد - کرده، آن را حق و امری مسلم بداند.

مرحوم شیخ صدوق می گوید: یکی از مخالفین، با من در مورد این آیه شریفه، بحث می کرد و می گفت: ایمان به غیب در گفتار خداوند «الذین یؤمنون بالغیب» به معنی کسانی است که ایمان به بعث، نشور و احوال قیامت دارند.

من پاسخ دادم: در تأویل خود، راه جهل را پیموده و در گفتارتان به گمراهی افتادید زیرا بسیاری از فرقه های مشرکین و مخالفین دین اسلام نیز ایمان به بعث، نشور، حساب، روز قیامت و ثواب و عقاب دارند و خداوند مؤمنان را به چیزی ستایش نمی کند که فرق کفر و جحود در آن مشترک باشند بلکه آنان را به چیزی که مخصوص مؤمنان و ویژه آنان است و هیچکس با آنان در آن صفت ممتازه شریک نیست - ایمان به ولی عصر، امام زمان «ارواحنا فدا» - مدح و ستایش نموده است.^۳

ب: یریدون ان یطفثوا نور الله بافواهم و یأبی الله إلا ان یتّم نوره ولو کره الکافرون^۴

کافران می خواهند نور خدا را با دهانهای خود و گفتارهای جاهلانه خاموش کنند و خداوند ابا دارد مگر اینکه نور خود را به حدّ کمال برساند هر چند که کافران ناراضی باشند.

اکنون ملاحظه فرمائید که در زیارت حضرت صاحب الامر می خوانیم:
السلام علیک یا نور الله الذی لا یطفی. سلام بر تو ای نور خدا که هرگز

خاموش نخواهد شد.

و در زیارت دیگر آن حضرت می خوانیم: السلام علی النور الذی اراد اهل الکفر اطفائه فابی الله الا ان يتم نوره بکرهم و ائده بالحیوة حتی یظهر علی یده الحق برغمهم.^۵ درود بر آن نوری باد که پیروان کفر، اراده کردند آن را خاموش کنند ولی خداوند نخواست، مگر اینکه نور خود را تمام کند با اینکه آنان خوش نداشتند، و او را با حیات و زندگی، تأیید فرمود تا بر خلاف خواست و اراده کفار، حق را به دست او ظاهر و غالب گرداند. این جملات زیارت، بگونه ایست که گویا آیه شریفه مورد اشاره را تفسیر می کند.

ج: هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون^۶

اوست خدائیکه رسول خود (محمد ص) را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم، تسلط و برتری دهد هر چند که مشرکان، ناراضی و مخالف باشند.

زمانی که دین مقدس اسلام بر تمامی ادیان جهان پیروز گردد و همه را زیر سایه عظمت و شوکت خود بگیرد، همان زمان، وقت ظهور مهدی موعود «ارواحنا فداه» است هر چند که با قدرت منطق، و قوت و نیرومندی استدلال در هر زمانی غالب و پیروز است.

د: و لقد ارسلنا موسی باياتنا ان اخرج قومک من الظلمات الی النور و ذکرهم بايام الله^۷

و ما موسی را با آیات خود مان فرستادیم و به او دستور دادیم که قومت را از ظلمات جهل و گمراهی بیرون آر و بسوی نور سوق داده و روزهای خدا را به یادشان بیاور.

در تفسیر آیه آمده که ایام الله (روزهای خدا) سه روز می باشند. یکی روز مرگ و دیگر روز قیامت و سوم روز خروج قائم «علیه السلام».

وجه ارتباط این سه روز با یکدیگر و جهت مشابهت آنها چند نکته است: یکی اینکه هر یک از این سه روز، روز ندامت و پشیمانی گناهکاران است. انسان منحرف و آلوده، در لحظه مرگ، سخت نادم می شود. چنانچه در روز قیامت دچار ندامت خواهد گردید و نیز در روز ظهور ولی عصر «ارواح‌فداه» پشیمان خواهد شد.

نکته دیگر این است که این سه روز، روزهای سرور و نشاط مردان خدا و موسم رسیدن و دست یافتن آنان به رحمت الهی می باشد. مردان خدا در لحظه مرگ شادمان می شوند چه، نوای نواز شکر فرشتگان در گوششان طنین انداز است که: «لاتخافوا و لاتحزنوا و آبشروا بالجنة التي كنتم توعدون».^۸ نترسید و محزون نباشید و بشارت باد شما را به بهشتی که وعده داده می شدید. چنانکه در روز قیامت خرسندند. زیرا رحمت و رضوان خدا را در می یابند «وجوه یومئذ مسفرة ضاحكة مسبشرة»^۹ در آن روز چهره‌هایی درخشان و خندان و فرحناک است. و همین افرادند که در روز ظهور امام منتظر نیز سرور و شادمانند چه آنکه روز عزت خود را می بینند.

بهر حال از آیه، استفاده می شود که موسی مأمور بود قوم خود را به یاد روز ظهور مهدی موعود «ارواح‌العالمین له الفداء» بیاندازد.

ه: ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون.^{۱۰}

و به تحقیق ما در کتب آسمانی نوشتیم بعد از آنکه در لوح محفوظ ثبت کرده بودیم که زمین را بندگان صالح من به وراثت

خواهند گرفت.

امام باقر «علیه السلام» در ذیل آیه می فرماید:

هم اصحاب المهدی فی آخر الزمان^{۱۱}

بندگان صالحی که وارث زمین می شوند، یاران مهدی در آخر الزمانند.

آری، اصحاب مهدی در پرتو قدرت آسمانی امام زمان «ارواحنا فداه» و در پناه وجود مبارک آن حجّت بالغه الهی زمین را به ارث خواهند برد و همه قدرتهای دیگر در آن زمان نابود خواهند گردید.

و: الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکاة و امروا

بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الامور.^{۱۲}

کسانی (خدا را یاری می کنند) که اگر اقتدار و امکاناتی در زمین به آنان دهیم نماز بپا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و عاقبت کارها از آن خداوند متعال است.

امام باقر «علیه السلام» در ذیل این آیه می فرماید:

فهذه لآل محمد «صلی الله علیهم» الی آخر الائمة و المهدی و

اصحابه یملکهم الله مشارق الارض و مغاربها.^{۱۳}

این مطالب درباره آل محمد «علیهم السلام» همگی تا آخرین امامان و حضرت مهدی و اصحاب اوست که خدا مشارق و مغارب زمین را در تصرف آنان قرار می دهد.

وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم

فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم

الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم أمنا یعبدوننی

لا یشرکون بی شیئاً و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون.^{۱۴}
خداوند وعده فرموده به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای
شایسته انجام دهند که زمین را به خلافت به آنان دهد و به جای
اُمم سابقه، اقتدار بخشد، چنانکه اُمتهای صالح قبلی را پیش از
اینها جانشین پیشینیان قرار داد و وعده فرموده دینی را که برای
آنان پسندیده (اسلام را) بر همه ادیان تمکین و تسلط بخشد و
پس از ترس، ایمنی کامل به آنان دهد که مرا ستایش کنند و هیچ
چیز را شریک من ندانند و نگیرند و هر کس بعد از این کافر شود
جزو بدکاران و گناهکاران خواهد بود.

از امام صادق «علیه السلام» نقل شده است که: مقصود، حضرت قائم و
اصحاب اویند^{۱۵} و بنا بر این امام زمان و یارانش جانشین گذشتگان در زمین
می شوند و ترس و هراس آنان مبدل به امن و آسایش می گردد و خدا را در
زمین بندگی می کنند.

ح: اَمِنْ يَجِيبُ الْمَضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ^{۱۶}

بلکه آن خدائی بهتر است که دعای بیچارگان مضطر را به اجابت
می رساند و رنج و غم آنان را برطرف می سازد.

حضرت امام صادق «علیه السلام» فرمود:

نزلت فی القائم من آل محمد «علیهم السلام» هو والله المضطر الذی
اذا صلی فی المقام رکعتین و دعا الی الله فاجابه و یکشف السوء
و یجعله خلیفة فی الارض.^{۱۷}

یعنی آیه اَمِنْ يَجِيبُ .. در باره قائم آل محمد «علیهم السلام» نازل
شده است، به خدا سوگند اوست آن مضطر که چون در مقام

ابراهیم دو رکعت نماز به جا آورد و خدای را بخواند خداوند اجابت کرده و نگرانی او را مرتفع سازد و او را جانشین در زمین قرار خواهد داد.

ط: و نريد أن نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين.^{۱۸}

ما اراده کردیم بر آنان که در زمین به ضعف کشیده شدند، منت بگذاریم و آنان را پیشوایان خلق قرار داده و وارثان ملک گردانیم. این آیه شریفه هم تطبیق با امام زمان و اصحابش شده است، چنانچه در صفحات بعد این مطلب با استناد به فرمایشات حضرت امیرالمؤمنین «علیه السلام» خواهد آمد.

ی: الم تروا ان الله سخر لكم ما في السموات وما في الارض و اسبغ عليكم نعمه ظاهرة و باطنة.^{۱۹}

آیا نمی بینید که خداوند انواع موجوداتی که در آسمانها و زمین است را برای شما مسخر کرده و نعمتهای ظاهری و باطنی خود را برای شما کامل گردانید؟

امام موسی بن جعفر «علیهما السلام» در ذیل این آیه می فرماید:

النعمة الظاهرة الامام الظاهر و الباطنة الامام الغائب يغيب عن ابصار الناس شخصه و يظهر له كنوز الارض و يقرب عليه كل بعيد.^{۲۰}

ظاهر، امام ظاهر و نعمت باطن، امام غائب است. که از دیده های مردم پنهان می گردد و خداوند گنجهای زمین را برای او ظاهر می گرداند و هر بعیدی را برای او نزدیک خواهد فرمود.

یا: و فی السماء رزقکم و ما توعدون فورب السماء و الارض انه لحق
مثل ما انکم تنطقون.^{۲۱}

و در آسمان است رزق شما و آنچه را که وعده داده شدید، پس
سوگند به خدای آسمان و زمین این مطلب مانند سخن گفتن
خود شماها حق و ثابت است.

علامه مجلسی از کتاب غیبت شیخ طوسی از ابن عباس نقل کرده
است که: مقصود از جمله «و ما توعدون» قائم آل محمد است. و نیز فرموده:
آیه بعد «فورب...» هم درباره امام زمان است یعنی سوگند به خدا، وعده
آسمانی ظهور ولی عصر، حق است.^{۲۲}

بنابر این رزق مردم از آسمان و نیز ظهور ولی عصر، امری آسمانی است.
خوانندگان عزیز! یادآوری موضوع امام زمان پس از موضوع رزق مردم از
ظرافت خاصی برخوردار است، زیرا بدین طریق مردم را به این نکته توجه
می دهد که رزق مردم و حیات و زندگی آنان در پرتو وجود ولی عصر «عجل الله
تعالی فرجه» است. چنانچه در زیارت جامعه می خوانیم: و بکم ينزل الغيث. ای
خاندان عصمت به برکت شما باران فرود می آید. و در دعای عدیله
می خوانیم: و بیمنه رزق الوری یعنی به برکت امام زمان، مردم روزی
می خورند.

نکته و وجه تناسب دیگر این است که همچنان که رزق و روزی تأمین
حیات بشر می کند وجود مقدس امام «علیه السلام» نیز تأمین کننده حیات
معنوی انسانها بوده و بشر در زندگی انسانی خود سخت نیازمند به وجود
امام است.

یب: اعملوا ان الله یحیی الارض بعد موتها قد بینا لکم الایات لعلکم

تعقلون. ۲۳

بدانید که زمین را خداوند پس از مرگش حیات می بخشد و زنده خواهد کرد ما آیات و نشانه‌های قدرت خود را برای شما بیان کردیم تا شاید فکر و عقل خود را به کار برید.

مرحوم علامه مجلسی نقل می کند که امام باقر «علیه السلام» در این باره فرمود: خداوند زنده می کند زمین را بوسیله قائم آل محمد (بعد موتها) یعنی بعد از کافر شدن اهلش چه آنکه آدم کافر، مرده است. ۲۴ و نیز نقل نموده که ابن عباس درباره آیه فوق فرموده: «یصلح الله الارض بقائم آل محمد بعد موتها بعد جور اهل مملکتها» (خداوند زمین را به وسیله قائم آل محمد زنده خواهد فرمود، بعد از آنکه اهل مملکت آن در گرداب جور و جفا افتاده باشند) ۲۵

یج: یریدون لیطفثوا نورا لله بافواهم والله متم نوره ولو کره

الکافرون. ۲۶

ترجمه این آیه ضمن آیه سوره توبه گذشت.

ید: هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین

کله ولو کره المشرکون ۲۷

ترجمه این آیه نیز ضمن آیه سوره توبه گذشت.

یه: قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن یأتیکم بماء معین ۲۸

بگو (به آنان) بنگرید که اگر آب (مایه زندگی) شما صبحگاهی به

زمین فرورود کیست (جز خدا) که آب گوارا برای شما بیاورد؟

به نقل شیخ صدوق امام صادق «علیه السلام» در ذیل این آیه می فرماید:

ارایتم ان غاب عنکم امامکم فمن یأتیکم بامام جدید؟ ۲۹

اگر امام شما غائب گردد کیست که امامی برای شما بیاورد؟
باری بنا بر این موضوع وجود و غیبت و ظهور حضرت مهدی
«علیه السلام» در آیات لطیف قرآنی و به لسان وحی آمده و تذکر داده شده است.

زیرنویسها و یادداشتهای

مهدی موعود «ارواحنا فداه» در دیدگاه قرآن

- ۱- سوره بقره، آیات ۱ و ۲
- ۲- اکمال الدین، ص ۱۷
- ۳- اکمال الدین، ص ۱۸
- ۴- سوره توبه، آیه ۳۲
- ۵- مفاتیح الجنان، ص ۵۲۸
- ۶- سوره توبه، آیه ۳۳
- ۷- سوره ابراهیم، آیه ۵
- ۸- سوره فصلت، آیه ۳۰
- ۹- سوره عبس، آیات ۳۸ و ۳۹
- ۱۰- سوره انبیا، آیه ۱۰۵
- ۱۱- مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۶
- ۱۲- سوره حج، آیه ۴۱

- ۱۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷
- ۱۴ - سوره نور، آیه ۵۵
- ۱۵ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۴
- ۱۶ - سوره نمل، آیه ۶۲
- ۱۷ - غایة المرام، سید بحرانی، ص ۴۰۳
- ۱۸ - سوره قصص، آیه ۵
- ۱۹ - سوره لقمان، آیه ۲۰
- ۲۰ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۴
- ۲۱ - سوره الذاریات، آیات ۲۲ و ۲۳
- ۲۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۳
- ۲۳ - سوره حدید، آیه ۱۷
- ۲۴ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۴
- ۲۵ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۳
- ۲۶ - سوره صف، آیه ۸
- ۲۷ - سوره صف، آیه ۹
- ۲۸ - سوره ملک، آیه ۳۰
- ۲۹ - اکمال الدین، ص ۳۵۱

مهدی موعود «ارواح العالمین له الفداء» در نهج البلاغه

موضوع ظهور فرخنده حضرت مهدی «ارواحنا فداء» و دولت حقه اهل بیت و خاندان پیغمبر «علیهم السلام» در کتاب مقدس نهج البلاغه که محتوای آن سخنان پرفروغ حضرت امیرالمؤمنین علی «علیه السلام» و از بهترین متون و مدارک اسلامی است، نیز کراراً بازگو شده است و جزء خبرهای غیبی آن حضرت به شمار می رود. اینک به عنوان نمونه، مواردی چند را یادآور می شویم:

فاذا انتم له النتم رقابکم و اشرتم اليه باصابعکم جاءه الموت فذهب به، فلبثتم بعده ما شاء الله حتى يطلع الله لكم من يجمعکم و يضمّ شرکم فلا تطمعوا فی غیر مقبل و لا تياسوا من مدبر فان المدبر عسى ان تزلّ به احدی قائمته و تثبت الاخری و ترجعا حتى تثبتا جميعا. الا ان مثل آل محمد «صلى الله عليه و آله» كمثل نجوم السماء اذا خوى نجم طلع نجم، فكانکم

مهدی موعود «ارواح العالمین له الفداء» در نهج البلاغه □ ۴۰

قد تکاملت من الله فیکم الصنائع و اراکم ما کنتم تأملون.^۱
زمانیکه شما گردنهای خود را زیر فرمان او (خود امام علی «علیه السلام») قرار دادید «دوران حکومت ظاهری» و با انگشتهای خود به او اشاره کردید مرگ او را دریابد (با شمشیر ابن ملجم کشته شود) و بدان سبب از دنیا رحلت کند سپس مدتی که خواست خدا است بعد از او درنگ کنید تا اینکه خداوند، آشکار کند کسی «صاحب الامر» را که شما را گرد آورد و پراکندگی شما را به اجتماع مبدل فرماید. پس در ریاستهای غیر از حکومت حضرت ولی عصر طمع و امیدی نداشته باشید و از امام زمان که غائب است ناامید نباشید زیرا ممکن است کسی که پشت کرده (امام غائب) یک پایش بلغزد و پای دیگرش ثابت و بر جای بماند و چنان شود که هر دو پایش برگشته تا استوار و پا بر جا گردد (سلطنت ظاهری از دست برود ولی سلطنت واقعی و باطنی ثابت باشد تا زمانی سلطنت ظاهری و باطنی همدست گردند). آگاه باشید که مثل آل محمد «علیهم السلام» مانند ستارگان آسمان است که هر زمان ستاره‌ای ناپدید شد ستاره‌ای آشکار می‌گردد. (یکی از ائمه دین رحلت فرماید دیگری جانشین او گردد) پس چنان است که نعمت‌های خداوند در شما کامل گشته و آنچه را آرزو دارید به شما نشان داده است. (به آرزوی خود که ظهور ولی عصر است دست می‌یابید).

خواننده عزیز! جملات فوق نوید رحمت الهی و بشارت ظهور ولی عصر «ارواحنا فداه» است و حتی ابن ابی الحدید معتزلی هم تصریح بدین

معنی کرده و می گوید مقصود از جمله: فلاتطمعوا فی غیر مقبل... این است که در ریاستهای فعلی که غیر از ریاست مهدی موعود آتیه است امیدی نداشته باشید بلکه امیدتان تنها به او باشد.^۲

يعطف الهوى على الهدى اذا عطفوا الهدى على الهوى و يعطف
الرأى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الرأى.^۳

(چون مهدی ظهور می کند) هوای نفس را به هدایت برمی گرداند آنگاه که مردم هدایت را به هوای نفس برگردانده و پیرو هوسها شده باشند و رأی را به قرآن برمی گرداند، آنگاه که مردم قرآن را به رأی، اندیشه خود برگردانده باشند.

در ذیل جریان بیرون رفتن آن حضرت با کمیل و سخنانی که با او دارند، می فرماید:

اللهم بلى لاتخلوا الارض من قائم لله بحجة اما ظاهراً مشهوراً و
اما خائفاً مغموراً لثلاً تبطل حجج الله و بيناته...^۴

بار خدایا همانا زمین خالی نمی ماند از کسی که دین خدا را با حجت و دلیل بر پا دارد و آن کس یا آشکار و مشهور است (مانند امامان غیر از ولی عصر «ارواحنا فداه») و در حال ترس و نهان است (مانند حجت ابن الحسن «عجل الله تعالی فرجه») تا حجتها و دلیلهای روشن پروردگار از بین نرود.

لتعطف الدنيا علينا بعد شماسها، عطف الضروس على ولدها
و تلا عقيب ذلك: و نريد ان نمث على الذين استضعفوا في
الارض و نجهلهم الوارثين.^۵

همانا دنیا به ما می چسبد و مهربان شود مانند رو آوردن شتر

مهدی موعود «أرواح العالمین له الفداء» در نهج البلاغه □ ۴۲

بدخو به بچّه خویش. آنگاه این آیه شریفه را قرائت کردند: و نرید

ان نمن علی الذین ...

اینها نمونه‌هایی چند از سخنان دلنواز حضرت علی ابن ابیطالب در

موضوع ظهور مهدی موعود «ارواحنا فداء» است که قلوب افسرده و روانهای

خسته را امیدوار کرده و نوازش می‌دهد تا بدانند همواره جهان بی‌سر و

سامان نخواهد بود و همیشه میدان از آن حکام جور و خودکامگان خونخوار

نبوده و نوبت به اولیاء الهی هم خواهد رسید.

زیرنویسها و یادداشتهای

مهدی موعود «ارواح العالمین له الفداء» در نهج البلاغه

- ۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۹۹
- ۲- شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۹۴
- ۳- نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۳۸
- ۴- نهج البلاغه فیض الاسلام، کلمه ۱۳۹
- ۵- نهج البلاغه فیض الاسلام، کلمه ۲۰۰

مهدی موعود «عجل الله تعالی فرجه» در اخبار و

احادیث

اخبار و روایات فراوانی در موضوعات مختلف معارف اسلامی و اصول عقاید، احکام، اخلاقیات و اجتماعیات وارد شده است. لیکن در کمتر موردی به اندازه موضوع حضرت ولّی عصر «ارواح العالمین له الفداء» روایت نقل شده است. احادیث مربوط به این باب، قسمت عمده‌ای از روایات را تشکیل می‌دهد و مهمتر اینکه نه تنها این روایات در جوامع شیعه نقل شده بلکه در کتب حدیث اهل سنت نیز بطور مبسوط نقل شده است و نیز بعضی از آنان مستقلاً کتابهایی به نام آن حضرت تألیف نموده‌اند. از این رو روایات راجع به مهدی موعود «ارواح العالمین له الفداء»، متواتر یا نزدیک به حدّ تواتر است. چه آنکه قطبهای متخالف و جناحهای متضادّ در عقائد، در این موضوع هم‌نوا و هم‌آهنگ شده و روایات بسیاری را نقل کرده‌اند که ضمن بحث‌های گذشته

قسمتی از آن اخبار را ملاحظه فرمودید و در اینجا نیز دو سه نمونه از روایات وارده را ذکر می‌کنیم چه یادآوری روایات زیاد از حوصله بحث ما خارج و با وضع نوشته مختصر ما نامناسب است. چنانکه ذکر همه روایات در قدرت کسی نیست و هرگز نمی‌توان مجموعه احادیثی که درباره امام زمان «ارواحنا فداه» رسیده را استیفا کرده و استقصا نمود.

۱ - علامه سید محسن امین از ابوسعید خدری نقل کرده که رسول الله

به فاطمه «علیها السلام» فرمود:

يا بنية انا اعطينا اهل البيت سبعا لم يعطها احد قبلنا، نبينا
خير الانبياء و هو ابوك و وصينا خير الاوصياء و هو بعلک و
شهيدنا خير الشهداء و هم عم ابیک حمزة و منا من له جناحان
خضيبان يطير بهما في الجنة و هو ابن عمک جعفر و منا سبطا
هذه الامة و هما ابناک الحسن و الحسين و منا والله الذي لا اله الا
هو مهدى هذه الامة الذي يصلى خلفه عيسى بن مريم ثم ضرب
بيده على منكب الحسين فقال: من هذا ثلاثاً.^۱

یعنی: دخترم! هفت چیز به ما خاندان عطا شده که به احدی پیش
از ما داده نشده، نبی ما بهترین انبیاء است که پدر تو است و
وصی ما بهترین اوصیاء است که همسر تو است و شهید ما
بهترین شهداست که عموی پدر تو حمزه است و آن کس که با
دو بال رنگین در بهشت پرواز می‌کند از ماست و او عموزاده تو
جعفر است و دو سبط این امت فرزندان تو حسن و حسین از
مایند و سوگند به خدائیکه جز او خدائی نیست مهدی این امت
که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می‌خواند از ماست، آنگاه

دست بر شانه امام حسین زد و سه بار فرمود: مهدی از این است.

شیخ صدوق نقل کرده که امام حسین «علیه السلام» فرمودند:

منا اثناعشر مهدياً اولهم امير المؤمنين علي بن ابي طالب و
آخرهم التاسع من ولدي وهو الامام القائم بالحق يحيى الله به
الارض بعد موتها و يظهر به دين الحق على الدين كله ولو كره
المشركون له غيبة يرتد فيها اقوام و يثبت على الدين آخرون
فيؤذون و يقال لهم متى هذا الوعد ان كنتم صادقين اما ان الصابر
في غيبته على الاذى و التكذيب كالمجاهد بالسيف بين يدي
رسول الله «صلى الله عليه و آله وسلم».^۲

یعنی: دوازده نفر مظاهر هدایت از مایند که اول آنان امیرالمؤمنین
و آخر آنان نهمین فرزند من، امامی است که حق را برپا خواهد
داشت. خداوند زمین مرده را به وجود او زنده خواهد فرمود و در
پرتو او دین حق را بر همه ادیان، غالب خواهد گردانید هر چند
که کفار را خوش نیاید. برای او غیبتی است که اقوامی در آن
دوران غیبت (طولانی) از دین برمی گردند و گروههایی نیز در
ایمان خود ثابت می مانند لیکن اینان مورد اذیت و آزار منکرین
قرار می گیرند و به آنها گفته می شود اگر راست می گوئید پس
چه زمانی وعده ظهور فرا می رسد. آگاه باشید کسی که در غیبت
ولی عصر بر این آزارها و تکذیبها صبر کند (و در عقیده خود
سست نگردد و پایدار بماند) به منزله کسی است که با شمشیر

مهدی موعود «عجل الله تعالی فرجه» در اخبار و احادیث □ ۴۸

در خدمت رسول الله جهاد کرده باشد.

باز هم شیخ صدوق «رضوان الله علیه» نقل فرموده که عبید بن زراره گفته

است: شنیدم امام صادق «علیه السلام» می فرمود:

يفقد الناس امامهم يشهد الموسم فيراهم ولا يرونه^۳

مردم امام خود را از دست داده و گم می کنند او در مراسم حج

حاضر می شود و مردم را می بینند ولی آنان او را نمی بینند.

زیرنویسها و یادداشتهای

مهدی موعود «عجل الله تعالی فرجه» در اخبار و احادیث

۱ - المجالس السنیة، ج ۵، ص ۵۲۳ نقل از غیبت شیخ طوسی، ضمناً ابن صباغ مالکی هم در الفصول المهمة ص ۳۱۵ مشابه این را نقل کرده است.

۲ - کمال الدین، ص ۳۱۷

۳ - اکمال الدین، ص ۳۵۱

طلوع خورشید ولایت در پگاه نیمه شعبان

شب نیمه ماه شعبان از شبهای با فضیلت و مسعود است و بعد از لیلة القدر افضل لیالی و بهترین شبها به شمار می رود و از نظر آثار و نتایج، نمونه ای از شب قدر می باشد و بلکه از جمله شبهایی است که احتمال مصادفت با شب مبارک قدر را دارد.

در چنین شبی به سال ۲۵۵ ق خورشید آسمان فضیلت و بزرگترین پایگاه ولایت و امامت در شهر سامرا چشم به جهان گشود و عالم را با قدم مبارک خود نورانی ساخت و خدای بزرگ، در این فرخنده شب به حضرت عسکری «علیه السلام» فرزندی و به جهان و جهانیان پدر و رهبری فرزانه عطا نمود. آن حضرت فرزند منحصر و خلیف صالح و یگانه پدر بزرگوارش بود، زیرا امام یازدهم را جز ولی عصر فرزندی نبوده و نیست و چون آتیه درخشان و نقشهای طرح شده آسمانی او و مقدرات روشن و تابناکش در نزد پدر بزرگوارشان کاملاً معلوم بود و با بینش غیبی برنامه های خیره کننده و

جهانی او را می‌دید فوق‌العاده از ولادت این فرزند برومند و یگانه، سرور و شادمان بودند.

محدث قمی «علیه‌الرحمة» می‌نویسد: لَمَّا وَلِدَ السَّيِّدَ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» ابْعَثُوا إِلَيَّ ابِي عَمْرٍو فَبِعَثَ إِلَيْهِ فَقَالَ اشْتَرِ عَشْرَةَ آلَافٍ رَطْلٍ خَبِزاً وَعَشْرَةَ آلَافٍ رَطْلٍ لِحِمَاءٍ وَفَرَقَهُ وَعَقَّ عَنْهُ بِكَذَابٍ وَكَذِاشَاءٍ.^۱

یعنی: چون امام زمان تولد یافت حضرت عسکری «علیه‌السلام» ده هزار رطل نان و گوشت میان بینوایان تقسیم کرد و چون در خطوط نامرئی و نامحسوس پیشانی پرفروغ کودکی ماهوش خود فتح جهان و پیروزی بر مردم اقطار عالم را می‌خواند و چهره تابناک محمد رسول‌الله را در آئینه چهره زیبای فرزند دل‌بند خود می‌دید از این رو به فرمان حق او را به همین اسم گرامی نام‌گذاری فرمود، و راستی که چه محبوب و عزیز بود و چقدر ملاقاتش لذت بخش که آن شب را امام عسکری «علیه‌السلام» در انتظار مقدم این کودک آسمانی نخفت و چشم روی هم نگذاشت و همواره چشم به راه بود.

هنگام سپیده دم که لطیف‌ترین نسیم روح پرور صبحگاهی می‌وزد و جهان در یک حالت صفا و روحانیت خاصی است و نمونه تسلیم محض و سکوت تام است، مسخر کننده جهان و جهانیان و صفا بخش جامعه و نور جلال احدیت، مهدی آل محمد «علیهم‌السلام» طلوع کرد. آن بزرگوار چون قدم به عرصه گیتی نهاد نمایشی از هدف‌نهایی خلقت را به جا آورد یعنی سر به سجده گذاشته و بدین ترتیب عالی‌ترین مظاهر بندگی را نشان دادند. شگفتا! چقدر لطافت و روحانیت دارد و چه جذاب و دلرباست که کودک پس از تولد از مادر در دقایق اول زندگی در برابر معبود ذوالجلال به خاک

افتد و سجده کند!

شگفت‌انگیزتر آنکه در آن لحظات، انگشتان سبّابه را به طرف آسمان گشود و سخن را به یاد خدا آغاز نمود و گفت: **اشهدان لا اله الا الله**. و سپس به یاد جدّ امجدش حضرت محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» گفت: **وان جدی رسول الله**. آنگاه به یاد جدّ والا گهرش حضرت علی «علیه السلام» گفت: **وان ابی امیر المؤمنین وصی رسول الله**. سپس یک یک امامان را شمرده، شهادت بر ولایتشان داد تا به خودش رسید. آنگاه عرض کرد: **اللهم انجز لی وعدی و اتمم لی امری و ثبت لی و طأتی و املاء الارض بی عدلاً و قسطاً**. بار خدایا وعده‌ای که به من دادی منجز و عملی گردان و امر مرا کامل فرما و قدم مرا استوار کن و زمین را به وسیله من پر از عدل و قسط گردان.

بر ذراع مبارک حضرتش به قلم قدرت الهی این آیه نوشته شده بود: **جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقاً**^۱ (حق آمد و باطل رفت البته باطل نابود شدنی است). آنگاه حضرت حکیمه دختر حضرت جواد «علیه السلام» کودک عزیز و محبوب فرشتگان را به حضور پدرش امام عسکری «علیه السلام» برد، تا دیده آن حضرت به رخسار مبارک پدر افتاد سلام عرض کرد، آنگاه امام عسکری «علیه السلام» فرمودند: ای فرزند سخن بگو. امام عصر به قدرت الهی گفت: **اعوذ بالله من الشیطان الرجیم**. آنگاه این آیه را قرائت فرمود: **و نرید ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین**^۲.

ولادت فرخنده مهدی موعود موجی عظیم از نشاط و خرمی در خانه امام حسن عسکری «علیه السلام» به وجود آورد و خاندان پیغمبر را غرق در سرور و شادی ساخت و گویا دوستان خصوصی و دلدادگان فداکار امام

عسکری «علیه السلام» نیز انتظار چنین روز با شکوهی را داشتند و از این رو امام یازدهم به آنان اطلاع داده و آنها را نیز از انتظار بیرون آوردند. چنان که علامه مجلسی از احمد بن حسن بن اسحاق قمی نقل کرده که: چون خلف صالح تولد یافت نامه‌ای از ناحیه حضرت امام حسن عسکری «علیه السلام» برای جدم احمد بن اسحاق آمد که در آن نامه به خط خود مرقوم فرموده بودند: ولد المولود فلیکن عندک مستوراً و عن جمیع الناس مکتوماً فانما لم نظهر علیه الا الاقرب لقرابته و المولی لولایته احببنا اعلامک لیسرک الله به کما سرنا و السلام. ^۴ (آن مولود مقدس و گرامی تولد یافت پس این موضوع در نزد تو پوشیده باشد و از همه مردم آن را پنهان دار زیرا ما کسی را بر این مطلب آگاهی ندادیم جز نزدیکترین یاران و کسانی که سخت به او علاقه می‌ورزیدند. دوست داشتیم تو را بر ولادت مقدسش آگاه کنیم تا همچنان که ما خود مسرور شدیم تو نیز فرحناک و شادمان گردی).

بلی، هر کس در خود احساس ولایت و دوستی با پیامبر و خاندان جلیل رسول الله می‌کند در نیمه شعبان به نحوی سرور قهری و نشاط و خرمی در خویشتن احساس می‌کند و چه نیکو سرود پیر عارف بزرگوار، مرحوم آیت الله آخوند ملا محمد جواد صافی گلپایگانی «رضوان الله تعالی علیه»:

نیمه شعبان شد و وقت نشاط	باد صبا زد به گلستان بساط
وقت نشاط و طرب و خرمی است	روح دگر در بدن آدمی است
خیل فرح را سوی جان نهضت است	خلوت دل را ز صفا نزهت است
باز جهان زندگی از سر گرفت	طرف چمن رونق دیگر گرفت
باز جهان را سر آرایش است	نور خداوند در افزایش است

از دل غم‌دیده زداید ملال	به به از این شب که چو روز وصال
روشن از آن آنچه به بالا و پست	وه! چه شبی جلوۀ روز الست
ز اول و آخر همه فتح و نوید	وه! چه شبی حاکی صبح امید
کرده جهان پرز نشاط و سرور	وه! چه شبی لجة دریای نور
این شب فیروز همه نور زاد	هر شب اگر صبح به دستور زاد
و از نفسش چشمه حیوان چکید	صبح شد و باد عنایت وزید
کرد جهان رشک جنان سر بسر	صبح شد و لطف خدائی دگر
غلفله در عالم بالا فکند	پرده چو از عارض زیبا فکند
رحمت حق گوهر خود را نمود	از صدف غیب به ملک شهود
زد به جهان خسرو عالم قدم ^۵	نازده این خسرو گردون علم

زیرنویسها و یادداشتهای

طلوع خورشید ولایت در پگاه نیمه شعبان

- ۱- الانوار البهیة، ص ۳۰۶
- ۲- سوره اسراء، آیه ۸۱
- ۳- ترجمه آیه در صفحه ۳۳ گذشت.
- ۴- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶
- ۵- صافی نامه، ص ۵۵

شب ولادت مهدی به یاد حسین «علیهما السلام»

اعیاد و جشنهای اسلامی و مواقع سرور و خرمی در اسلام، همواره توأم با برنامه‌های عبادت و یاد خدا و تجدید خاطره‌های سازنده و حیات بخش است. مردمان بی بند و بار، از جشنها و اوقات سرور خود جز پایکوبی‌های بی ربط کودکانه و عیش و نوش‌های مادی شهوانی و میگساری و ترویج فحشاء هدف دیگری ندارند و حتی این گونه مردمان سبکسر و مبتذل، اعیاد مقدس اسلامی را نیز از این دریچه می‌نگرند و به جای اینکه چنین جشنهای اصیل آسمانی را با برنامه‌های مقدس و روح افزای مقرر و مناسب خودش بگذرانند، و آن اعیاد را نردبان ترقی و کمال و دروازه رشد و فضیلت خود قرار داده و گامی فراتر به سوی کمال انسانی بردارند، متأسفانه در این اوقات، برنامه‌های منحط همیشگی خود را پیاده کرده و از معنویات باز می‌مانند.

نیمه شعبان، خاطره بزرگ ولادت مهدی موعود را یادآوری می‌کند و سالروز تولد بزرگترین مصلح جهانی، و بقیة الله و یادگار امامان پاک و مظهر

قدرت خدای جهانیان بوده، بهترین موقعیت برای جان گرفتن و نیرومند شدن و اتصال و پیوند با خدا و مایه دار شدن است و ارزشمندترین فرصت برای بینش و آگاهی یافتن انسانها و زمان رشد یافتن و فصل وحدت و بهم پیوستگی گروههای اسلامی است. اجتماعات فوق العاده مردم در این ایام، زمینه مناسب و مساعدی برای معاونتها و کارهای عام المنفعه و بیان معارف و حقائق اسلامی و تجهیز قوا و بسیج علیه بیدادگری و شناخت جوامع سالم و مبارزه با نظامهای منحرف و استعمارگر است. این روز شریف وقت تطهیر جان و تهذیب نفس و تقرّب به حق از باب ولایت می باشد.

روایاتی راجع به شب مبارک نیمه شعبان وارد شده که برنامه‌هایی را برای مؤمنین تعیین می کند. از جمله این برنامه‌ها برخی اعمال مستحب است مانند غسل که تنظیف ظاهر و باطن است. زیرا با شستن سر و گردن و بدن، ظاهر آدمی پاک می شود و با نیت که ضامن توجه آدمی به خداست، روح و جان انسان پاک می گردد.

از جمله مستحبات آن شب، خواندن دعای کمیل است. دعای کمیل حاوی عالی ترین معارف بلند اسلامی و بهترین اسلوب و روش مناجات و گفتگو با خدای جهانیان است و شب نیمه شعبان از جمله شبهایی است که بالخصوص خواندن دعای کمیل در آن، استجاب دارد.

جمال السالکین مرحوم سید بن طاووس از کمیل بن زیاد نخعی نقل کرده است: شب نیمه شعبان امیرالمؤمنین «علیه السلام» را دیدم که در حال سجده دعای مخصوص - دعای کمیل - را می خوانند.^۱ و از این رو عالم سالک مرحوم آقای حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در آداب شب نیمه شعبان می نویسند: از آداب مخصوصه این شب، خواندن دعای کمیل است و

برای تأسی و پیروی به امیرالمؤمنین «علیه السلام» آن را در سجده بخوانند.^۲
از جمله مستحبات شب نیمه شعبان احیاء و بیدار ماندن این شب به
عبادت است. سبحان الله! شب نیمه شعبان همانند شب قدر مستحب است
که احیاء بدارند.

از جمله عبادت‌های مهم و بسیار با فضیلت این شب، زیارت حضرت
سید الشهداء «علیه السلام» است و البته در اینجا این سؤال پیش می‌آید که
ولادت حضرت مهدی «ارواحنا فداه» چه ارتباطی با زیارت امام حسین
«علیه السلام» دارد که در شب تولد امام زمان «عجل الله تعالی فرجه» زیارت حضرت
ابا عبد الله الحسین «علیه السلام» مستحب باشد؟ ممکن است گفته شود چون
امام حسین «علیه السلام» جد بزرگ آن حضرت است با این زیارت، ولادت
فرزندش را به ایشان تبریک می‌گوئیم، ولی این سخن از جهاتی نمی‌تواند
درست باشد زیرا که در این صورت زیارت حضرت امام عسکری «علیه السلام»
مناسب‌تر بود چه آنکه آن حضرت پدر بلا واسطه و امام حسین «علیه السلام»
پدر با واسطه امام زمان است و اگر گفته شود امام حسین «علیه السلام» چون
پدر بزرگ است زیارت او زیارت بقیه ائمه معصومین «علیهم السلام» مانند امام
حسن عسکری «علیه السلام» نیز هست، گوئیم در این صورت زیارت حضرت
امیرالمؤمنین «علیه السلام» و یا زیارت حضرت رسول الله «صلی الله علیه و آله»
مناسبت‌تر خواهد بود چرا که آن دو بزرگوار پدر ائمه‌اند. پس با این مقدمات
باید گفت حقیقت مطلب مهم‌تر از اینهاست.

زیارت امام حسین «علیه السلام» در این شب حاکی از رابطه مخصوص و
پیوند آسمانی قیام کربلا و نهضت امام حسین «علیه السلام» با حضرت
ولی عصر «ارواحنا فداه» است، زیرا در این قیام مقدس و آسمانی رهبر و

پیشوای نهضت حسین بن علی «علیهما السلام» به خاک و خون کشیده شد و اصحاب و یاران سلحشور و با وفایش در این جهاد مقدس به لقاء الله رسیدند و همه می دانیم که انتقام خون مقتول به دست ولی دم و فرزند مقتول است که: **و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً** ^۳ (خدا فرموده کسی که مظلوم کشته شد و به دست ستمگران و مردم جفاپیشه از پای درآمد برای ولی او سلطنت و قدرت قرار دادیم) چون ولی دم و خلف صالح امام حسین «علیه السلام» نازنین مولود نیمه شعبان، حضرت مهدی «ارواح شیعته لمقدمه الفداء» است و امر انتقام و خون ستانی به دست آن حضرت می باشد و محاکمه قاتلان امام حسین «علیه السلام» موکول به دادگاه و دادخواهی وی خواهد بود، از این رو در شب ولادت مهدی «علیه السلام» زیارت امام حسین «علیه السلام» وارد است و در حقیقت، این زیارت، تبریک و شادباشی به امام حسین «علیه السلام» و بشارتی به مقتول شهید است که ای شهید فضیلت و ای مقتول بی گناه و مظلوم! مژده، مژده که منتقم آمد و بشارت و تبریک که ولی دم سر رسید و انتقام خون پاک تو را با قیام آسمانی خود خواهد گرفت. بنابراین شب مهدی، شب امام حسین «علیهما السلام» نیز هست و زیارت سیدالشهداء در شب تولد قائم در منتهای مناسبت و ارتباط می باشد.

زیرنویسها و یادداشتهای

شب ولادت مهدی بیاد حسین «علیهما السلام»

۱ - اقبال الاعمال، ص ۷۰۶

۲ - المراقبات، ص ۸۶

۳ - سوره اسراء، آیه ۳۳

نقش امام زمان «ارواحنا فداه» در جهان

گاهی می پرسند امام زمانی که از انظار، غائب و از دیده ها پنهان است چه نفع و اثری بر وجود او مترتب خواهد بود. خود این پرسش گواهی می دهد که پرسشگر امام «علیه السلام» را در یک افق پائینی می بیند، چه از سوال برمی آید که وظیفه امام در نظر او تنها بیان صریح و بلا واسطه احکام و حلال و حرام است که چون در زمان غیبت، این مطلب انجام نمی گیرد و مردم به آزادی از درک فیض محضر امام برخوردار نیستند از این رو اشکال وارد می کند که وجود امام غائب چه فائده داشته و چه اثری بر آن مترتب است در حالی که مطلب چنین نبوده و وظیفه امام هم محدود به این مسئله نیست اگر چه یکی از وظایف امام، بیان احکام الهی بوده، بلکه امام پستوانه احکام و مقررات خدا است، اما بیان بلا واسطه احکام، شرط امامت نیست بلکه با واسطه و غیر مستقیم هم ممکن است این معنی صورت گیرد. چنان که در

دوران غیبت تشریح و توضیح احکام الهی به وسیله فقهاء و مجتهدین انجام می شود. ثانیاً کار و شأن امام و وظیفه مقام شامخ و رفیع امامت، فوق اینهاست که حفظ نظام جهان به امر و فرمان خدا می باشد و امام محور و کانون جهان هستی است و ما در اینجا مطلب را به دو نحو از فرمایشات اهل بیت «علیهم السلام» یادآور می شویم، یکی به طور عام و مطلق یعنی نقش امام و هر امامی از امامان، دیگری مقیداً یعنی نقش امام عصر مهدی منتظر «عجل الله تعالی فرجه» و شما خواهید دید که در هر دو مقام یک حقیقت بیان می شود.

اما قسمت نخست:

محدث و عالم بزرگوار شیخ کلینی «رضوان الله تعالی علیه» از ابو حمزه ثمالی نقل نموده است که از امام صادق «علیه السلام» پرسیدم: اتبقی الارض بغير امام؟ قال: لو بقیت الارض بغير امام لساخت. ^۱ آیا زمین بدون امام برقرار می ماند و دوام پیدا می کند؟ فرمود: اگر امام روی زمین نباشد زمین اهل خود را از بین می برد و هلاک و نابود می سازد.

نیز نقل کرده که امام باقر «علیه السلام» فرموده:

لوان الامام رفع من الارض ساعة لماجت باهلها كما يموج البحر باهله. ^۲

اگر وجود امام لحظه ای از روی زمین برداشته شود زمین اهل خود را به امواج و تلاطم می اندازد و نابود می سازد، چنانکه دریای طوفانی، مردم را در میان امواج خروشان خود هلاک می سازد.

روایات متعدّد دیگری نیز به همین مفاد داریم، این نوع روایات، نقش مؤثر امام را در جهان هستی برای ما کاملاً روشن ساخته و تصریح می کنند که امام در برقراری نظام کامل جهان و حیات و زندگی اهل زمان اثر مستقیم

دارند و اگر لحظه‌ای زمین از وجود ایشان خالی بماند اثری از حیات و نشانی از زندگی باقی نمی‌ماند و بنابراین امام حق حیات بر همه انسانها بلکه همه موجودات کرة زمین دارد که همگی در پرتو وجود مبارک امام «علیه السلام» زندگی می‌کنند.

در زیارت جامعه که از بهترین زیارات و متضمن نکات بسیار ارزنده و سازنده‌ای است می‌خوانیم: و بکم ينزل الغيث و بکم يمسك السماء ان تقع على الارض الا باذنه (خداوند به برکت شما اهل بیت و امامان بزرگوار باران را نازل می‌کند و در پرتو وجود شما آسمان را از خرابی و فرو ریختن بر زمین نگاه می‌دارد). باری، محور اصلی و اساس جهان از زمین و آسمان به فرمان پروردگار، امام معصوم «علیه السلام» است و با نبود حضرتش نه آسمان افرشته می‌ماند و نه بارانی فرو می‌ریزد و نه زمین استقرار خواهد داشت بلکه آشوب و اضطراب و موج و تلاطم سراسر عالم را فرا می‌گیرد.

بخش دوم:

آنچه از این مقوله درباره شخص امام زمان «ارواحنا فداه» وارد شده: در دعای عدیله ضمن یادآوری نامهای ائمه «علیهم السلام» می‌خوانیم: ثم الحجة الخلف القائم المنتظر المهدي المرجى الذي ببقائه بقیت الدنيا و بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض و السماء و به یملاء الله الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا. (بعد از امام عسکری، حجّت خدا خلف و یادگار ائمه است، قائمی که همه چشم به راه و امیدوار به اویند، همان که به بقاء او جهان باقیست و به برکت او خلائق روزی داده می‌شوند و زمین و آسمان به وجود او برقرار و استوار می‌باشند و خداوند به وسیله او زمین را سرشار از عدل و داد می‌کند آنگاه که پر از ظلم و جور شده باشد).

این بیان دلنشین، شأن امام زمان «علیه السلام» و مسئولیت خطیر و رفیع آن حضرت را مجسم می‌سازد و نمایشگر نفوذ تأثیر صاحب الامر «ارواحنا فداه» است و اگر امروز از دیدگان مردم، پنهان بوده و در نتیجه، جهان جولانگاه سرکشیهای طاغیان و چپاولگران اجحافگر است، اما بامداد پیروزی مسلمین فرا می‌رسد و سپیده صبح امید می‌دمد و جهان تیره و ظلمانی از نور تابان وجود مهدی موعود به وقت ظهورش روشن خواهد گردید.

انشاءالله

زیرنویسها و یادداشتهای

نقش امام زمان «ارواحنا فداه» در جهان

۱- کافی، ج ۱، ص ۱۷۸

۲- کافی، ج ۱، ص ۱۷۸

منکران مهدی «عجل الله تعالی فرجه» چه می گویند؟

قبلاً تذکر دادیم که اخبار مربوط به مهدی اهل البیت «علیهم السلام» در کتابهای اهل سنت نیز آمده و آنان هم این روایات را نقل کرده اند ولی با کمال تأسف برای بعضی از علمای اهل سنت با وجود آن همه روایات و کتابها موضوع مهدی موعود امر باور نکردنی است، به طوری که زبان به انکار و بلکه به هتاک و جسارت گشوده اند چنانچه محبّ الدّین خطیب در الخطوط العریضه موضوع امام زمان «عجل الله تعالی فرجه» را امری موهوم خوانده و ابن حجر شافعی گفته است:

ما آن للسر داب ان یلد الذی غیبتموه بزعمکم ما آنا
فعلی عقولکم العفاء لانکم ثلثتم العنقاء والفیلاتنا

ابن حجر خیال کرده که شیعه می گوید: امام زمان در سرداب سامرا غائب است و مخفی شده و با این پیش فرض می گوید: آیا وقت آن نرسیده که سرداب، غائبی را که به گمان خود در آن نهانش می دانید ظاهر گرداند.

منکران مهدی «عجل الله تعالی فرجه» چه می گویند؟ □ ۷۲

آنگاه جسارت را به حدّ اعلی رسانده می گوید: خاک بر عقل شما باد که برای عنقاء و غول (دو موجود موهوم) شخص سوّمی پیدا کرده اید.

حاج ملا اسماعیل سبزواری صاحب تألیفات متعدّد می گوید: در شهر «سُرْمَن رَأَى» در سرداب زیارت می خواندم. یکی از علمای سنّی بغداد به نام ابن آلوسی به من می خندید. و از روی استهزاء می گفت: ثلثتم الفقهاء والفیلامنا^۱

بد نیست بدانید که فقهاء بحثی دارند که اگر کسی وصیت کرده باشد قاجیزی از مالش را به نادان ترین مردم بدهند پس از مرگ او باید آن را به چه کسی داد؟ بعضی از علمای شافعی فتوی داده اند، باید به کسی داد که به صحابه بدگویی می کند، در این میان صاحب تئمه شافعی مذهب می گوید: باید آن را به شیعه دوازده امامی داد که منتظر ظهور قائم اند؟!

ما در اینجا بدین دسته از مخالفان و منکران می گوئیم آیا این استبعاد و مخالفت، عناد و لجاجت است یا اشکال و ایرادی دارید که در نتیجه، وجود مهدی موعود «عجل الله فرجه» را انکار می کنید؟

اشکالاتی که گاهگاه در باره امام زمان «علیه السلام» می شود چند جمله و سؤال دیکته شده است. یکی اینکه اگر مهدی، متولد شده چه کسی او را دیده است؟ وانگهی اگر موجود است کجاست که او را ببینیم؟ و چگونه می شود کسی این قدر عمر کند؟ می گویند امام عسکری «علیه السلام» اصلاً فرزندی نداشته بلکه آن حضرت عقیم بوده است زیرا:

۱ - امام عسکری «علیه السلام» به هنگام وفات، مادر خود امّ الحسن را وصیّ خود در وقوف و صدقات و سایر امور قرار داد در صورتی که اگر فرزندی داشت او را وصیّ خود می گردانید.

۲ - جعفر برادر امام عسکری «علیه السلام» انکار کرده که آن حضرت فرزندی داشته و شهادت او که برادر امام است اهمیت به سزائی دارد.

۳ - امام عسکری «علیه السلام» اصحاب فراوانی داشته و غالباً اصحاب او مردمی برخوردار از مال و قدرت بودند و امامان پیش از او اصحابی با آن امکانات نداشتند، چگونه آنان فرزندان خود را کتمان نکردند و فقط امام عسکری «علیه السلام» - آن چنان که شیعه ادعا می کند - فرزند خویش را جز از خواص، پنهان کرده باشد؟

۴ - منابع تاریخی، فرزندی را برای امام عسکری نمی شناسد و چیزی از اخبار راجع به او نقل نکرده اند، روی این دلیل باید گفت امام عسکری «علیه السلام» فرزندی نداشته است.

خوشبختانه همه این حرفها قابل جوابگوئی است.

اینکه گفته می شود اگر مهدی «عجل الله تعالی فرجه» متولد شده چه کسی او را دیده است، می گوئیم: اشخاصی آن حضرت را دیده و زیارت کرده اند. بانوی محترمه، حضرت حکیمه، عمه آن بزرگوار رسماً در جریان وضع حمل بوده و علاوه بر آن موقع در اوقات دیگر هم آن حضرت را دیده است. چهل نفر از اصحاب امام حسن عسکری «علیه السلام» مانند احمد بن اسحاق آن نور الهی را دیده اند که در بحث نواب چهارگانه امام زمان «علیه السلام» یادآور می شویم و همچنین ابوسهل نوبختی در حال وفات حضرت عسکری، امام زمان «علیهما السلام» را زیارت کرده است. نیز محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر که کهن ترین پیرمرد از خاندان پیغمبر «صلی الله علیه و آله» بوده آن حضرت را ملاقات نموده است.

چنانچه شیخ مفید نقل کرده که او گفته است: رأیت ابن الحسن بن علی

منکران مهدی «عجل الله تعالی فرجه» چه می گویند؟ □ ۷۴

بن محمد علیهم السلام بین المسجدین و هو غلام^۲ و نیز ابی عبدالله بن صالح به نقل مفید که «ابو عبدالله صالح راه بحذاء الحجر و الناس یتجاذبون علیه و هو یقول ما بهذا امروا»،^۳ حضرت را ملاقات نموده است و در ذیل اش آمده که «لعل مراده انهم امروا بالاخذ بحجزة الامام فترکوه و اشتغلوا بالحجر الاسود»^۴ و نیز عمرو اهوازی مشرف بدیدار امام شد بنا بر نقل مفید که قال: «ارانیه ابو محمد و قال هذا صاحبکم»^۵ علاوه بر اینها شیخ مفید «رحمة الله علیه» افراد دیگری را ذکر نموده که به شرف ملاقات حضرت مهدی «ارواحا فداء» نائل آمده اند.

بعلاوه لازم نیست اگر کودکی متولد شد همه او را ببینند، بلکه حیثاً جهاتی ایجاب می کند که مطلب کاملاً مخفی باشد و از محدوده خانه کودک تجاوز نکند.

اما اینکه می گوئید اگر هست پس کجاست؟ این هم سخنی ناروا است چرا که به وجود بسیاری از چیزها - با اینکه از مکان آن مطلع نیستیم یا مکانی برایش متصور نیست - اعتقاد داریم همانند وجود ذات حضرت احدیت یا دیگر موجودات غیبی چون فرشته، شیطان و حتی اموری چون درد، فرح، شادی و غصه و اعتقاد به وجود این امور به جهت اطمینان به یک حقیقت است و آن اینکه لازمه وجود چیزی مشاهده ظاهری آن نیست.

اما اینکه می گویند چگونه ممکن است کسی این اندازه عمر کند؟ جوابش این است که مگر شما خدا را شناخته اید و او را قادر و توانا نمی دانید، اگر خدا را نمی شناسید دلیلی ندارد که در موضوع حجّت خدا مهدی موعود «عجل الله تعالی فرجه» بحث کنید. بلکه باید نخست خدا را شناخته و بپذیرید و قدرت کامله او را درک و تصدیق کنید و سپس به سراغ

این بحث بیایید و اگر خدا را با قدرت کامله می‌شناسید و او را توانا بر هر کاری می‌دانید چه اشکال دارد که به یکی از مخلوقاتش عمری طولانی عطا فرماید. در جهان، با وجود آن نظامات و سنن طبیعی چه بسیارند موارد استثنائی که برخی از آن عجائب و شگفتیهای صنع پروردگار را در قرآن کریم می‌توان ملاحظه کرد. سه سوره مبارکه اسراء، کهف و مریم که متعاقب هم قرار گرفته‌اند هر یک متضمن مطالبی شگفت‌انگیز و خارق‌العاده هستند.

سوره کهف متضمن داستان معراج پیامبر اسلام «صلی الله علیه و آله» است که خداوند متعال رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» را با وجود مادّیشان به وقت شب از مکه معظمه به سوی مسجد اقصی در بلاد شام سیر داد. این قسمتی از معراج پیامبر است. و حال آنکه این مسافت به چهل منزل راه می‌رسد و تازه مطابق آیات سوره والنجم از مسجد اقصی هم به سوی آسمانها سیر داده شدند.

در سوره مبارکه کهف داستان اصحاب کهف را بازگو نموده و می‌فرماید: گروهی مهاجر الی الله مدت سیصد و نه سال با قدرت الهی به خواب رفتند و آنگاه بیدار شدند.

سوره مریم داستان حمل حضرت مریم را بیان می‌کند، با اینکه او شوهری نداشته و ساحت پاکش منزّه از گناه بوده است.

حال، منکران حضرت ولّی عصر «ارواح العالمین له الفداء» اگر پیمودن چهل منزل راه در یک شب و سپس صعود به عالم بالا و آسمانها را قبول دارند بی‌تردید عمر طولانی آن حضرت برایشان عجیب و غیر ممکن نخواهد بود. همچنین جریان اصحاب کهف و خواب طولانی شان، و مضاف بر آن جریان باردار شدن مریم «سلام الله علیها» حضرت عیسی «علیه السلام» را بدون وجود

منکران مهدی «عجل الله تعالی فرجه» چه می گویند؟ □ ۷۶

شوهر و بالاتر و مهمتر حضرت آدم «علی نبینا و آله السلام» بدون داشتن پدر و مادر، یا بسردی گرائیدن آتش عظیم نمرود که برای سوزاندن حضرت ابراهیم «علیه السلام» مهیا شده بود، به فرمان خداوند متعال، و یا معجزات حضرت موسی «علیه السلام» ما را به این نکته می رساند که آن چه انجامش از نظر عقلی محال نیست، در میزان قدرت الهی وقوعش بسیار سهل و آسان است و البته توجه دارید موارد بالا که بدان اشاره شد و صراحتاً در قرآن کریم ذکر شده اند، بسیار عجیب و شگفت انگیزتر از طول عمر حضرت ولی عصر «ارواحنا فداه» می باشند.

حکیمی کاین جهان پاینده دارد تواند حجتی را زنده دارد
خداوند در داستان هلاک فرعون می فرماید:

فالیوم ننجیک ببدنک لتکون لمن خلفک آیه و ان کثیراً من
الناس عن ایاتنا لغافلون.^۱

امروز بدن تو را - از آب - نجات می دهیم تا عبرتی برای دیگران
باشی و البته بسیاری از مردم از آیات ما غفلت می ورزند.

در زمان های پیشین که علوم و اکتشافات بشری پیشرفت چندانی
نکرده بود، معنای آیه، چندان روشن و ظاهر نبود، بلکه مفسرین مطابق فهم
خود و با توجه به مقتضیات علمی آن زمان، آیه مربوطه را چنین تفسیر
می کردند که جسد او از دریا به ساحل افتاده بود چون قهراً منظره بدن ناتوان
فرعون مقتدر، در خلال این مدت، برای کسانی که از ساحل می گذشتند مایه
عبرت بود زیرا با خود می گفتند: این است آن کسی که تا دیروز ادعای
خدائی می کرد و «انا ربکم الاعلی» می گفت و اینک پیکر ناتوان و بدن
بیجان روی خاک افتاده و هیچ گونه قدرت و نیرویی ندارد ولی به قول مفسر

دانشمند طنطاوی مصری، متجاوز از صد سال پیش، باستان شناسان فرانسوی به کشور مصر آمده و امتیازی برای پاره‌ای از حفاریها اخذ نمودند، البته انگلیسیها و دیگران نیز در این مسئله شرکت کردند و در خلال حفاریها و کاوشها جسد صحیح و سالمی را یافتند که مرور زمان در او هیچ تأثیری نکرده و چند هزار سال در زمین باقی مانده بود، بر حسب اصول فنی و قواعد باستان شناسی گفتند این همان جسد فرعون معاصر موسی است. دانشمندان دیگر نیز به مصر آمده و جسد را دیده و مطلب مسلم شد، آنگاه آن را در یکی از موزه‌های مهم مصر در معرض نمایش قرار دادند و هم اکنون مردم از اقطار جهان به آن کشور باستانی مسافرت می کنند، تا از مردی پنج هزار ساله دیدار کنند.

اینک در موزه بزرگ لندن جسدهای مومیائی شده‌ای نگهداری می شوند و هر روز هزاران تن از اقطار جهان از این مناظر دیدن می کنند، از همه شگفت انگیزتر منظره یکی از مردگان است که بدنش را از کفن بیرون آورده اند و مانند آدمی است که چمباته زده باشد، گوشت های بدنش رفته و خشکیده ولی بدنش هنوز سالم است، در حالی که مربوط به چهار هزار سال پیش است.

با وجود این مطالب چگونه در طول عمر مبارک حضرت ولی عصر «ارواحنا فدا» مانده و تعجب کنیم، علاوه بر اینکه اصولاً بالا بردن عمر در تحت شرایط خاصی در اختیار و امکان انسان ها نیز هست. چنانچه دکتر ژرژ کلیبز استاد دانشگاه هال در آلمان می گوید: گیاهی است که بر پشت پشه های آبی می روید، این گیاه دو هفته عمر می کند ولی در شرایط خاصی شش سال عمر کرد که درست ۱۵۶ برابر حالت معمولی اش است. خوب اگر

منکران مهدی «عجل الله تعالی فرجه» چه می گویند؟ □ ۷۸

همین تصاعد را در عمر طبیعی انسان در نظر بگیریم و عمر طبیعی انسان را هفتاد سال فرض کنیم، حساب نمائیم عمر انسان به ده هزار و نه صد و بیست سال خواهد رسید، اکنون ده هزار و نه صد و بیست سال کجا و عمر مبارک امام زمان کجا؟

بنا بر این عمری به مراتب طولانی تر از عمر فعلی امام زمان از طریق علل طبیعی و اسباب مادی قابل توجیه است و هیچگونه استبعادی ندارد. اضافه بر اینکه عمرهای طولانی، امری واقع شده و تحقق یافته است چرا که به گفتار دانشمندان، قویترین دلیل بر امکان چیزی وقوع آنست. اگر چیزی در جهان وقوع یافت و محقق شد دیگر جا ندارد که بحث شود آیا فلان چیز امکان دارد یا نه؟ عمرهای طولانی در عالم زیاد واقع شده، هم در مورد موجودات قدسی و هم در موجودات خطرناک و پلید. در موجودات مقدسه یکی حضرت نوح است که قرآن در این باره می فرماید:

و لقد ارسلنا نوحاً الى قومه فلبثت فيهم الف سنة الا خمسين عاماً فاخذهم الطوفان وهم ظالمون.^۷

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم او در میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد آنگاه طوفان آنها گرفت در حالی که آنان ستمگر بودند.

از جمله «ارسلنا» که در این جا به معنی بعث و رسالت است استفاده می شود که نهصد و پنجاه سال، تنها زمان دعوت و رسالت نوح «علیه السلام» بوده است. اما مدت عمر او چقدر بوده خدا می داند و بعضی گفته اند نوح دو هزار و پانصد سال عمر کرد. و درباره حضرت عیسی می فرماید:

وما قتلوه وما صلبوه ولكن شبه لهم.^۸

عیسی را نکشتند و به دار نزدند بلکه بر آنان مشتبه شد.

بنابر این عیسی «علیه السلام» هنوز زنده است و روایاتی داریم که آن حضرت همراه ولی عصر «عجل الله فرجه» خواهد بود. اکنون این سؤال مطرح می گردد که چگونه ممکن است عیسی «علیه السلام» متجاوز از قرن‌ها قبل از حضرت رسول الله «صلی الله علیه و آله» تا به حال زنده باشد و ایرادی نداشته باشد و لیکن حیات امام زمان که دو بیست و پنج سال بعد از هجرت رسول الله «صلی الله علیه و آله» متولد شده محال باشد.

در باره حضرت یونس نیز قرآن کریم می فرماید:

فلولا انه كان من المسبحين للبث في بطنه الى يوم يبعثون.^۱

اگر یونس در شکم ماهی از تسبیح کنندگان نبود هر آینه تا روز قیامت در آنجا می ماند. (یعنی برای ابد و تا روز حساب در شکم ماهی زندانی می گردید)

از موجودات خبیثه، شیطان را بنگرید که از خدا خواست: «فأنظرنی الی یوم یبعثون» تا روز قیامت به من مهلت بده. خداوند فرمود: «انک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم» تو از مهلت داده شدگانی تا روز وقت معلوم. که گاهی به رجعت ائمه تفسیر می شود.

مناظره‌ای در این باره سید بن طاووس «قدس سره الشریف» با بعضی از علماء اهل سنت کرده که بسیار ظریف است: آنان در اعتراض بر شیعه می گفتند: چگونه اعتقاد به مهدی و حیات او دارند و چگونه او با این طول زمان زنده باشد؟

سید در جواب فرمود: اگر کسی در بغداد ادعا کند که بر روی آب راه

منکران مهدی «عجل الله تعالی فرجه» چه می گویند؟ □ ۸۰

می رود، البته مردم بر گرد او جمع شده و به سویش هجوم می آورند تا صدق ادعای او را بنگرند، وقتی که او این عمل را اجرا کرد و نشان داد و مردم راه رفتن او را بر آب دیدند، اگر دیگری بلافاصله آمد و ادعا کرد که روی آب راه می رود مردم زیاد تعجب نمی کنند و شور و شوق دیدن این برنامه چندان نیست، حال اگر این هم روی آب راه رفت و باز سومین نفر آمد و همان ادعا را کرد چه بسا که جز عده کمی برای تماشای او نمانند و از راه رفتن او بر روی آب، تعجب نکنند و اگر چهارمی آمد و ادعا کرد چه بسا که اصلاً کسی برای دیدن برنامه او باقی نماند و هیچکس از ادعای او تعجب نکند.

آنگاه فرمود: حال حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه» چنین است چه آنکه خود، روایت کرده اید که ادریس تاکنون زنده و در آسمان است و باز روایت کرده اید که خضر از زمان موسی یا پیش از او تاکنون زنده و اینک در آسمان است و روایت نموده اید که عیسی زنده و در آسمان است و با مهدی خواهد آمد، خوب اینها هر سه بشر بودند که چنین عمر طولانی کردند و با وجود اینها عمر طولانی، شگفتی ندارد، پس چرا از طول عمر عترت محمد «صلی الله علیه و آله» - مهدی موعود - تعجب می کنید؟ شما خود نقل کرده اید که مهدی زمین را از عدل و داد پر می کند بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد و اگر فکر می کردید می دانستید که پر کردن مشرق و مغرب جهان از عدل و داد، پس از ظلم و بیداد، شگفت انگیزتر از بقاء و طول عمر اوست و نیز شهادت داده اید که عیسی پشت سر مهدی نماز به جا می آورد و مهدی در جنگهایش به وسیله عیسی منصور می باشد و این نیز بزرگتر و مهمتر از غیبت و طول عمر مهدی است که شما بعید می شمارید. زیرا بقاء عیسی و طول عمر او بیشتر خواهد بود.

باری آن جماعت تحت تأثیر این استدلال قوی واقع شده و بر این مطلب، موافقت نشان دادند.^{۱۰}

اما مواردی که برای اثبات عقیم بودن امام عسکری «علیه السلام» مطرح شده که آنها نیز مردود است:

۱ - اینکه حضرت عسکری «علیه السلام» مادرشان را وصی خود قرار داد و این حاکی از آنست که فرزندی نداشته است.

در جواب می گوئیم: این مطلب دلالت بر نداشتن فرزند نمی کند زیرا اولاً مورد نقض دارد، مانند وصیت حضرت سیدالشهداء «علیه السلام» به حضرت زینب «سلام الله علیها» با این که امام زین العابدین «علیه السلام» حضور داشتند، چنانچه شیخ صدوق تصریح فرموده که: کانت زینب «علیها السلام» لها نیابة خاصة عن الحسين «علیه السلام» و كان الناس يرجعون اليها في الحلال و الحرام حتی برآ زین العابدین «علیه السلام» من مرضه.^{۱۱}

نیز حضرت موسی بن جعفر «علیهما السلام» که وصی های متعدد داشتند حتی خلیفه وقت و همسر خود را نیز وصی خویش قرار دادند و حضرت رضا «علیه السلام» پس از درگذشت پدر به سراغ مادر شاه چراغ رفته و مطالبه ودائع امامت را نمودند و ثانیاً گاهی جهات و شرائط، ایجاب می کند که امام به دیگری وصیت کند نه به فرزند خود، مثلاً برای به اشتباه انداختن دشمن و برای اینکه امر را بر او مشتبه سازد به دیگری وصیت می نماید.

۲ - اینکه جعفر انکار وجود فرزند برای برادرش امام حسن عسکری «علیه السلام» کرده است.

در پاسخ باید گفت: مخالفت عمو و برادرزاده مطلب تازه ای نیست و مخصوصاً اگر پای ریاست و اشغال منصب و احراز مالی در میان باشد و

منکران مهدی «عجل الله تعالی فرجه» چه می گویند؟ □ ۸۲

منصب امام زمان، پرافتخارترین منصبها و مقامها بوده و مقام زمامداری خلاق است، و امام، مرکز توجه قلوب مردم و اموال آنها می باشد، لذا بسیار طبیعی و عادی است که جعفر بر اثر جسارت و حُب ریاست موضع مخالفت با امام زمان داشته باشد و حتی وجود او را انکار کند. چنان که پیش از آن نیز بعضی از عموهای پیغمبر «صلی الله علیه و آله سلم» ندای مخالفت با آن حضرت را سر دادند و تا آخرین لحظات زندگی هم از پا نشستند.

۳- امامان دیگر فرزند خود را کتمان نکردند چطور امام عسکری با داشتن اصحاب و یاران متمکن و قدرتمند، فرزند خود را مکتوم کرده باشد؟ در جواب می گوئیم در خصوص مهدی موعود «علیه آلاف التحية والاکرام» شرائطی است که در مورد سایر ائمه و فرزندانشان مصداق ندارد و آن این است که ایشان دوازدهمین امام و نهمین فرزند امام حسین «علیه السلام» هستند و پیرامون این موضوع روایات زیادی به گوش مردم و خلفا خورده بود که شخصی با این خصوصیتها قیام کرده و دولتها و حکومت های ظلم و ستمگری را نابود می سازد و لذا روی امام زمان این حساب باز شده بود و قضیه ایشان شبیه جریان حضرت موسی است که از ترس فرعون، موضوع حمل و تولدش به صورت مخفی و پنهانی اتفاق افتاد.

۴- آخرین شبهه و ادعا این است که مصادر تاریخی، فرزندی برای امام حسن عسکری «علیه السلام» نمی شناسند.

در پاسخ این ادعا باید گفته شود: اولاً در اثبات فرزند، برای کسی اقرار پدر و شهادت قابله و یا دو نفر عادل کافی است و در اینجا امام عسکری «علیه السلام» رسماً اقرار فرموده که - متن نامه آن حضرت را برای احمد ابن اسحاق ملاحظه کردید که در آنجا تصریح فرموده بودند: *ولد المولود ...*

مولود به دنیا آمد و قدم به جهان گذاشت و حضرت حکیمه دختر امام جواد «علیه السلام» نیز جریان تولد را به صورت کامل، بیان کرده و مؤمنین برجسته‌ای مانند احمد بن اسحاق قمی و دیگران بر وجود آن بزرگوار شهادت داده‌اند و ثانیاً باید سؤال شود مقصود از منابع تاریخی چیست؟ و چگونه چیزی از روایات امام زمان نقل نشده، در حالی که تواریخ و کتب شیعه پر از نقل حال امام زمان و ذکر اخبار وارده در خصوص آن بزرگوار است و کتابهای اهل سنت نیز حاوی بسیاری از همین مطالب می‌باشد.^{۱۲}

زیرنویسها و یادداشتهای

منکران مهدی «عجل الله تعالی فرجه» چه می گویند؟

- ۱ - جامع النورین، ص ۴۳۰
- ۲ - (فرزند امام حسن عسکری «علیه السلام» را در بین دو مسجد دیدم در حالیکه او پسر بچه ای بود) الارشاد، ص ۳۲۹
- ۳ - (ابو عبد الله صالح، امام زمان را در برابر حجر الاسود دیده و مردم بر حجر الاسود هجوم می آوردند و او می گفت به این کار امر نشده اند) الارشاد، ص ۳۳۰
- ۴ - (شاید مقصود امام زمان این بوده که این مردم امر شده اند که دامن امام زمان خود را بگیرند ولی آن را رها کرده و سرگشته حجر الاسود شده اند) الارشاد، ص ۳۲۹
- ۵ - (حضرت عسکری «علیه السلام» فرزند خود را به من نشان داد و فرمود: این امام شما می باشد) الارشاد، ص ۳۳۰
- ۶ - سوره یونس، آیه ۹۲

۷- سوره عنكبوت، آیه ۱۳

۸- سوره نساء، آیه ۱۵۷

۹- سوره صافات، آیات ۱۴۳ و ۱۴۴

۱۰- کشف المحجّه، ص ۵۵

۱۱- زینب الكبرى، ص ۳۵

۱۲- از کتابهای اهل سنت می توان به «الفصول المهمّه ابن صباغ مالکی»، «ینابیع الموده قندوزی شافعی» اشاره کرد.

غیبت مهدی موعود «ارواحنا فدا»

یکی از مباحثی که در رابطه با امام زمان «عجل الله تعالی فرجه» مطرح می‌باشد، نحوه غیبت و فلسفه آن است و قبلاً باید توجه داشت که غیبت - پنهانی بودن از دیدگان مردم - چیز تازه و بی سابقه‌ای نیست، بلکه کم و بیش از زمان انبیاء و ائمه طاهریں سابقه داشته است. چنانچه حضرت موسی به نقل قرآن کریم چهل شبانه روز از قوم خود غائب گردید. عبدالله بن سنان گوید شنیدم امام صادق «علیه السلام» فرمود:

فی القائم شبه من موسی بن عمران

فقلت و ماشبه موسی بن عمران قال:

خفاء مولده و غیبت من قومه.^۱

در خصوص حضرت ولی عصر شباهتی از موسی بن عمران است.

گفتم: آن حضرت چه شباهتی به موسی بن عمران دارد؟ فرمود:

پنهانی ولادت، و غائب شدن از قومش.

باز کسان دیگری هستند که از دیدگان مردم پنهان می‌باشند. مانند: حضرت خضر «علیه السلام» که زنده و غائب است و احیاناً راهنمائی‌هایی از او نقل شده و نیز حضرت عیسی «علیه السلام» که طبق فرمایش صریح قرآن کریم زنده است و در میان مردم نیست و خداوند متعال او را به سوی خود بالا برده است.

پس اگر اصل غیبت را در یک سطح گسترده و دید وسیعی بنگریم، ملاحظه می‌شود که مطلبی است عادی که گاهی در میان مردمان معمولی نیز به خاطر جهات و اهدافی تحقق می‌یابد و برنامه‌ای که انجام شده و وقوع یافت دیگر نباید اشباه و نظائرش مورد انکار یا تردید واقع گردد.

اما در مورد غیبت حضرت ولی عصر «ارواح العالمین له الفداء»، عقیده شیعه این است که آن حضرت، غائب و از انظار مردم مخفی و پنهان است و ضمناً آن بزرگوار دو گونه غیبت دارند، یکی غیبت صغری و دیگری غیبت کبری. غیبت صغری و کوتاه امام زمان از ولادت مبارکش شروع شده و با وفات علی بن محمد سمری پایان یافت که روی هم رفته هفتاد و چهار سال به طول انجامید و غیبت کبری و طولانی امام زمان از همان جا آغاز شد و پایانش امری نامعلوم و مربوط به خداوند است.

در دوران غیبت صغری چهار سفیر برجسته، رجال بزرگ، به ترتیب شرفیاب حضور امام شده و واسطه بین مردم و آن حضرت بودند.

نخستین آنها ابو عمرو عثمان بن سعید بود، وی برای اینکه منصب سفارتش کشف نشود روغن فروشی می‌کرد و لذا به لقب سمان (روغن فروش) شهرت یافت. هنگامی که می‌خواست وجوهاتی را از شیعه برای امام

ببرد آنها را در ظرفهای روغن جاسازی می کرد و از خوف خلیفه جبّار و جاسوسان حکومتی، سهم مبارک امام «علیه السلام» را بدین طریق به حضرت ولی عصر «ارواحنا فداه» می رسانید و این مرد بزرگ ابتدا وکیل امام هادی «علیه السلام» و سپس امام عسکری «علیه السلام» بوده و در نهایت سفیر امام مهدی «عجل الله فرجه» شد.

مرحوم سید محسن امین صاحب اعیان الشیعه نقل کرده که چهل نفر از اصحاب امام حسن عسکری «علیه السلام» به حضور آن حضرت مشرف شدند و از حجّت بعد از ایشان سؤال نمودند. ناگهان پسر بچه ماهر و ثنی که شبیه ترین مردم به امام عسکری بود وارد شد. حضرت فرمود:

هذا امامکم من بعدی و خلیفتی علیکم، اطیعوه ولا تتفرّقوا من بعدی فتهلکوا فی ادیانکم.

اینست امام پس از من و جانشین من بر شما، اطاعتش کنید و پس از من پراکنده نشوید که در دین خود هلاک خواهید گردید.
بعد فرمود:

الا و انکم لاترونه بعد یومکم هذا حتی یتّم له عمر فاقبلوا من عثمان بن سعید ما یقول و انتهوا الی امره و اقبلوا قوله فهو خلیفة امامکم و الامر الیه.^۲

آگاه باشید که بعد از امروز او را نخواهید دید تا عمرش به پایان رسد پس هر چه را که عثمان بن سعید می گوید بپذیرید و کارها را به امر او واگذارید و گفتارش را قبول کنید چه او جانشین امام شما است و کارها به او موکول می باشد.

سفیر دوّم، ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری است. وی بنابر

نقلی که شده تألیفاتی در فقه داشته و مطالبی که از حضرت امام حسن عسکری و امام زمان «علیهما السلام» در این موضوع شنیده بود، در این کتابها جمع آوری کرده است. او خود گوید: حضرت صاحب الامر «عجل الله فرجه» را در مُستجار - نقطه‌ای است نزدیک رُکن یمانی که گناهکاران بدان جا پناهنده می‌شوند - دیدم که پرده کعبه را گرفته بود و می‌گفت:

اللهم انتقم بی من اعدائک

بار خدایا به وسیله من از دشمنانت انتقام بستان.

روزی یکی از دوستان محمد بن عثمان بر او وارد شد و او را دید که تخته‌ای جلوش گذاشته و آیاتی از قرآن را بر آن نقش می‌کند و در حواشی آن آیات نامهای امامان را می‌نویسد، آنگاه فرمود: این برای قبر من است که مرا بر آن قرار دهند. (یا گفت مرا بر آن تکیه دهند) و قبر خود را هم تهیه دیده‌ام و هر روز در آن فرود آمده و قسمتی از قرآن را می‌خوانم و فلان روز از فلان ماه، من از دنیا می‌روم و در آن قبر دفن خواهم شد و مطالبی را که بیان کرده بود، واقع گردید.

سفیر سوّم، ابوالقاسم حسین بن روح است. محمد بن عثمان دو یا سه سال قبل از وفاتش بزرگان شیعه را جمع کرد و به آنها گفت: بعد از مرگ من نیابت امام عصر «ارواحنا فدا» با ابوالقاسم حسین بن روح است. زیرا من مأمورم از جانب صاحب الامر «عجل الله تعالی فرجه الشریف» که او را جانشین خود، پس از مرگم قرار دهم، پس شما به او مراجعه کنید و در کارهایتان بر او اعتماد نمائید. محدّث قمی «علیه الرحمة» در حالات ابوسهل نوبختی نقل می‌کند که از ابوسهل سؤال شد چگونه منصب سفارت به شیخ ابوالقاسم حسین بن روح منتقل شد؟ او در پاسخ گفت:

آنان (امامان علیهم السلام) در آنچه که اختیار می کنند داناترند و لیکن من همواره با مخالفین، ملاقات و مناظره می کنم و اگر مکان و جایگاه حضرت حجّت را می دانستم - چنان که ابوالقاسم می داند - در مقام مناظره و مباحثه از عهده دلیل قاطع بر نمی آمدم، چه بسا جایگاه امام را می گفتم و آنان را آگاه می ساختم، اما ابوالقاسم چنان است که اگر حجّت «علیه السلام» در زیر دامنش باشد و از او بخواهند دامن خود را کنار بزنند و امام را نشان دهد هرگز چنین کاری نمی کند هر چند که گوشتهای بدنش را مقراض کنند.^۲

سفیر چهارم ابوالحسن علی بن محمد سمری است که سفیر سوّم، او را وصیّ خود ترار داد و ایشان نیز به صورت کامل به انجام وظایف، قیام نمود و گاهی نیز از مطالب مخفی خبر می داد. چنانکه بنقل قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین: در بغداد در محضر جمعی از مشایخ و بزرگان، شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمری ابتدا لب به سخن گشود و گفت: رحم الله علیّ بن الحسین بابویه قمی. (رحمت خدای بر علیّ بن حسین بن بابویه قمی - پدر شیخ صدوق - باد). یکی از حاضران گفت: او زنده است. ابوالحسن فرمود: در همین روز وفات یافت. رحمه الله. همراهان، تاریخ آن روز را یادداشت کردند - که ببینند در واقع در آن روز پدر شیخ صدوق از دنیا رفته است؟ - و بعد خبر رسید که در همان روز مخصوص آن بزرگوار از دنیا رفته بوده است.

حاصل آنکه این چهار نفر مردمانی برگزیده و نمونه بودند و به همین دلیل است که لیاقت نیابت خاصّه ولیّ عصر «ارواحنا فداه» را یافتند. این زمان (دوران غیبت صغری) با رحلت نایب چهارم به سر رسید چنان که خود ایشان به این نکته تصریح کردند که بعد از من نائبی نیست و غیبت کبری

بعد از فوت من آغاز می گردد.

اکنون بنگریم که فلسفه غیبت چیست و چرا امام زمان «علیه آلاف التحية و الثناء» باید غائب باشد؟

عالم گرانقدر و پرمایه خواجه نصیرالدین طوسی در این باب می فرماید: (وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منّا) ^۴ وجود ولی عصر لطفی از خداست و دخل و تصرف او در کارها لطف دیگری است و نبود او در میان جامعه از خود ماست. و بنا بر گفته این مرد بزرگ، مردم خود سبب غیبت ولی عصرند، اگر مردم به واقع مردمی آماده و به حقیقت خواستار امام زمانشان بودند، امام زمان خود را از چشم آنان مخفی نمی داشت و چهره از آنان نمی پوشید. ولی مردم، مردمی اجحافگر و خون آشامند و شاهد اینکه آباء و اجداد و گذشتگان ولی عصر «ارواحنا فداء» یکی پس از دیگری توسط مردم به شهادت رسیدند و بنا بر این هر وقت که مردم مستعد شدند و خواستار امام زمان گردیدند آن حضرت هم چهره خواهد گشود.

بعضی از بزرگان در مقام اعتراض بر خواجه طوسی گفته اند: این گفتار، چندان روشن نیست، زیرا اگرچه وجود امام لطف است لیکن غیبت امام از ما نیست بلکه به خاطر مصالحی است که خداوند بدان مصالح عارفتر است، زیرا شیعیان، همواره در نهان و آشکار خدای خود را می خوانند که تعجیل در ظهور ولیش بفرماید و آنان تقصیری در این جهت نکرده اند تا غیبت امام زمان به جهت حال، وضع و موقعیت آنان و از ناحیه ایشان باشد.

آنچه در این مقام به ذهن ما می آید این است که مصالح مهم و نکات ارزنده و حکیمانه ای در غیبت امام زمان «ارواح العالمین له الفداء» به کار رفته است، یکی آنکه روی قاعده «تَعْرِفُ الْأَشْيَاءَ بِضِدَادِهَا» هر چیزی را با ضدش

می توان شناخت و ارزیابی کرد، ارزش روز روشن، واضح نمی شود مگر زمانی که شب تاریک فرا رسد و پرده ظلمت و تیرگی بر چهره جهان حاکم گردد و خلاصه جلوه و خودنمایی نور در پرتو ظلمت است. تا هواهای گرم سوزان نباشند، ارزش هواهای معتدل و سالم معلوم نخواهد شد. اگر بیماری و کسالت ها نبودند کسی ارزش سلامتی را نمی دانست و اگر مرگ نبود کسی قدر نعمت حیات را نمی شناخت و اگر ناامنی نبود ارزش امنیت معلوم نمی گردید.

اکنون میگوئیم: مردم یازده امام را یکی پس از دیگری دیدند و مجالس آنها را درک نموده و سخن آنان را استماع کردند و اگر مشکلی برایشان پیش می آمد به راحتی می توانستند خدمت امام رسیده و جوابش را دریافت کنند و چون غرق در نعمت بودند و از برکات وجود امام برخوردار و متنعم می شدند و همواره با حضور امام سر و کار داشتند ارزش وجود امام و اهمیت و آثار حضور او را کاملاً درک نکردند و آنچه را که شایسته مقام امام بود مراعات ننمودند.

برای درک مقام امام و ارزش زمان حضور امام «علیه السلام» به صورت طبیعی راهی بهتر از غیبت امام نبود. شاهد بر این مطلب احساسات و تحرک شیعه در زمان غیبت امام عصر «ارواحنا له الفداء» است، که با جدیت تمام در جستجوی امام بوده و احساس کمبود می کند و در این راه چه مال و ثروتها که خرج می نماید و چه مشکلات که در این راه تحمل می کند و فداکار، با اراده و مجاهد گشته، روح کاوشگری به فعالیت می افتد و در پی معرفت به او و فضائل آسمانی، حالات و خصوصیات و نقش مؤثر آن حضرت سختیهای طاقت فرسا را تحمل می نماید و بنابر این، غیبت امام هر

چند که موجب محرومیت از بسیاری از خیرات و خوشبختی‌هاست لکن می‌تواند آثار خوب و مصالح عالی‌های را نیز دارا باشد و در تکامل نفس انسانی و رشد فکر و روح و جان بشر اثر مستقیم داشته باشد.

نکته دیگر در رمز غیبت ولی عصر «علیه السلام» امتحان و آزمایش مردم است، چه گروهی اسلام و ایمانشان تنها در وقت حضور پیشوا است، گویی عبادت و مسلمانی را به خاطر پیشوا پیشه کرده‌اند، چنانکه جریان وفات رسول الله «صلی الله علیه و آله و سلم» بهترین شاهد سخن است، زیرا در حادثه وفات پیامبر، عده‌ای ایمانشان متزلزل گردیده و دچار اضطراب و شک و تردید شدند. فقدان قائد بزرگ بشریت و درگذشت او را خلای بزرگ و امری باورناکردنی پنداشته، و نزدیک بود دوباره به عقائد جاهلیت برگشته و کافر شوند. در این شرائط بحرانی یک نفر گفت: مَنْ كَانَ يَعْبُدُ مُحَمَّدًا فَإِنَّ مُحَمَّدًا قَدْ مَاتَ وَمَنْ كَانَ يَعْبُدُ رَبَّ مُحَمَّدٍ فَإِنَّهُ حَيٌّ لَمْ يَمُتْ (هر کس محمد را پرستش می‌کرده، محمد از دنیا رفت و کسی که پروردگار محمد را می‌پرستیده همانا او زنده است و مرگ در ساحت قدس او راه ندارد) آنگاه گفت: خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ، قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ»^۵ (نیست محمد مگر پیامبری که رسولانی پیش از او در گذشته‌اند پس آیا اگر او از دنیا رفت و یا کشته شد شما به وضع گذشته برمی‌گردید و کافر می‌شوید؟) یعنی نبود پیامبر نباید موجب شود که مردم عقب‌گرد کنند و به کفر و الحاد برگردند، چه مکتب پیامبر زنده و جاوید است.

جریان رفتن موسی به طور و توجه مردم به بت پرستی شاهدی بر مطلب فوق است که آنان تا موسی را در میان خود ندیدند، به دعوت سامری

تن در داده، و تسلیم خواسته‌های او شدند، راه ضلالت و گمراهی را پیش گرفته و گاو سامری را به خدایی پذیرفتند. بنابراین در غیبت امام عصر این مصلحت بزرگ و رمز و حکمت عالی نهفته است که مخلصین و صلحا و پاکان روشن ضمیر از لاف‌زنان بی‌بند و بار متمایز گردند و هر کسی خودش را آن چنان که هست کاملاً بشناسد، مردم نیز یکدیگر را به خوبی بشناسند و یک‌ارزیابی کاملی در سطح جامعه اسلامی از مردم بشود و ماهیت هر کس کاملاً روشن گشته، مؤمنان ثابت قدم شناخته شوند، ضعیف‌الایمان‌های متزلزلی که ایمانشان عاریتی و امانتی بوده و با چند شبهه و اشکال، رنگ باخته و تسلیم خصم می‌گردند، چنین کسانی خود را در جماعت ثابت‌قدمان، جانزده و مایه اغفال مخلصین قوی‌الایمان نگردند.

پس یکی از اسرار و رموز غیبت ولی عصر «ارواحنا فداه» موضوع امتحان و آزمایش مردم است و فواید و نتایج آزمایش پوشیده نیست و اثر آن در سازندگی و رشد انسانی قابل تردید و انکار نمی‌باشد.

سومین نکته‌ای که به عنوان فلسفه غیبت به کار رفته مطلبی است که از اخبار و روایات استفاده می‌شود و آن مسئله امنیت جان حضرت است که اگر امام زمان حاضر می‌شدند و در میان مردم بوده، با آنان مراوده و رفت و آمد داشتند، به سرنوشت آباء گرامی خود دچار شده و او را همانند نیاکان پاکش از میان می‌بردند.

لازم به توضیح است که مسئله حفظ جان امام و اختفاء به خاطر مصونیت از شر دشمنان به صورت‌هایی در مورد برخی از معصومین نیز صورت گرفته است. مثلاً: حضرت موسی بن جعفر «علیهما السلام» در شرائطی واقع شدند که امر خود را کتمان می‌فرمودند و شیعیان هم به سوی آن

حضرت رفت و آمد نمی کردند و جرأت نداشتند که از او نام ببرند.
مرحوم کراجکی در این رابطه تشبیه جالبی کرده، می فرماید: و قد
استترالنبی «ص» فی غار حری ولم یکن لذلك سبب غیر المخافة من الاعداء^۶
(پیامبر در غار حرا پنهان گردید و پنهان شدن آن حضرت هیچ علتی جز
ترس از دشمنان نداشته است).

البته موضوع مدت اختفاء در کل قضیه تفاوتی به وجود نمی آورد و بر
حسب مدت زمانی که خوف از شر دشمنان است زمان استتار می تواند کم و
زیاد شود، مثلاً چون در مورد پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله وسلم» خوف چند
ساله بود اختفائی چند ساله را ایجاب می کرد ولی چون در مورد وجود
مقدس حضرت مهدی «عجل الله فرجه» خوف طولانی است و قرنهای ادامه دارد،
استتار آن حضرت نیز به همین منوال طولانی است.

زیرنویسها و یادداشتهای

غیبت مهدی موعود «ارواحنا فداه»

- ۱ - منتخب الاثر، ص ۳۰۱
- ۲ - المجالس السنیه، ج ۵، ص ۴۹۳
- ۳ - الکنی واللقاب، ج ۱، ص ۹۰
- ۴ - به شرح تجرید، ص ۲۸۵ مراجعه شود.
- ۵ - به شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱، ص ۱۷۸ و آیه کریمه: سوره آل عمران/ ۱۴۴ مراجعه شود.
- ۶ - کنز الفوائد، ص ۱۷۳

مهدی موعود «علیه آلاف التحية والاکرام» در پناه لطف مخصوص خداوند

وجود مبارک حضرت ولی عصر «ارواح شیعته لمقدمه الفداء» را از رهگذر تاریخ و وقایع و حوادث گذشتگان و لطف الهی درباره برگزیدگان و رجال بزرگ نیز می توان توجیه و تفسیر کرد زیرا تاریخ، مردان عظیم و زبده‌ای را به ما معرفی می کند که بر اثر اینکه از لطف مخصوص خداوند برخوردار بودند، حیل‌ها و نقشه‌های خائنانه دشمنان کینه توز، به کلی در مورد آنان بی تأثیر بود و دسائششان نقش بر آب گردید.

در تاریخ حالات پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» می خوانیم که چه عوامل نیرومند و قدرت‌های پرتوانی برای نابود کردن آن حضرت به پا خواسته و بسیج شدند و هیچ یک از این نیروهای مجهز و پرتوان به جایی نرسیده و به هدف شوم و شیطانی خود دست نیافتند.

به قضیه تصمیم ابوجهل مبنی بر قتل پیامبر «صلی الله علیه و آله» در حالی که آن حضرت برای نماز می آمدند توجه فرمائید:

روزی ابوجهل با ناراحتی پرسید: آیا محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - پیش روی شما صورت خود را به خاک می مالد؟ (نماز می خواند و سجده می کند؟) گفتند: آری گفت: سوگند به کسی که به او سوگند یاد می شود (بِتِ لَاتٍ و عَزَى) اگر او را دیدم که چنین می کند با پای خود گردش را می مالم. گفتند: اتفاقاً الان سرگرم برنامه نماز است. ابوجهل روانه شد تا تصمیم خود را عملی سازد. لیکن دیدند به زودی برگشت، در حالی که دست خود را به نشانه خوف و ترس شدید جلو آورده بود، ناظران گفتند: ای ابوالحکم چه شد و چرا ناراحتی؟ پاسخ داد: تا رو به سوی او رفتم میان خودم و او خندقی از آتش مشاهده کردم و احساس هول و هراس نمودم و جلو چشمانم بالهائی مجسم شد از این رو هراسان برگشتم. پیامبر «صلی الله علیه و آله وسلم» فرمود: سوگند به خدائی که جانم در دست اوست اگر نزدیک من می آمد فرشتگان او را پاره پاره می کردند. در این هنگام این آیه کریمه نازل شد. **أزایت الذی ینهی عبداً اذا صلی.**^۱ آیا دیدی کسی را که نهی می کند بنده خدا را به هنگامی که نماز می خواند.

قبل از پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله وسلم» خداوند انبیاء گذشته را نیز، از کید و نقشه های ماهرانه دشمنان نجات داد. فرعون چه نقشه های خطرناکی برای نابود کردن و یا متولد نشدن حضرت موسی (ع) کشید. دستگاه عریض و طویل او به کار افتاد تا جلو انعقاد نطفه موسی را بگیرد لیکن اراده الله غالب گردید و علی رغم توطئه چینی های فرعون و همکارانش نطفه حضرت موسی (ع) منعقد گردید. دستگاه جبار فرعون به کار افتاد و فعالیت نمود تا

موسی را در شکم مادر به قتل برساند و علیرغم تلاشهای آنان موسی (ع) دوران حمل را گذرانید و چشم به جهان گشود. زنان باردار تحت مراقبت شدید و دقیق بودند تا به هنگام وضع حمل آنها فرزندی هر کدام پسر بود، به احتمال اینکه موسی (ع) باشد، سر بریده شود ولی خواست و اراده خداوند بر تولد و سلامت حضرت موسی (ع) بود تا بزرگ شود و سلطنت فرعون را سرنگون سازد و خواست خداوند، محقق گردید.

قرآن کریم می فرماید: و اوحینا الی أم موسی ان ارضعیه فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم ولا تخافی ولا تحزنی انا رادوه الیک و جاعلوه من المرسلین.^۲
ما به مادر موسی وحی فرستادیم که موسی را شیر بده پس هر گاه بر او ترسیدی، او را در آب - رود نیل - بیفکن و نترس و محزون نباش که ما او را به تو برمی گردانیم و از مرسلین قرارش خواهیم داد.

باری، مشابه این جریانات در مورد حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» نیز صورت گرفته است، چه آنکه بنی عباس به مقتضای اخبار پیامبر و روایات امامان معصوم، می دانستند که مهدی «علیه السلام» از اولاد فاطمه «سلام علیها» و از نسل ائمه «علیهم السلام» است و جهان به دست او فتح گردیده و حاکمان ستمگر به دست آن حضرت نابود خواهند شد و جهان در تحت حکومت جهانی وی خواهد آمد و از این رو در صدد بودند که نگذارند آن بزرگوار قدم به عرصه گیتی بگذارد و در صورت تولد یافتن، حضرتش را شهید سازند. در این رابطه مأمورینی را نگهبان بیت امام حسن عسگری «علیه السلام» قرار داده بودند به ویژه معتمد عباسی که بر حسب نقل، قابله هائی را مأمور کرده بود که داخل خانه های بنی هاشم تردد کنند و مخصوصاً در خانه امام عسگری بدون اذن وارد شوند و حال حضرت حجت

«سلام الله عليه» تفتیش نمایند و همین کار هم شد و با همه این توطئه‌ها خداوند وجود مقدس امام زمان را از گزند حکومت‌های جبّار و ملحد حفظ کرده و نگهداری فرمود.

در کتاب الزام الناصب از بعضی مؤلفات عالم فاضل، محمد یوسف دهخوارقانی که در عصر شاه عباس دوّم تألیف شده نقل است که روزی حضرت مهدی «علیه السلام» در صحن خانه در کنار مادرشان بودند ناگهان حضرت نرجس احساس کرد که مأموران دولتی می‌آیند، دچار اضطراب شدیدی شد و فرصتی نیافت که فرزند برومند خود را از دید قابله‌ها مخفی کند در این حال، هاتفی او را صدا زد و گفت: القى حجة الله القهار فى البشر التى فى صحن الدار، حجّت خدا را در چاهى که در صحن خانه است بیفکن. حضرت نرجس هم کودک خود را در چاه انداخت. قابله‌ها که صدای کودک را شنیده بودند به سرعت وارد خانه شدند ولی هر چه تفحص کردند اثری از او نیافتند از این رو واله و حیران خارج شدند.

هنگامی که خانه، خالی از اغیار شد حضرت نرجس به سر چاه آمد تا بنگرد که بر سر فرزند و نور چشمش چه آمده چون نگاه به داخل چاه کرد دید آب بالا می‌آید و آنقدر بالا آمد تا مساوی زمین شد و حجّت خدا مانند ماه درخشان روی آب قرار داشت و حتّی قنداقه او هم تر نشده بود پس او را گرفته شیر داد، حمد خدای کرده و سجده شکر به جای آورد که فرزند عزیزش به سلامت از چاه بیرون آمد و خداوند او را نگهداری فرمود.^۳

همین مطلب یکی از ادّله و یا مؤیّد بقاء حضرت ولّی عصر «ارواحنا فداه» و مصون ماندن آن حضرت، در دوران غیبت است یعنی چنانکه خداوند، وجود مبارک مهدی موعود «ارواح العالمین له الفداء» را در دوران کودکی از

نقشه‌های خطرناک و خائنانانه دشمن حفظ کرد اکنون نیز او را تحت الحمایه خود به عنوان ذخیره آخر الزمان حفظ خواهد فرمود.

آری، او به حکم اینکه ذخیره الله و بقیة الله است به ناچار باید بماند و باقی باشد. او رهائی بخش جوامع در بند و آزاد کننده ملت‌های اسیر و گرفتار است باید زنجیرهای استعمار ضعیفان به دست توانمند او شکسته و بریده شود و بند و طناب‌های محکمی که از سوی ستمگران استعمارگر به دست و گردن طبقات محروم بسته شده به وسیله او گسسته و پاره گردد و چگونه می‌توان باور کرد که حضرتش به انتظار ملت‌ها پاسخ نداده و آنها را نجات ندهد و خود مقهور حوادث گردد؟

نه، هرگز، هرگز، که ارادة الله شکست ناپذیر، و سنت الهی لایتغیر است. آن همه امید و آرزو مبدل به یأس و نومیدی نشده و آرمان‌های بشریت به دست بقیة الله محقق خواهد گردید. جهان پهناور با همه ساکنین و فرزندان‌ش در گرداب بلا و گرفتاری غوطه‌ورند و چشم امید به قیام پیروز مندانة امام زمان دوخته می‌باشد و از رحمت و اوسعۀ بیگران خداوند دور است که فریاد استغاثه جهانیان را پاسخ ندهد، بلکه در پرتو لطف و رحمت خداوندی، ذخیره الله باقی و بقیة الله ماندنی است تا روز موعود فرارسد و وعده الهی تحقق یابد و جامه عمل پوشد و آرمان‌ها و آرزوهای جوامع محروم شکل بگیرد و خورشید فروزان عدالت سر از افق درآورد و منتظران را نشاطی و مستضعفان را نوائی بخشد و جهان دردمند را از یوغ ستمگران برهاند و در اجساد مردگان روحی بدمد، چهره‌های منفور کفر و الحاد که زیر نقاب دلسوزی و حقوق بشر افکار توده‌ها را تخدیر کرده، آنان را به زنجیر کشیده‌اند، در آن روز به کیفر اعمال خود برسند و در نتیجه به وضع اسفبار و

رنج آور بشر خاتمه داده شود و توده‌ها از سرچشمه زلال و گوارای حق و عدالت اجتماعی سیراب گردند.

باری چنانکه خداوند، موسی را از شرّ عظیم فرعون و درباریان و ساحران حفظ کرد تا رسالت خود را به پایان رسانید و جان نبی اکرم «صلی الله علیه و آله وسلم» را از شرّ دشمنان بی شمار اسلام محافظت فرمود تا اقامت را از دست عفریت جهل و نادانی رهانید، ولی عصر «ارواحنا فداه» را نیز حفظ خواهد کرد تا رسالتی را که عهده دار است ایفا نماید و گونه سنت الهی عظیم خواهد ماند.

زیرنویسها و یادداشتهای

مهدی موعود «علیه آلاف التحية والاکرام» در پناه لطف مخصوص خداوند

۱ - سورة علق آیات ۹ - ۱۰. به تفسیر مجمع البیان و تفسیر صافی ذیل آیه
مراجعه شود.

۲ - سورة قصص، آیه ۷

۳ - منتخب الاثر، ص ۲۸۷

دیدار امام زمان «ارواحنا فداء» در غیبت کبری

یکی از بحث‌های مربوط به امام زمان «ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء» که گاهگاهی مورد پرسش واقع می‌گردد این است که آیا در دوران غیبت کبری امکان دیدار حضرت ولی عصر «ارواحنا فداء» هست و آیا کسی می‌تواند به ساحت قدس آن حضرت راه یابد و او را ببیند یا به هیچوجه امید رؤیت و ملاقات برای احدی نیست؟

روایاتی رسیده که می‌گویند: هر کس در غیبت کبری ادعای رؤیت کرد او را تکذیب کنید ولیکن دو مطلب را باید در کنار این روایات در نظر گرفت: یکی اینکه محرومیت به تمام معنا از فیض دیدار و قطع کلی رشته ملاقات شاید خلاف لطف کامل پروردگار باشد و دوم اینکه به طور مسلم کسانی شرفیاب حضور امام شده و انسانهایی زبده از علماء و صلحاء، حضرت مهدی «علیه السلام» را دیده و زیارت کرده‌اند. بنابراین آن اخبار را باید حمل بر کسانی کرد که ادعای رؤیت امام زمان «علیه آلاف التحية والاکرام» را

وسیله ای برای پیشبرد امیال شخصی و رسیدن به مقاصد سوء خود قرار می دهند. ما خود دیدیم دغلباز متمکاری^۱ را که هر جنایتی از دستش بر می آمد انجام داد و دست به هر ظلم و آزاری زد و برای اینکه عوام مستضعف، متوجه خیانت هایش نشوند و کسی لب به اعتراض نگشوده و دم نزند و او به راحتی بتواند به خود کامگیهایش ادامه دهد، ادعای دیدار امام زمان را می کرد. یا مزوری بدعتی در دین خدا می گذارد و راه و روش جدیدی به وجود می آورد و برای اینکه نکند کسی توجه به خطر پیدا کند و او بتواند در این فرصت به خواسته های پلید خویش نائل گردد ادعای دیدار امام زمان را می کند.

با این توضیحات و وظیفه شیعه آن است که چنین کسانی را تکذیب کند، چرا که هرگز امام زمان چهره نورانی خود را به این دغلبازان حیلہ گرو گرگهای خون آشام و دشمنان خطرناک قرآن نشان نمی دهد. آری مردان با فضیلت و پاکان برگزیده جامعه احیاناً مشرف به حضور مبارک آن حضرت می شوند و البته سر این تشرّف سنخیت است، پس از حصول سنخیت، شرفیابی خود به خود حاصل می گردد و محتاج به تهیه وسائل نیست، چنانکه می بینید فلزی که نیروی مغناطیسی دارد در اثر نزدیک شدن قطعه ای از آهن به آن، به سوی آهن ربا جذب می شود، زیرا بین این دو، سنخیت برقرار است و نشانه همسنخی با امام عصر «ارواح العالمین له الفداء» که وسیله جذب شدن به سوی آن کانون توحید الهی است، اصلاح نفس، تهذیب اخلاق، اخلاص در عمل و صفای ضمیر است.

سید ابن طاوس خطاب به فرزند خود، می گوید: «والطریق مفتحومة الی امامک لمن یرید الله جلّ جلاله عنایت به و تمام احسانه الیه»^۲ (راه به سوی

امام زمانت برای کسی که خداوند، عنایت خود را شامل او کرده و بخواهد نعمت خود را بر او کامل گرداند باز است).

علماء و اُخّیاری که به حضور امام زمان مشرف شده‌اند زیادند به طوری که کتابهایی در این مورد نوشته شده است. از جمله آن مرادن بزرگی که به این افتخار دست یافته است، مرحوم سید بحر العلوم است. حاجی نوری از مرحوم عالم ربّانی مُلّا زین العابدین سلماسی نقل کرده که روزی بحر العلوم وارد حرم امیرالمؤمنین «علیه السلام» شده و به این بیت ترنم می کرد:

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلبرباشنیدن
 پس، از سید سبب خواندن این بیت را پرسیدم، گفت: چون وارد حرم امیرالمؤمنین «علیه السلام» شدم حضرت حجّت «سلام الله علیه» را دیدم که در بالای سر مبارک به آواز بلند تلاوت قرآن می فرمود، چون صدای آن بزرگوار را شنیدم آن بیت را خواندم.

زیرنویسها و یادداشتهای

دیدار امام زمان «ارواحنا فداه» در غیبت کبری

- ۱ - محمدرضا شاه در نوشته‌هایش رسماً ادعای رؤیت امام زمان «علیه السلام» را کرده و در سخنرانی خود از این مقوله سخن می‌گفت.
- ۲ - کشف المحجّه، ص ۱۵۴
- ۳ - النجم الثاقب، ص ۳۵۲، حکایت ۷۹ و جنة المأوی، حکایت ۵۴

حضرت محمد «صلی الله علیه وآله وسلم» و نوادہ اش در رأس دو انقلاب جهانی

در سورة احزاب آیه ۳۳ می خوانیم:

و قرن فی بیوتکن ولا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى

ای زنان پیغمبر در خانه هایتان بنشینید و آرام گیرید و مانند دوره
جاهلیت اولی خود آرایبی نکنید.

جاهلیت اولی یعنی جاهلیت نخستین. و از اینجا می فهمیم جاهلیت
دومی هم داریم و از پی آن جاهلیت معروف، جاهلیت دیگری نیز خواهد آمد
و لابد این جاهلیت عصر صنعت و تسخیر فضا است، جاهلیتی که همراه
صنایع و اکتشافات است و به همین دلیل، خطرناک تر از جاهلیت نخستین
خواهد بود و این آیه خود یکی از معجزات و براهین روشن حقانیت قرآن
کریم است.

سنت خدای متعال بر این جاری است که هر زمان فساد و تبه‌کاری اوج گرفت و گسترش یافت و همه جا و همه چیز و همه کس را احاطه نمود، مصلحی بزرگ و آسمانی از طرف خداوند مبعوث شده و فساد و تباه‌کاری را ریشه کن سازد، چنانچه در جاهلیت نخستین، جهل و ظلم همه عالم به خصوص جزیره العرب را فرا گرفته بود و همه را تهدید به فنا و نیستی می‌کرد و انسانیت مشرف به سقوط بوده، کشتن فرزندان به خصوص دختران، امری ساده و معمولی قلمداد شده، جنگ و نزاع قبائل و فتنه و خونریزی و کشتارهای عمومی به صورت برنامه معمول آنان به حساب می‌آمد و به آن فخر و مباهات می‌کردند، غارتگری و چپاول مال یکدیگر را نشانه مجد و شجاعت خود دانسته، شراب و قمار و زنا، رواج و رونقی به سزا داشت.

در چنین بحرانی، پیشوای نجات بخش اسلام حضرت محمد «صلی الله علیه و آله وسلم» مبعوث به رسالت گردیده و در میان امواج هولناک و ظلمانی جهل و عناد و ستیزه جویی، بیرق پرافتخار علم و فضائل انسانی و عدالت اجتماعی را برافراشت و جنبش و حرکتی وسیع در سطح جامعه به وجود آورد و دست اجتماع را گرفته، به سوی حیات انسانی و زندگی صحیح و آبرومندانه‌ای سوق داد و زنجیرهای جهل، کینه توزی، استبعاد، ذلت و استعمارزدگی را از دست و پای آنان باز کرد و آن ملت جاهل و ستمگر را چنان بالا برده و تکامل بخشید که از پیشتازان علم و فضیلت به شمار آمدند و بهترین نمونه اخلاق فاضله و مظهر مکرمات‌های انسانی گردیده و به صورت سمبل انسانیت و شرف و پاکی جلوه گر شدند. چنان که قرآن به این موضوع اشاره کرده و می‌فرماید: «و اذ کروا نعمة الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً و کنتم علی شفا حفرة من النار

فانقذکم منها...^۱ (به یاد آورید نعمت خداوند را که شما با هم دشمن بودید و خداوند در دلهای شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف او همه برادر یکدیگر شدید و در پرتگاه آتش بودید که خدا شما را از آن نجات داد).

اما جاهلیت دوم، جاهلیت همین اعصار است. هر روزی که فرا می رسد نغمه ای تازه سر می دهند و افکار ملتها را به انحراف و اعوجاج می کشانند. مظاهر فساد، ناپاکی و بی بندوباری در همه جا به چشم می خورد. هوی و هوس، عقلهای ملتها را زایل کرده و حجابی ضخیم روی چهره فکر و اندیشه آنان انداخته است، راههای کفر و الحاد به روی توده ها باز و داعیان انحراف رو به افزایش و عوامل فساد جامعه بسیار است. شبکه های تبلیغی دنیا همه وسائل تخدیر افکار و گرایش نسل جوان بلکه همه جامعه به بی دینی و لامذهبی را فراهم می آورند، اذهان و افکار مسلمین در استخدام اجانب و بیگانگان است. فرزندان خود را به دست خویشان بیرحمانه تسلیم فساد و تباهی کرده و ملاکت آنان را تضمین می کنند و وقاحت و بی حیائی به طرز وحشتباری در پسران و دختران جوان خودنمایی می کند. شرف و فضیلت و وقار انسانی زیر پای ازابه شهوت و هوسبازیها له شده و از پای درآمده است. عاطفه، مهر، صفا، یکرنگی و بشر دوستی کم کم به صورت مفاهیم بدون مصداق درآمده و همواره اوضاع جهان تیره و تاریک تر می گردد. اغیناء و مترفین سرگرم خوشگذرانی و عیش و نوش اند و فقراء و مستمندان در زیر چرخهای زندگی، دست و پا می زنند، منابع ثروت اجتماع صرف عیاشیهای زورمندان و سردمداران می شود و هم آنها هستند که نظام هستی ملتها را از هم پاشیده و توده ها را به عنوان برده و بنده خود استخدام می کنند.

در چنین شرائط و انفسائی بارقه امید در چهره کسی پدیدار نیست و چهره جهان عبوس و در هم کشیده است و این وضع رقت بار ادامه پیدا کرده و روز به روز گسترده می شود تا جائی که کمترین اثری از خیر و صلاح در جامعه نماند و در این کوران فساد و تیره بختی خورشید فروزان امامت، مهدی آل محمد «علیهم السلام» به عنوان بزرگترین مصلح جهانی چهره خواهد گشود و تحوّل عظیم در سطح پهناور جهان به وجود خواهد آورد. اعلام هدایت را برافراشته و عدل و مساوات را به صورت کامل در تمام صفحه گیتی برقرار خواهد ساخت، آزادی و حقوق انسانی را تأمین نموده و کاخهای پر تجمل ستمگران را سرنگون ساخته و بر سر ساکنان جلادش نعراب خواهد نمود و همانطور که حضرت محمد بن عبدالله «صلی الله علیه و آله وسلم» در روز فتح مکه بتهای متعدد دور خانه کعبه را به زمین انداخته و نابود ساخت (به قول شیخ طوسی سیصد و شصت بت در دور خانه کعبه بود که همه را با عصا و چوب دستی خود حرکت می داد و می فرمود: «جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقاً» (حق آمد و جایگزین شد و باطل رفت و نابود گردید چه آنکه باطل نابود شدنی است) «جاء الحق و ما يبدئ الباطل و ما يعيد» (حق فرارسید و دیگر ظهوری و بازگشتی برای باطل نخواهد بود) و در این حال بتها را به رو، بر زمین می افکند و در هم می شکست) ^۲ همین طور امام زمان «علیه السلام» در فتح جهان، هزاران بت را که به انحاء مختلف طوق عبودیت بر گردن انسانها افکنده و خود را خدای جامعه و سایه خدا جا زده و بر توده های ضعیف تحمیل کرده بودند، همه را واژگون ساخته و روز روشن آنان را شام سیاه می کند و تار و پود آنان را در هم گسسته و منشور آزادی توده ها را صادر خواهد فرمود و اینکه در صفحات گذشته ذکر

شد، بر بازوی مبارک مهدی به قلم غیبی و به فرمان پروردگار نقش بسته و نگارش یافته: «جاء الحقّ و زهق الباطل انّ الباطل كان زهوقاً»^۳، اشاره به همین مطلب است که همان ای مسلمانان! امیدوار باشید، چنانچه در رأس انقلاب اول پیامبر اکرم حضرت محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» قرار داشتند و شعارشان در فتح مکه «جاء الحقّ و ...» بود، در رأس انقلاب اخیر در دنیای ظلم و جنایت نیز حضرت مهدی موعود فرزند مطهر ایشان قرار دارد که همان شعار مقدّس جدّش پیامبر بر بازوی مبارکش ثبت و ضبط گردیده است.

زیرنویسها و یادداشتهای

حضرت محمد «صلی الله علیه و آله وسلم» و نوادهاش در رأس دو انقلاب جهانی

۱ - سوره آل عمران، آیه ۱۰۳

۲ - امالی شیخ طوسی، ص ۲۱۴، طبع قدیم

۳ - سوره اسراء، آیه ۸۱

حکومت الهی ولی عصر «ارواحنا لتراب مقدمه الفداء»

فرق و امتیاز شاخص و مهمی که بین حکومت‌های مادی و حکومت‌های الهی است، این است که دنیا طلبان مقام دوست، حکومت و ریاست را وسیله‌ای برای دست یافتن به خواسته‌های پست و پلید و شیطانی قرار داده، در حکومت خود مردم ضعیف را به غلامی و کنیزی گرفته، بساط شهوات و هووسبازیها را گسترده و سرگرم لذت‌های مادی و عیش و نوش می‌گردند. مسلم است چنین کسانی کوشش می‌کنند تا به حکومت رسیده و روزگار مردم را سیاه کنند و همه آنها را به استخدام خود درآورند و به نفع خود و وابستگان‌شان از مال و جان مردم ناتوان بهره‌کشی نمایند و خانه و اندوخته‌های تیره را در راه پیشبرد خواسته‌ها و خواهش‌های نفسانی و تأمین امیال خود به کار بگیرند.

معاویه، یزید، عبدالملک، ولید، منصور عباسی و نظائر اینها کاری به معنویات مردم ندارند، آنها دشمن معنویات و صفات برجسته انسانی اند.

گمشده آنها حکومت و فرومانروائی بوده و در این فرصت، نهایت سعی و تلاش خود را برای بهره‌کشی از مردم و جهت حداکثر بهره‌برداری مادی از جان، مال و ناموس مردم به کار می‌برند و حکومت به زعم آنها معنائی جز این ندارد.

در مقابل، گردانندگان حکومت‌های الهی، هیچ انگیزه‌ای جز احیاء سخن انسانی و برپا داشتن نظام‌های صحیح و اصیل اخلاقی و اسلامی، از به دست آوردن حکومت ندارند. آنان به خاطر دادرسی انسانهای ضعیف و رفع مشکلات و جبران نواقص جامعه و اصلاح کلی مفاسد اجتماع و زنده کردن معالم دین و اعلاء کلمه توحید و برقرار کردن آزادی و نوع دوستی و عدالت اجتماعی عهده‌دار ریاست می‌شوند.

امام علی «علیه‌السلام» می‌فرماید: «اللهم انک تعلم انه لم یکن الذی کان منا منافسة فی سلطان ولا التماس شیء من فضول الحطام و لکن لنردّ المعالم من دینک و نظهر الاصلاح فی بلادک فیأمن المظلومون من عبادک و تقام المعطلة من حدودک»^۱ (بار خدایا تو میدانی که از این جنگ و جدال با معاویه و لشگر کشیها و صف آرائیها نظر مادی ندارم و هدفم جاه طلبی، مقام دوستی و فرومانروائی نیست و در پی جمع‌آوری مال، ثروت، آلات و ابزار مادی نمی‌باشم. بلکه انگیزه و نظر من آنست که آثار و نشانه‌های دین تو را که از میان رفته باز گردانم و اصلاح را در بلاد تو جلوه‌گر سازم تا بندگان مظلوم تو در سایه امن و امان بیارمند و حدود تعطیل شده تو، بار دیگر اقامه شود).

رهبر آزادگان امام حسین «علیه‌السلام» نیز در وصیت خود به محمد حنفیه می‌نویسد: «وانتی لم اخرج اشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً و لکن

خرجت لطلب الاصلاح في امة جدي و اريد ان امر بالمعروف و انهي عن المنكر و اسير بسيرة جدي و ابي ...» (من به عنوان جاه طلبی و نشاط به مقام و ریاست خارج نشدم، نه در صدد افساد و خرابکاریم و نه قصد ستمکاری دارم و لیکن خارج شدم برای اصلاح امت جدم و تصمیم من این است که امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و روش جد و پدرم سیر نمایم و راه و خط مشی آنان را تعقیب و پیروی نمایم.

اکنون ولی عصر امام زمان «ارواح العالمین له الفداء» از همین دودمان است و خط مشی او ادامه راه و روش نیاکان معصومش می باشد و هدف، سیره، راه و روش مقدس او، راه و روش پدران گرامی و اجداد طیبینش خواهد بود. در مباحث قبل به ذکر این آیه پرداختیم که:

الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلاة و آتوا الزکاة و امرؤا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الامور.

کسانی که اگر به آنان در زمین تمکن و قدرت دادیم نماز را به پا می دارند و زکاة می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و عاقبت کارها از آن خداوند است.

گفتیم که بر حسب روایات شریفه، این آیه کریمه، نظر به حکومت اسلامی و دولت آسمانی امام زمان و یاران او دارد و یا بهترین نمونه و مصداقش آن است. ما قبلاً کلام امام باقر «علیه السلام» را در توضیح آیه آوردیم که گویای این حقیقت است و در اینجا بخشی از آن گفتار مبارک را یادآوری می نمائیم: امام باقر «علیه السلام» در ذیل این آیه می فرماید:

خداوند اقطار جهان را در تحت فرمان امام زمان و اصحاب او قرار خواهد داد و به وسیله او دین را غالب و بدعت را بوسیله او و

یارانش از بین خواهد برد، چنانکه سُفها و نابخردان حق را از بین بردند و خلاصه چنان می کند که به کلی کسی نداند ظلم در کجاست؟ و امر به معروف و نهی از منکر خواهند نمود.

آری، آن زمان است که همه اختلافها و پراکندگیها از بین خواهد رفت و مظاهر فساد به دست توانای امام زمان نابود می گردد. آثار صدق و صفا و کرامت انسانی در همه جا و از همه کس به چشم می خورد و اوست که آداب و رسوم جاهلیت و عادات خرافی را محو ساخته و سنتهای باطل و بیهوده قومی و ملی را در هم می شکند و سنن الهی و آداب و روشهای صحیح مورد رضای حضرت حق تبارک تعالی را همه جا زنده و احیا می سازد. حکومت هائی را که منشاء بروز اختلافات و انحرافات است کوبیده و مضمحل می سازد. در آن عصر نورانی، جهان تحت یک حکومت خواهد بود و آن حکومت اسلامی و جهانی حضرت مهدی آل محمد «صلوات الله علیه و علیهم اجمعین» است.

علامه بزرگوار مجلسی از علاء بن محمد نقل می کند که از امام باقر «علیه السلام» پرسیدم که حضرت قائم به چه سیره و روش در میان مردم رفتار می کند و چه برنامه ای را عملی می سازد و بکار می برد، فرمود: «به سیره و روش رسول الله «صلی الله علیه و آله» تا اسلام را پیروز گرداند» می گوید عرض کردم: سیره رسول الله چه بود؟ فرمود: «رسول الله آنچه را که در جاهلیت بود باطل کرد و عدل و داد را در میان مردم رواج داد و همچنین قائم، زمانی که قیام کند آنچه را که در دست مردم بود - سنتهای غلط و راه و روشهای باطل و ناپسند - همه را از بین می برد و عدل و داد را در میان آنان برقرار می سازد».

راستی آیا کسی جز حضرت مهدی «ارواحنا فداء» می تواند این هرج و

مرجها و این انحرافات و حق کُشیها را از بین برده و نابود سازد و آیا جز در زمان حکومت آن بزرگوار این افتراقها مبدل به اتحاد و یگانگی می شود؟ چه کسی جز صاحب عصر که مورد امداد غیبی و توجه الهی است می تواند ستمگران زورگور را به کلی خاموش گرداند و نام و نشان آنان را از صفحه روزگار براندازد؟ اوست که موجودات جهان سر به فرمانش می باشند و اوست که قدرتها را یکسره می سازد. از این رو باید دل به او داد و راه او را پیمود و هدف او را گسترش داد و سر بر آستان او گذاشت، دادرسی از او خواست و از او امداد طلبید.

از این روز معصومین «علیهم السلام» رسیده است که در شبهای ماه مبارک رمضان که بهترین اوقات دعاست، دعای افتتاح بخوانید و در ضمن آن دعای شریف، بیاد مهدی موعود «عجل الله تعالی فرجه الشریف» و حکومت جهانیش بوده و بگوئید: «اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه تعزبها الاسلام و اهله و تدل بها النفاق و اهله ...» (بار خدایا! ای معبود بزرگ، ما از تو دولتی کریمه و متکی بر بزرگواری و شرف می خواهیم که اسلام و پیروانش را به وسیله آن دولت شریف، سربلند و سرافراز نموده و دورویی و دورویان را با آن زبون و خوار فرمایی ...)

آری، عزت مسلمانان، آن روز تجلی خواهد کرد و کفر و پیروانش در آن روز ذلیل، رسوا و سر بزیر خواهند گردید. رژیمهای غلط و نظامهای باطل که بر اساس آدمکشی و جنایت پایه گذاری شده اند به دست حضرت ولی عصر نابود خواهند شد و برنامه های مترقی قرآن و اسلام را به صورت واقعی در همه جا به معرض اجرا می گذارد و در نتیجه کائنات به روی مردم لبخند نوید و نوازش می زنند و چهره عبوس پیشین جهان مبدل به سیمایی

حکومت الهی ولی عصر «ارواحنا لتراب مقدمه الفداء» □ ۱۲۶

سرشار از مهر و عطوفت می گردد و به قول آن شاعر:

در زمان عدلش آهو با پلنگ صلح بگرفت و فرو بگذاشت جنگ
شد کبوتر ایمن از صیاد باز گوسفند از گرگ نارد احترام

زیرنویسها و یادداشتهای

حکومت الهی ولی عصر «ارواحنا ثراب مقدمه الفداء»

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۳۱

۲- ص ۳۱

یاران مهدی «علیه السلام» یا عناصر رشادت

بزرگترین افتخاری که در زمان ظهور حضرت ولی عصر «ارواحنا فداه» نصیب گروهی از مردم می شود این است که آنان پا در رکاب و سر به فرمان امام زمان بوده و به نام انصار قائم و یاران مهدی خوانده می شوند. آری، یاران مهدی، انصار خدا و رسول الله «صلی علیه و آله» و قرآن و همه امامانند و یاران عدل و آزادی و جانبداران حق و حقیقت و حقوق انسانیتند و چنانکه چشم جهانیان متوجه به امام زمان و انقلاب آسمانی اوست همانگونه چشم اهل جهان متوجه به یاران مهدی و اصحاب و فدائیان امام زمان است و آنان مورد نظر رحمت خاص خدا خواهند بود.

در بعضی از روایات نقل شده است که خداوند، دین خود را به وسیله هزار مرد از اول تا آخر روزگار یاری کرده و خواهد نمود که سیصد و سیزده نفر از این هزار نفر، اصحاب طالوت، سیصد و سیزده نفر اصحاب بدر (فدائیان پیغمبر در جنگ بدر) و سیصد و سیزده نفر هم اصحاب قائم آل

محمدند. شصت و یک نفر باقیمانده نیز کسانی اند که در حادثه کربلا با حضرت سیدالشهداء «علیه السلام» به شهادت رسیدند. بنابراین اصحاب مهدی از جهت عدد، سیصد و سیزده نفر و از جهت مقام و فضیلت مساوی با اصحاب جانباز رسول الله «صلی الله علیه و آله وسلم» در جنگ بدر و هم طراز یاران باوفا و اصحاب سلحشور و فداکار امام حسین «علیه السلام» می باشند. اصحاب قائم آن مردم برارنده و انسانهای از جان گذشته و مجاهدان توفنده و با استقامتی هستند که با وجود خودشان و با نحوه رفتار و برنامه جهادشان تبلور عینی بنیان مرصوصند، آن چنان که خدای متعال فرموده:

ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً كانهم بنیان
مرصوص.^۱

آنان در تابلوی وجود پاک خود، آیه شریفه را برای مردم مجسم می سازند.

در زیارت آن حضرت می خوانیم: «اللهم كما جعلت قلبی بذكره معموراً فاجعل سلاحی بنصرته مشهوراً وان حال بینى و بین لقائه الموت الذى جعلته على عبادك حتماً و اقدرت به على خلیفتك رغماً فابعثنى عند خروجه ظاهراً من حفرتى مؤتزرأ کفنى حتى اجاهد بین یدیه فى الصف الذى اثنت على اهله فى کتابک فقلت کانهم بنیان مرصوص ...»

(پروردگارا چنانکه قلب مرا به یاد او معمور ساختی شمشیر مرا به یاری او کشیده و از نیام بیرون بیاور و چنانچه میان من و ملاقات آن بزرگوار مرگ حتمی که علیرغم همه بندگان مقدر گردانیدی جدایی انداخت، پس مرا در زمان خروج (عصر ظهور) او از قبر برانگیز تا کفن خود را به تن کنم و در آن صفی که تو در کتاب آسمانیت اهل آن صف را ثنا گفته و فرمودی:

«کانهم بنیان مرصوص» در رکاب آن حضرت جهاد کنم)

در زیارت آن حضرت نیز که هر روز بعد از نماز صبح وارد است می خوانیم که: «فصل علی مولای و سیدی صاحب الزمان واجعلنی من انصاره و اشیاعه و الذابین عنه واجعلنی من المستشهدین بین یدیه طائعاً غیر مکره فی الصف الذی نعت اهلہ فی کتابک فقلت صفأ کانهم بنیان مرصوص علی طاعتک و طاعة رسولک و آله علیهم السلام»

(معبودا درود بفرست بر مولا و آقای من صاحب الزمان و مرا از یاران و پیروان و دفاع کنندگان از او قرار ده و مرا از شهادت یافته گان پیش روی او بگردان که با رغبت و شوق بدون اکراه در آن صفی که اهل آن صف را در کتاب خودت وصف کرده و فرموده ای: «کانهم بنیان مرصوص» درآمده بر اطاعت تو و اطاعت رسول تو و آل او «علیهم السلام» کشته شوم)

تأمل کنیم که در این جملات زیارت و دعا چگونه رفعت شأن و علو مقام انصار المهدی «علیه السلام» را به ما اعلام داشته و آنان را بهترین مصداق و نمونه آیه شریفه سوره صف به شمار آورده اند و در نتیجه به حکم اینکه در صدر آیه می فرماید: ان الله يحب الذین ... (خداوند چنین کسانی را دوست دارد) پس انصار المهدی «ارواحنا فداء» مورد محبت خدایند و خداوند آنان را دوست می دارد و از این رو باید گفت بزرگترین افتخار و عالی ترین شرف و مقام آدمی این است که در زمره یاران قائم «علیه السلام» درآید و نام او در دفتر فدائیان حضرتش ثبت گردد.

در خاتمه این بحث به روایتی از امام صادق «علیه السلام» در رابطه با مقام رفیع و شأن والای یاران مهدی موعود «عجل الله تعالی فرجه» توجه کنید:

معتب - آزاد شده امام صادق «علیه السلام» - گفته است: شنیدم مولایم

(امام صادق «علیه السلام») می فرماید: رسول الله «صلی الله علیه و آله» فرموده است: پیامبری از پیامبران خدا توسط قومش طرد گردید، او پناهنده به دیلم^۲ شد، مردم دیلم او را پناه داده و یاری نموده و از او درخواست کردند که برای آنان دعا کند. او برای آنان دعا کرد که خداوند عددشان را زیاد کند و قدرتشان را افزون فرموده بر دشمن غالب گرداند و زمین و شهر آنان را از دستبرد دیگران نگاه دارد «و يجعل فیهم و منهم انصاراً للقائم المهدی من آل محمد ص» و از خدا خواست که در برابر این احسان و عواطف، خداوند در میان آنها و از آنها یارانی برای قائم آل محمد «صلوات الله علیهم اجمعین» قرار بدهد.^۳

راستی جانها به فدای انصار قائم و یاران آن حضرت که این پیغمبر بزرگوار برای مردمی که پناهنده بودند دعا می کند که خداوند انصاری برای مهدی «علیه السلام» از آنان قرار بدهد و آن جمعیت را سرافراز و مفتخر فرماید به اینکه چند نفری از انصار مهدی «عجل الله فرجه» از آنان بوده و از میان آنان برخیزند.

زیرنویسها و یادداشتهای

یاران مهدی «علیه السلام» یا عناصر رشادت

- ۱ - سورة صف، آیه ۴، پروردگار دوست دارد کسانی را که در راه او مقاتله کنند، گوئی بنیانی بسیار محکم و پابرجایند.
- ۲ - دیلم در قدیم ناحیه‌ای در گیلان بوده است.
- ۳ - دلائل الامامه طبری، ص ۲۳۸

منتظران مهدی موعود «ارواحنا فداء»

علاقه‌مندان خاندان عصمت و دلدادگان خاتم الاوصیاء امام زمان «عجل الله تعالی فرجه» در دوران غیبت به حکم عقل، وجدان و شرع باید در انتظار مقدم مقدس امام زمان باشند. هر روزی که فرا می‌رسد و خورشید از افق سر درآورده و جهان را از تیره‌گی و ظلمت می‌رهاند به یاد فرا رسیدن عصر حضور و طلوع خورشید آسمان ولایت و نجات‌دهنده جوامع بشری از تیره‌گی جهل و نادانی و فساد باشند و آرزوی دیدارش را در دل پیورانند و تمنا کنند که در حضور او بوده و سیمای ملکوتی و زیبای حضرتش را ببینند و سر به فرمان او نهاده، در راه پیشبرد اهداف عالیّه حضرتش به پیش بتازند. رسول اکرم «صلی الله علیه و آله وسلم» می‌فرماید: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج»^۱ (برترین و بالاترین اعمال و عبادت‌های امت من انتظار ظهور ولی عصر و گشایش امور به دست آن حضرت است).

امام صادق نیز می‌فرماید: «من مات منکم علی هذا الامر، منتظراً له

كان كمن في فسطاط القائم^۲ (کسی که از شما معتقد به موضوع امامت باشد و با ولایت و انتظار حضور امام از دنیا برود، مانند کسی است که در خیمه حضرت قائم «در کنار آن حضرت و زیر سایه الطاف او» بوده است.)
البته در رابطه با انتظار فرج و امید به ظهور امام زمان «عليه آلاف التحية و الاكرام» روایات متعددی از ائمه معصومین «عليهم السلام» نقل شده است.

مطلبی که در اینجا ناگزیر باید از آن بحث شود اینست که گاهی گفته می شود: انتظار، رمز سکوت و تن در دادن به ظلمها، اجحافها، ستمگریها و غارتگریهاست و نتیجه آن توقف و رکود جامعه خواهد بود. انسان باید خود بجوشد و بخروشد و فعالیت کرده و تحرک داشته باشد و تحول ایجاد کند نه دست روی دست گذاشته و به انتظار امام زمان بنشیند و همه اصلاحها و استقرار نظامهای عدل مبتنی بر قوانین شرع مقدس اسلام را به عهده امام عصر بگذارد.

لیکن با کمی دقت و اندیشه روشن می گردد که این اعتراض از عدم درک صحیح معنی انتظار نشأت می گیرد. چه انتظار، به آن معنی نیست که آنان تصور کرده اند، بلکه انتظار تشریف فرمائی امام زمان لااقل همانند انتظار آمدن مهمانی است که آدمی او را به خانه خود دعوت کرده است. اکنون آیا مضحک نیست که انسان کسی را برای مهمانی دعوت کند و هیچگونه آمادگی برای پذیرایی نداشته باشد. اگر انسان بدون آنکه غذایی طبخ کرده و میوه ای فراهم آورده باشد و بدون آنکه وسایل پذیرائی در اختیار داشته باشد و با این حال نشسته و بگوید: در انتظار میهمانم، آیا این صحنه خنده آور نیست و نشانه دیوانگی و یا اقلاً حماقت طرف نمی باشد؟ تا به حال دیده اید دهقانی شخم نکرده و کشت ننموده و فعالیت نکرده در انتظار درو کردن

باشد؟

انتظار فرج امام زمان اولاً از نظر عقیدتی یقین و باور به پیروزی و غلبه حق بر باطل است و از نظر عمل و برنامه‌های زندگی، اعلان آمادگی برای شرکت در انقلاب آسمانی حجة ابن الحسن «علیهما السلام» و بسیج شدن به سوی اهداف آن حضرت و تحرک و فعالیت برای پیاده کردن خواسته‌های آن بزرگوار است. اولیاء اسلام و رهبران بزرگ شیعه، همواره مردم را از آن طرز تفکر غلط بر حذر داشته و آنان را به معنا و مفهوم صحیح انتظار و امید، توجه داده و واژه مزبور را معنی کرده‌اند تا فرومایه‌ها بر پندار غلط خود اصرار نورزند و با فکر مخدر خود اسقاط تکلیف ننمایند و میدان زندگی و پهنه جهان را برای جباران ستمکار مهیا نسازند.

امام امیرالمؤمنین «علیه السلام» به شخصی که تقاضای موعظه از آن حضرت کرده بود، فرمود: «لا تکن ممن یرجو الاخرة بغير عمل و یرجى التوبة بطول الامل...»^۳ (از آنان نباش که بدون عمل شایسته‌ای امیدوار به آخرت هستند و توبه را با آرزوهای طولانی به تأخیر می‌اندازند).

نیز می‌فرماید: «یدعی بزعمه انه یرجو الله کذب و العظیم ما باله لا یتبئن رجائه فی عمله فکل من رجى عرف رجائه فی عمله الأرجاء الله فانه مذخول و کل خوف محقق الأخوف الله فانه معلول یرجو الله فی الکبیر و یرجو العباد فی الصغیر فیعطى العبد ما لا یعطى الرب»^۴

(«پاره‌ای» گمان می‌برند به خدا امیدوارند. «اما» سوگند به خداوند بزرگ که دروغ می‌گویند «اگر راست می‌گویند پس» چرا این امیدواری در عملشان به چشم نمی‌خورد زیرا هر کس امیدی داشته باشد می‌توان آن را در عملش مشاهده نمود. هر امیدی - جز امید به خدا - نابجا و هر ترس مسلمی

- جز ترس از خدا - نادرست است. «گروهی» در مسائل مهم به خدا امید دارند و در مسائل کوچک به بندگان خدا. ولی امیدشان به بندگان بیش از امیدشان به خداست. اما توجهشان به خدا کمتر است از توجهشان به بندگان)

مردی به حضرت صادق «علیه السلام» عرض کرد: «ان قومنا من شیعتکم یعملون بالمعاصی و یقولون نرجو فقال: کذبوا لیسوا من شیعتنا کل من رجا شیئا عمل له فوالله ما من شیعتنا منک الا من اتقی الله»^۵

(گروهی از شیعیان شما گناه می کنند و می گویند ما امید به خدا داریم. حضرت فرمودند: دروغ می گویند آنان از شیعیان ما نیستند، هر کس که امید به چیزی داشت برای آن به پا خاسته و عمل می کند. به خدا سوگند از شیعیان ما نیست مگر آن کس که از خدا پروا داشته باشد)

باری، با این سخنان محکم پیشوایان و رهبران بزرگ شیعه معلوم شد که امید و انتظار، نه به آن معنای غلط و مفهوم مسخ شده است که ابن خلدون یا طنطاوی مصری و یا بعضی دیگر توهم کرده اند تا موجب شود که انسان از خود سلب مسئولیت نموده و رسیدگی و اصلاح امور را واگذار به ولی عصر «ارواحنا فدا» کند و خود عضوی مختل و فلج گردد و تن به ذلت و زبونی دهد و محرومیتها و بیچارگیها را برای خود خریداری نماید و یا فساد را ترویج کرده و توسعه دهد، نه، انتظار نه به این معنی است و نه به معنای العجل العجل گفتنهای جامد و بی حقیقت و یا الغوث و الفرج سردادنهای تو خالی و بی روح. هر کس که انتظار را بدین نحو تفسیر کند، یا اشتباه کرده و یا خیانت، و این خود نوعی تحریف حقائق است و هر کس هم که اکتفا به گفتن این کلمات کند ولی عملاً از امام زمان و مقاصد بلند او فاصله بگیرد،

بداند که خود را مسخره کرده است حقیقت انتظار نه تنها سلب مسئولیت نیست بلکه خود نوعی احساس مسئولیت است. انتظار حقیقی التزام آور و تعهدزا است، نه پوچی و جمود.

مسلمان منتظر، متعهد و مسئول است، ملتزم و آگاه است، نه جامد و خمود که انتظار و آگاهی با جمود و خمودی دو مفهوم متناقض و غیر قابل اجتماعند.

نقل شده که ابن بطوطه در سفر نامه خود ذیل عنوان «ندبه شیعیان حله برای امام زمان» آورده است که: در نزدیکی بازار بزرگ شهر، مسجدی قرار دارد که بر در آن پرده حریری آویزان است و آنجا را مسجد صاحب الزمان می خوانند. شبها پس از نماز، صد نفر مرد مسلح با شمشیرهای آویخته ... اسبی یا استری را گرفته و به سوی همان مسجد روانه می شوند ... سایر مردم از طرفین این دسته حرکت می کنند و چون به مشهد صاحب الزمان می رسند در برابر در ایستاده، آواز می دهند، که بسم الله ای صاحب الزمان! بسم الله بیرون آی که تباهی، روی زمین را فرا گرفته و ستم فراوان گشته وقت آن است که بر آیی تا خدا به وسیله تو حق را از باطل جدا کند.

محدث قمی در حالات عباد بن یعقوب رواجنی متوفای سنه ۲۵۰ هجری از شخصی به نام قاسم بن زکریای مطرز نقل کرده که او گفته: عباد، نابینا بود و من دیدم که در خانه اش شمشیری آویزان است، به او گفتم این شمشیر برای کیست؟ گفت: این شمشیر را آماده کرده ام تا در رکاب حضرت مهدی با این شمشیر مقاتله کنم.^۱

آری، مردان روشن ضمیر، مسلمانان، شیعیان بیدار دل و آماده و خلاصه منتظران راستین مهدی موعود «عجل الله تعالی فرجه» این چنین انتظار امام زمان

را داشتند، آنان عملاً آمادگی خود را ابراز می نمودند، شمشیر خود را آماده کرده و مسلحانه منتظر ظهور امام زمان «ارواحنا فداه» بودند. اکنون مردم مسلمان بدانند که انتظار صحیح و واقعی امام زمان، پاک شدن از صفات زشت، دوری از بدیها و سیئات اعمال است، انتظار جدی ولی عصر، پیشه کردن صفات حسنه و کرامت های اخلاقی و انسانی و گام برداشتن در راه امام «سلام الله علیه» است. مفهوم حقیقی انتظار، مبارزه با جنایتکاران و خودکامگان و شکست جو تیره و تار اختناق و فساد است.

انتظار جدی، مبارزه و تحرک و تلاش مداوم مذهبی است. مردمان سلحشور و مجاهد و جوانان شایسته و فداکار و جانباز هستند که می توانند خود را در زمره منتظران مهدی «عجل الله تعالی فرجه»، قلمداد کنند. ولی بی اراده های ضعیف و زبون، هرگز نمی توانند خود را منتظر مهدی «علیه آلاف التیة و الثناء» بدانند، چه، عملکرد آنها گفتارشان را تکذیب می کند.

انتظاری که بازدهی نداشته باشد، اثری بر آن مترتب نیست و کاری از آن ساخته نمی باشد، ارزش و اعتباری ندارد و اجر و پاداشی هم نخواهد داشت. اما اگر انتظار، جدی و عملی بوده و انسان را به حرکت و تکاپو و داشت، ثمرات و خیرات بی شماری به همراه خواهد آورد و همین انتظار است که دارای ثواب و اجر فراوان بوده و اصلاح نفس و جامعه را به دنبال خواهد داشت.

حضرت امام حسن عسکری «علیه السلام» در نامه ای که به شیخ بزرگوار علی بن الحسین بن بابویه قمی (صدوق اول) نوشته اند، می فرماید: «علیک بالصبر و انتظار الفرج قال النبی صلی علیه و آله: افضل اعمال امتی انتظار الفرج و لایزال شیعتنافی حزن حتی یظهر ولدی الذی بشر به النبی یملاء

الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً فاصبر يا شيخى يا اباالحسن
 على و أمر جميع شيعتى بالصبر فان الارض لله يورثها من يشاء من عباده
 والعاقبة للمتقين و السلام عليك و على جميع شيعتنا و رحمة الله و بر كاته»^۷
 (بر تو باد، صبر و انتظار فرج، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین
 اعمال امت من انتظار فرج است و همواره شیعیان ما در اندوهند تا فرزند من
 ظاهر شود، همانکه پیغمبر مژده آمدن او را داده و اینکه زمین را سرشار از
 عدل و داد می گرداند، پس از آنکه پراز ظلم و جور شده باشد، پس ای شیخ
 من! صبر پیشه کن و همه شیعیان مرا هم امر به صبر بنما چه آنکه زمین برای
 خدا است بهر کس از بندگان خود که بخواهد آن را به وراثت خواهد داد و
 فرجام نیکو برای پرهیزکاران است. درود و رحمت و برکات خدا بر تو و بر
 تمامی شیعیان ما باد).

زیرنویسها و یادداشتهای

منتظران مهدی موعود «ارواحنا فداه»

۱ - منتخب الاثر، ص ۴۹۶

۲ - منتخب الاثر، ص ۴۹۵

۳ - نهج البلاغه فیض الاسلام، کلمات قصار، ۱۴۲

۴ - نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبة ۱۵۹

۵ - ارشاد القلوب دیلمی، ص ۱۴۴

۶ - الکنی و الالقاب، ج ۲، ص ۲۵۳

مرحوم آیت اه سید محمد طاهر شیرازی روزی که در شیراز چشم از جهان فرو بست، تمام ترکه او اعم از پول نقد و غیر نقد بیش از دو بیست و پانزده تومان نبود به اضافه سه شمشیر. یکی بزرگ و دو تای دیگر متوسط، که اولی را برای خود و آن دو را برای دو فرزندش مرحوم آیت الله العظمی سید عبدالله

شیرازی و مرحوم آیت الله سید محمد جعفر طاهر شیرازی گذارده بود، به
این امید که به هنگام ظهور و فرج حضرت بقیة الله با آن شمشیر در رکاب
حضرتش با دشمنان خدا به ستیز و نبرد پردازد.

«چهره‌ای پرفروغ، ص ۳۲»

۷- مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۴۲۵

مسیح و مهدی «صلوات الله علیهما»

حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» با انبیاء و پیامبران بزرگ الهی، وجوه مشابهت زیادی دارند و نقطه شاخص و برجسته حیات و زندگی هر یک از آنان در وجود پاک وی نمودار است و در این میان شباهت آن حضرت به حضرت عیسی بن مریم بسیار قوی و شدیدتر می باشد.

اکنون وجوه مشابهت و جهات اشتراک آن دو بزرگوار را یادآور

می شویم:

۱- هر دو در ایام خردسالی و کودکی به مقام شامخ ولایت مطلقه نائل شدند. زیرا عیسی به تصریح قرآن کریم در آغاز تولد به مقام نبوت رسید چنانکه خود فرمود: «وجعلنی نبیاً»^۱ (خداوند مرا پیامبر خود قرار داده) و حضرت مهدی نیز به پنج سالگی نرسیده بود که با درگذشت پدر بزرگوارشان به مقام والای امامت نائل گردیدند.

آری، امام زمان در نیمه شعبان که ماه هشتم از سالهای قمری است در

سال ۲۵۵ تولد یافتند و حضرت عسکری «علیه السلام» در سال ۲۶۰ در ماه سوّم، جهان را وداع گفتند و در نتیجه، سن مبارک امام زمان در روز وفات والد بزرگوارش چهار سال و هفت ماه بوده است و بر این اساس در چهار سال و هفت ماهگی حضرتش مفتخر به امامت و ولایت مطلقه الهیه گردیده‌اند.

در زیارت آن حضرت می‌خوانیم: «اشهد ان الله اصطفاک صغیراً و اکمل لک علومه کبیراً» (شهادت می‌دهم که خداوند تو را در کودکی - برای امامت - انتخاب کرده و علوم خود را در بزرگی برای تو کامل گردانید).

۲ - هر دو در اولین لحظات تولد، لب به سخن باز کردند.

عیسی «علیه السلام» فرمود: «انی عبد الله آتانی الکتاب و جعلنی نبیاً و جعلنی مبارکاً اینما کنت و اوصانی بالصلاة و الزکاة مادمت حیاً و برّاً بوالدتی و لم یجعلنی جبار شقیّاً»^۲ (منم بنده خدا، او به من کتاب عطا کرده و مرا پیامبر خود قرار داد و مایه برکت و رحمت گردانید، در هر جا که باشم. به نماز و زکات تا زنده باشم سفارش نمود و نیکی به مادرم را به من توصیه فرمود و مرا ستمکاری شقی قرار نداد).

حضرت مهدی «عجل تعالی فرجه» نیز در لحظه نخستین ولادت سخن گفتند چنانکه شیخ صدوق «رحمة الله» علیه نقل کرده که چون مهدی «علیه السلام» تولد یافت، برای خدا به سجده افتاد و سپس سر را از سجده بلند کرده و می‌گفت: شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکه و اولوا العلم قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام.^۳

علامه مجلسی از کتاب غیبت شیخ طوسی ضمن داستان و روایت مفصلی نقل می‌کند از حضرت حکیمه عمه امام عسکری «علیه السلام» که آن حضرت در لحظه ولادت حضرت مهدی فرمودند: ای عمه! فرزند مرا بیاور و

چون کودک را به حضور امام عسکری بردم دست بر سر فرزند کشیده و فرمود: ای فرزند به قدرت خدا سخن بگو، حضرت مهدی گفت: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و نرید أن نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین و نمکن لهم فی الارض و نری فرعون و هامان و جنودهما ما کانوا یحذرون. آنگاه بر رسول خدا «صلی الله علیه و آله» صلوات فرستاد و امیرالمؤمنین «علیه السلام» و سایر ائمه را یکی پس از دیگری اسم برد و بر هر یک صلوات فرستاد تا به پدر بزرگوار خودش رسید در آن هنگام امام عسکری فرمود: ای عمه! فرزندم را به سوی مادرش برگردان...^۴

۳- هر دو از دیده‌ها غائب و پنهان گردیدند. چنانکه راجع به عیسی بن مریم در قرآن کریم می‌خوانیم: «رفعه الله الیه»^۵ (خداوند او را به سوی خود بالا برد) و همین موجب شد که مردم از فیض دیدارش محروم گردیدند.

امام زمان هم در پشت پرده غیبتند و کسی نمی‌داند که در کجا و کدام نقطه به سر می‌برند و جایگاه آن حضرت کجاست.

۴- هر یک از آن دو وجود مقدس، مورد اختلافات فاحش و چشمگیر در بین مردم واقع شدند. در مورد مسیح، گروهی حتی تولد او را انکار کردند و یهودیان هنوز هم در انتظار اویند. و گروهی گفتند: تولد یافت و مبعوث شد ولی به دست رومیان به دار آویخته شد و قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: «و ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبه لهم»^۶ (او را نکشتند و نه به دارش زدند و لکن جریان، برای آنان مشتبه شد)

درباره حضرت ولی عصر «اورا حنا فداه» نیز این اختلافات و یا پیش از اینها به وجود آمد. گروهی منکر تولد او شدند. بعضی گفتند امام عسکری

عقیم بوده و از او فرزندی تولد نیافته است، گروهی گفتند تولد یافت و آمد و از میان رفت. چنانکه بعضی او را با علی محمد باب تطبیق کرده و گفتند: کشته شد. و عده‌ای دیگر که شیعه عارف و خالصند در انتظار مقدم مسعودش می‌باشند.

۵ - هر دو در یک روز، ظهور کرده و جهت اعتلای اسلام با هم همکاری خواهند نمود. روایاتی از اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» بدین مضمون رسیده که حضرت عیسی بن مریم، پیغمبر بزرگ الهی پشت سر امام زمان نماز می‌خواند و به آن حضرت اقتداء خواهد فرمود. راستی چه لذت بخش است نماز جماعتی که امام آن مهدی موعود و یکی از مأمومین و اقتدا کنندگان، حضرت عیسی «علیهما السلام» باشد.

زیرنویسها و یادداشت‌های

مسیح و مهدی «صلوات الله علیهما»

- ۱ - سوره مریم، آیه ۳.
- ۲ - سوره مریم، آیه ۳۲ - ۳۱ - ۳۰.
- ۳ - کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴۳۳ و آیه کریمه: سوره آل عمران/ ۱۸.
- ۴ - بحار الانوار ج ۵۱، ص ۱۸ و آیات کریمه سوره قصص / ۵ و ۶.
- ۵ - سوره نساء، آیه ۱۵۸.
- ۶ - سوره نساء، آیه ۱۵۷.

افتخار لقب قائم در روز عاشورا

هر چند در همه موارد القاب ممکن است، دلالت بر موقعیت اجتماعی و علمی و اخلاقی شخص نداشته باشد، در خصوص خاندان جلیل رسول الله «صلوات الله عليهم اجمعین» کاملاً مصداق عینی دارد. القاب افتخار آمیز امیر المؤمنین، سید الشهداء، زین العابدین، باقر العلوم، صادق، کاظم، رضا و هادی به طور قطع، حاکی از شخصیت و موقعیت این انوار طیبه است و از جمله، لقب قائم در مورد امام زمان «علیه السلام» نیز چنین است. این لقب مقدّس، مشهورترین و برازنده ترین لقب آن حضرت است و بر سایر القاب و نامهای امام زمان امتیاز دارد و از این رو هر وقت گفته می شود، بر می خیزند و اداء احترام فوق العاده می کنند. گویا این احترام ویژه با کیفیت مخصوص به جهت ملاحظه مبدأ اشتقاق لفظ قائم با قیام است و شیعه از رهگذر این برخورد می خواهد بگوید: ما در حالت آماده باش برای قیام مهدی موعود می باشیم و چنان آماده ایم که همین لحظه سر پا ایستاده، منتظر فرمانیم. ای

محور حرکت توفنده الهی! و ای رهبر نهضت جهانی آخر الزمان! در برابر اسم مبارک تو که رمز قیام و جنبش است به پامی خیزیم و به حرکت درمی آئیم. اسم تو می تواند ما را متحرک ساخته و به ماهستی و حیات، ارزانی دارد و روح نشاط و تحرک را در ما زنده و بیدار سازد.

توجیه قیام، به هنگام ذکر نام امام زمان تنها به خاطر اداء احترام و مراعات ادب، محدود کردن حقائق و اسرار عالی در چار چوب تشریفات ظاهری است و باید این حقیقت را دریافت که عمده نظر در این برنامه، روی هدف و رمز و دورنمای آن است. این اظهار آمادگی است و درس بزرگی برای دیگران و تنبّه دادن و بیدار باشی است، که ای تن به ذلت داده ها! تحمل ذلت نکرده و به پا خیزید تا نشسته اید و ساکتید ذلیل و زیر دستید، بجنبید و حرکت کنید و ناتوانی را از خود دور سازید. سکوت شما ذلت آور، نشستتان زیان بار و مولد بدبختی و تیره روزی و ظلمت است.

در این مورد به روایاتی استناد می کنیم که در آنها به طور صریح آمده که روز مفتخر شدن امام زمان به این لقب آسمانی، مصادف با روز عاشورا و روز قیام جانانه و شهادت سرافرازانه حضرت امام حسین «علیه السلام» بوده و در چنین روزی حضرت ولی عصر «ارواحنا له الفداء» به این لقب مقدس و پرافتخار سرافراز گردید. آن زمان که هنوز چشم به دنیا نگشوده و نور پاکش در اصلاب آباء گرامیش قرار داشت و در حالی که تا ولادتشان فاصله زمانی بسیار بود لقب با عظمت «قائم» در محضر فرشتگان آسمانی به امر پروردگار، برای آن حضرت تعیین شد و به این عنوان افتخار آمیز، سرافراز گردیدند.

ابو حمزه ثمالی می گوید: به حضرت امام محمد باقر «علیه السلام» عرض

کردم: ای زاده رسول الله! چگونه علی «علیه السلام»، امیر المؤمنین نامیده شد و حال آنکه هیچکس پیش از او به این اسم نامگذاری نشده و بعد از او هم جائز نیست که احدی را بدین نام بخوانند؟ امام فرمود: «لأنه ميرة العلم يمتار منه و لا يمتار من احد سواه» زیرا او مرکز علوم و معارف بود، از او اخذ علم می شد و از غیر او اخذ نمی شد ... عرض کردم ای زاده رسول الله «صلی الله علیه و آله وسلم» آیا شما همه قائم به حق نیستید و حق را به پا نمی دارید؟ پس چرا تنها ولی عصر را قائم می خوانند؟ حضرت فرمود: «لما قتل جدی الحسین ضجت الملائكة بالبكاء والنحيب وقالوا الهنا أتصفح عمن قتل صفوتك و ابن صفوتك و خیرتك من خلقك» (چون جدم حسین «علیه السلام» کشته شد فرشتگان صدا را به گریه و ناله بلند نموده، عرض کردند: بار خدایا آیا در می گذاری از کسانی که برگزیده تو و فرزند برگزیده تو از ارزشمندترین و بهترین خلقت را کشتند؟) «فاوحی الله اليهم قرأوا ملائکتی فوعزتی و جلالی لا انتقمن منهم ولو بعد حین» خداوند، به آنان وحی فرستاد که ای فرشتگان من آرام بگیرید، سوگند به عزت و جلال خودم که قطعاً از آنان انتقام خواهم گرفت، هر چند بعد از مدتی باشد)

«ثم كشف لهم عن الائمة من ولد الحسين فسرت الملائكة بذلك و رأوا احدهم قائماً یصلی فقال سبحانه بهذا القائم انتقم منهم» (آنگاه پرده از جلو دیدگان آنان برداشته شد و امامان از فرزندان امام حسین «علیه السلام» را یکی پس از دیگری به آنان نشان داد. فرشتگان از این منظره، مسرور و شادمان گردیده و دیدند که یکی از آنان ایستاده و مشغول نماز است خداوند فرمود: با این قائم از آنان (قاتلان امام حسین «علیه السلام») انتقام خواهم گرفت.)^۱

محمد بن حمران می گوید: امام صادق «علیه السلام» فرمود: چون جریان

شهادت امام حسین «علیه السلام» واقع شد، فرشتگان به خدا نالیدند و خروش برآورده و به خداوند متعال عرض کردند: «یا ربّ یفعل هذا الحسین صفتیک و ابن نبیک؟» (بار خدایا آیا با حسین که انتخاب شده تو و فرزند پیامبر تو است، چنین رفتار شود؟) «فاقام الله لهم ظلّ القائم علیه السلام و قال بهذا انتقم له من ظالمیه»^۲ (خداوند شبح قائم را در برابر آنان به حال ایستاده مجسم کرد و فرمود: با این - قائم - از متم کنندگان به حسین انتقام خواهم گرفت).

زیرنویسها و یادداشتهای

افتخار لقب قائم در روز عاشورا

- ۱- دلائل الامامة طبری از علمای امامیه در قرن چهارم، ص ۲۳۹
- ۲- امالی شیخ طوسی، ص ۲۶۷، طبع جدید، ج ۲، ص ۳۳

قم در غیبت قائم «عجل الله فرجه الشریف»

قم چنانکه همه می دانند یکی از شهرستان های ایران است که در نزدیکی تهران واقع شده و نقطه ارتباط مرکز مملکت و پایتخت کشور با بسیاری از شهرهاست.

قم، حرم اهل بیت و مدفن دخت پاک حضرت موسی بن جعفر، حضرت فاطمه معصومه «سلام الله علیهم» و نقطه توجه قلوب شیعیان و شهر زیارتی است.

قم، پایگاه تشیع و کانون علوم اسلامی و حدیث و روایت و مرکز محدثین و مراجع بزرگ و رجال عظیم اسلامی است.

قم، از دیر زمان به عنوان یک شهر مقدس و عالم پرور شناخته شده و همواره مردان بزرگی از آن برخاسته اند که در رأس آنها اغلب، اصحاب ائمه طاهرین «علیهم السلام» و بزرگانی مانند صدوق اول و دوم، پدر و پسر، از محدثین بزرگ می باشند. هم چنانکه گفتیم «قائم» از القاب مقدس حضرت

مهدی «ارواحنا له الفداء» است که در میان القاب آن حضرت، امتیاز دارد و از محرکترین و پرفروغترین لقب‌های آن حضرت است.

ماده اصلی و ریشه اولی و نخستین این دو کلمه (قم و قائم) که یکی نام شهرستانی از ایران و دیگری لقب امامی از امامان است، یکی است، چه آنکه هر دو لفظ، از قیام گرفته شده و در این لفظ هر دو به هم می‌رسند و با هم تلاقی می‌کنند و گویا همچنانکه ولی عصر محور قیام و نهضت الهی و آسمانی بوده و قیام او قیامی است که نفس جباران و استعمارگران را برای ابد خفه کرده و اثری از طغیان و سرکشی و خودنمایی در صفحه جهان باقی نخواهد گذاشت و ریشه‌های ضلالت و گمراهی را قطع کرده و نام و نشانی از بدعت گذاران و دین سازان و ستمگران بر جای نمی‌گذارد و طاغوتیان را ذلیل و مستضعفان را سرافراز ساخته و جهان را یکسره در سیطره اسلام و قرآن خواهد آورد و امنیت و آسایش را برای بندگان خدا در سطح جهانی تأمین خواهد کرد و خلاصه هیچ قیامی به پایه قیام پر برکت آن رهبر آسمانی نخواهد رسید، همین طور شهرستان قم، مرکز قیام و کانون پرورش قیام کنندگان است.

در دامن این شهر مقدس شاگردان گرانقدری تربیت می‌شوند و از این مکان شریف، رجال بزرگ و عظیم‌الشانی برمی‌خیزند که در روزهای بحرانی اسلام قیام کرده و ندای روحبخش قرآن و صدای مظلومیت محرومان را به گوش جهانیان می‌رسانند و با سلاح نافذ اراده و ایمانشان و با استمداد از ضمیر پاک و عقیده راسخشان رو در روی دشمنان اسلام قرار می‌گیرند.

شهر قم نوابغی در خود می‌پروراند که با تمام قوا و نیرو و امکانات خود در راه بسط آثار اسلام و ترویج شعائر دین پیش می‌روند و از مال و

جانشان در این راه دریغ ندارند.

شهرستان قم، کانون فضیلت و مرکز جانشینان مهدی موعود و رهبران فکری جامعه و پرورشگاه فرزندان روحانی و مجاهد قائم و سنگر سربازان ولی عصر «ارواحنا فداه» است. نائبان قائم و رهبران قیام از این شهر بر قلوب میلیونها نفر شیعه و مسلمانان جهان حکومت می کنند و هدایت و رهبری افکار و عقائد مسلمانان را عهده دار می شوند. آنان با اینکه زندگی تشریفاتی ندارند و خانه هایشان غالباً در حد منازل طبقه عادی جامعه است، عظمت و احتشامی در دلها دارند که هیچ قدرتمندی در جهان ندارد. حکومت های مقتدر جهان برای این قدرت معنوی اهمیت قائلند و از آن بیمناکند. البته به فضل خداوند سبحان همه تهاجم هائی که به این مرکز مقدس و به رجال بزرگ آن می شود به گونه ای دفع می گردند.

امام صادق «علیه السلام» می فرماید: «سیاتی زمان تکون بلدة قم و اهلها حجة على الخلائق و ذلك في زمان غيبة قائمنا الى ظهوره صلوات الله عليه و لولا ذلك لساخت الارض باهلها و ان الملائكة لتدفع البلايا عن قم و اهله و ما قصده جبار بسوء الا قصمه قاصم الجبارين و شغله عنهم بداهية او مصيبة او عدو و ينسى الجبارين في دولتهم ذكر قم و اهله كما نسوا ذكر الله»^۱ (بزودی زمانی فرا می رسد که شهرستان قم و اهل آن حجت بر خلائق باشند و این، در زمان غیبت قائم ما تا هنگام ظهور اوست که صلوات و درود خدا بر او باد و اگر این موضوع نبود، زمین اهل خود را فرو می برد و راستی که فرشتگان، بلاها را از قم و اهل قم دفع می کنند و هیچ ستمگری قصد سوء درباره قم نمی کند، مگر اینکه شکننده پشتهای ستمگران (خداوند متعال) او را خرد می کند و اندیشه او را از مردم قم به امری عظیم یا مصیبت و

یا به دشمن مشغول می‌سازد و خداوند یاد قم و اهل آن را از خاطر جبّاران در زمان دولتشان خواهد برد، چنانچه آنان یاد خدا را فراموش کرده‌اند).

این حدیث شریف به ما نوید می‌دهد که هر چند قم مورد مهاجمه قرار می‌گیرد و اهل آن و فرزندان مجاهدش با مشکلات و مصائبی روبرو می‌گردند لکن خداوند این شهر مقدس و اهل آن را حفظ خواهد کرد و این نقطه، مرکز الهام برای مسلمانان جهان، بلکه مردم دنیا خواهد بود و در نهایت آن درگیریها به نفع اهل قم و بزرگان دینی خواهد بود و آنان پیروز می‌گردند، زیرا این شهر و اهل آن را خداوند، حجّت بر خلائق قرار داده و در نتیجه، مظهري از وجود پاک حجة الله و امام زمان می‌باشند و همانگونه که خداوند حجّت خود را از گزند حوادث نگهداری می‌فرماید، این شهر را که حجّت بر خلائق در زمان غیبت حضرت حجة ابن الحسن می‌باشد محافظت کرده و دست دشمن را از آن کوتاه خواهد فرمود.

ناگفته نماند که همه این مطالب، درباره اهل قم است نه ساکنین قم که در کلمه «اهل» اهلیت افتاده و مراعات شده است. باید ترابط و پیوند بسیار محکم و قوی معنوی، میان ساکنان قم با قم و لوازم قم باشد تا واژه اهل قم درباره آنان صادق باشد، همانگونه که در قرآن کریم در داستان حضرت نوح «علیه السلام» این حقیقت مورد توجه قرار گرفته و چنین بیان می‌فرماید که چون نوح فرزند خود را دید که در میان امواج خروشان آب دست و پا می‌زند و در حال غرق و هلاک شدن است، زبان به تضرع گشوده، دست به نیایش برداشت که: «انّ ابني من اهلي وانّ وعدك الحق وانت احکم الحاکمین»^۱ (بار خدایا فرزند من از اهل من است که وعده نجات آنان را دادی، و وعده تو حق است و تو حکم کننده‌ترین حکم کننده گانی). خداوند خطاب کرد که

«قال یا نوح انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح...»^۳ (ای نوح فرزند تو از اهل تو نیست. او (صاحب) عملی ناشایست است).

اکنون بنگرید که از فرزند نوح سزاوارتر به صدق کلمه «اهل» کیست؟ با این حال، خداوند، به طور صریح و قاطعانه می فرماید: ای نوح! پسر تو، از اهل تو نیست.

از اینجا می فهمیم که در اهل، اهلیت و همبستگی، وحدت فکر و عقیده، تقارب افق اندیشه و معتقدات، لازم و معتبر است و بنابراین اهل قم کسانی اند که اهلیت داشته باشند و اضافه بر ولایت یا سکونت در این شهر در مسیر علم، فضیلت، جهاد و قیام نیز فعال و سخت کوش باشند.

اگر افرادی در قم متولد شوند و یا در این شهر اقامت کنند و لیکن از فرهنگ و ادب اسلامی و انسانی بهره مند نبوده، دانا و خردمند، واجد عمل صالح و قول صادق، امین و با نظافت نباشند و به پستی و جهالت و نادانی تن در دهند و انحطاط فکری داشته باشند، آنان اهل قم نیستند و از آن همه فضائل و کمالات و مزایا بهره مند نخواهند بود و بلکه همچون فرزند نوح، از آنان سلب اهلیت و نفی شایستگی خواهد گردید.

زیرنویسها و یادداشتهای

قم در غیبت قائم، عجل الله فرجه الشریف»

۱ - سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۵

۲ - سوره هود، آیه ۴۵

۳ - سوره هود، آیه ۴۶

آوای دلدادگان در فراق مهدی «علیه آلاف التحية والثناء»

آنانکه ولی عصر «ارواحنا فداه» را شناخته و عظمت و جلال او را درک کرده‌اند و اهداف عالی و آثار عظیم و چشمگیر ظهور او را دریافته‌اند، در هر حالی به یاد اویند و شوق دیدار و ظهور آن حضرت تمام وجود آنان را فرا گرفته، چونان کسی که گمشده‌ای دارد، همه جا در جستجوی اویند و شور شوق و علاقمندی خود را در هر جایی به شکلی نسبت به آن وجود مقدس ابراز داشته و ظاهر می‌کنند. گاهی دلدادگی آنان به صورت دعا برای آن حضرت ظهور می‌کند و نصرت و پیروزی و غلبه‌وی را بر دشمن، از خداوند متعال، درخواست کرده، خیر و خوشی و تأیید او را می‌خواهند. چنانکه در ماه مبارک رمضان که بهترین فصل دعا و نیایش و مناسبترین موقعیت برای اجابت خواسته‌های بندگان است، دعاهای ویژه‌ای برای حضرت صاحب الامر کرده در هر شب از شبهای این ماه مبارک در دعای افتتاح می‌خوانیم:

«اللهم و صلّ على وليّ امرک القائم المؤمل و العدل المنتظر و حفّه
بملائکتک المقربین و ائده بروح القدس یا ربّ العالمین». (خدایا بر ولیّ
امرت آن قائم مورد آرزوی همه و عدالت گستر مورد انتظار، درود بفرست و او
را با خیل فرشتگان مقربت فرا گیر و با روح القدس تأیید فرما. ای پروردگار
جهانیان)!

و سپس می خوانیم: «اللهم اجعله الداعی الی کتابک و القائم بدینک
استخلفه فی الارض کما استخلف الذین من قبله، مکن له دینہ الذی
ارتضیته له، ابدله من بعد خوفه أمناً یعبدک لا یشرک بک شیئاً». (بار خدایا او
را در موضعی قرار ده که دعوت به کتاب آسمانی تو کند و دینت را بر پا دارد
و او را در زمین، خلیفه خود گردان چنانچه پیشینیان او را خلیفه و جانشین
گردانیدی و او را برای حفظ دینی که برای او پسندیدی متمکن گردان و
خوف او را پس از این مدت به ایمنی مبدّل فرما تا تو را پرستش کرده و هیچ
چیزی را شریک تو نگرداند).

نیز می خوانیم: «اللهم اعزّه و اعزز به و انصره و انتصر به و انصره نصراً
عزیزاً و افتح له فتحاً یسیراً و اجعل له من لدنک سلطاناً نصیراً». (بار خدایا او را
عزّت ده و پیروان او را به برکت او عزیز گردان، و او را یاری کن، و دوستانش
را به وسیله او یاری فرما و او را یاری کن، نصرت کامل و با عزّت، و جهان را به
آسانی به دست او فتح فرما و از ناحیه خود، او را سلطنت و قدرت عنایت
بفرما).

و سپس می گوئیم: «اللهم اظهر به دینک و سنّة نبیک حتی لا یتخفی
بشیء من الحق مخافة احد من الخلق». (خدایا دینت و سنّت پیامبرت را به
دست او آشکار ساز تا چیزی از حق و حقیقت را به خاطر ترس کسی از

بند گانت پنهان ندارد)

ملاحظه می کنید که محبّانِ مهدی موعود با تعلیم و ارشاد اهل بیت عصمت «علیهم السلام» علاقمندی خود را به آن حضرت اظهار کرده، نصرت و یاری او را از خدای بزرگ می طلبند و پیشروی دین و گسترش تعلیم اسلام را در پرتو ظهور او درخواست می کنند.

در اعمال شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان که عظیم ترین لیالی قدر است، وارد شده که به صورت مکرّر در حال سجود، قیام و قعود و در هر حالی که هستی و در تمام این ماه، این دعای شریف را بخوان: «اللهم کن لولیک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیّاً و حافظاً و قائداً و ناصراً و دلیلاً و عیناً حتی تسکنه ارضک طوعاً و تمتعه فیها طویلاً» (بار خدایا برای ولّیت حجة ابن الحسن که درود تو بر او و بر پدرانش باد، در این ساعت و هر ساعتی، سرپرست و نگهدار و پیشوا و یاور و راهنما و دیدبان باش تا او را در زمینت به آقائی و سلطنت با رغبت مردم ساکن فرمائی و او را مدتی بسیار و طولانی بهره مند گردانی).

و دگرگاه اظهار شوق درونی به امام زمان «ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدیه» به صورت سلام بر آن حضرت جلوه می کند، دوستان و دلدادگان حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» امام خود را حاضر و ناظر دیده و مانند کسی که محبوب عزیز خود را می بیند و مشاهده می کند بر او سلام کرده و درود و تحیّت می فرستند و خواسته ها و آرمانهای خود را با آن حضرت در میان می گذارند. چنانچه در دعای شریف می خوانیم: «السّلام علی المهدی الذی وعد الله عزّ وجلّ به الامم ان یجمع به الکلم و یلتم به الشعث و یملاء به الارض قسطاً و عدلاً و یمکن له و ینجز به وعد المؤمنین». (درود بر مهدی که خداوند

بزرگ به ائمتها وعده داده که رشته‌های اختلافات را به وسیله او جمع کرده و تفرقه و نزاعها را برطرف فرماید و زمین را با وجود او پر از عدل و داد گرداند و جهان را در تسخیر او درآورده و به برکت او وعده عزت مؤمنین را تحقق بخشد).

در زیارت آن بزرگوار در روز جمعه می‌خوانیم: «السلام عليك يا حجة الله في ارضه، السلام عليك يا عين الله في خلقه، السلام عليك يا نور الله الذي يهتدي به المهتدون و يفرج به عن المؤمنين». (سلام بر تو ای حجت خدا در زمین. سلام بر تو ای مظهر خدا (ای دیدبان خدا) در میان مردم، سلام بر تو ای نور خدا که هدایت یافتگان با آن هدایت می‌شوند و مشکلات اهل ایمان به وسیله او گشایش می‌یابد).

«السلام عليك ايها المهدب الخائف، السلام عليك ايها الولي الناصح، السلام عليك يا سفينة النجاة، السلام عليك يا عين الحياة». (سلام بر تو ای پاکیزه جانی که از دشمنان خائفی، سلام بر تو ای ولی خدا که ناصح و خیر خواهی، سلام بر تو ای کشتی نجات، سلام بر تو ای سرچشمه آب زندگانی).

«السلام عليك، صلى الله عليك و على آل بيتك الطيبين الطاهرين، السلام عليك عجل الله لك ما وعدك من النصر و ظهور الامر». (سلام بر تو، خداوند درود فرستد بر تو و بر خاندان تو که همه پاک و پاکیزه‌اند. سلام بر تو، خداوند در تحقق وعده نصرت و یاری و غلبه امر تو تعجیل فرماید).

«السلام عليك يا مولاي، انا مولاك عارف بأوليک و اخرجیک اتقرب الي الله تعالى بك و بآل بيتك و انتظر ظهورك و ظهور الحق على يدك». (درود بر تو، ای مولای من، من غلام تو، شناسا به آغاز و پایان تو می‌باشم. به وسیله

تو و خاندانت بدرگاه خدا تقرّب می جویم و منتظر ظهور تو و غلبه حق به دست تو می باشم). «واسئل الله ان یصلی علی محمد و آل محمد و ان یجعلنی من المنتظرین لک و التابعین و الناصرین لک علی اعداءک و المستشهدین بین یدیک فی جملة اولیائک». (و از خدا درخواست می کنم که بر محمد و آلش درود فرستد و مرا از منتظران و پیروان و یاری کنندگان تو علیه دشمنانت و در زمره به شهادت رسیدگان پیش روی تو در جمع اولیاء تو قرار دهد).

«یا مولای یا صاحب الزمان صلوات الله علیک و علی آل بیتک هذا یوم الجمعة و هو یومک المتوقع فیہ ظهورک و الفرج فیہ للمؤمنین علی یدیک و قتل الکافرین بسیفک». (ای مولای من ای صاحب الزمان، صلوات خدا بر تو و بر خاندان تو باد. این روز جمعه است که روز تو بوده، و ظهور تو و فتح و گشایش کار مؤمنین به دست شما و نابودی کافران با شمشیرت مورد انتظار می باشد).

«وانا یا مولای فیہ ضیفک و جارک و انت یا مولای کریم من اولاد الکرام و مأمور بالضيافة والاجارة فاضفنی و أجرنی صلوات الله علیک و علی اهل بیتک الطاهرین». (و من ای مولایم در این روز میهمان تو و پناهنده به تو هستم و تو ای مولای من کریم و بزرگواری از خاندان کریمان می باشی و از سوی خداوند مأمور به مهمان نوازی و پناه دادنی، پس مرا به مهمانی بپذیر و پناهم بده. صلوات خدا بر تو و بر خاندان پاک تو باد).

زمانی دیگر دلدادگان امام مهدی «ارواحنا فداه» از فرط شوق و علاقه به دیدار او زبان به راز گوئی، سوز دل، گله از فراق و جدائی امام محبوب خود گشوده، شعله درون خود را با امام زمان «علیه السلام» در میان می گذارند،

چنانچه در زیارت آن محبوب دلها می خوانیم:

«فلو تطاولت الدهور و تمادت الاعمار لم ازدد فيك الا يقيناً و لك
الأحباباً و عليك الأمثكلاً و معتمداً و لظهورك الأمتوقعاً و منتظراً و لجهادی
بین یدیک الا مترقباً فابذل نفسی و مالی و ولدی و اهلی و جمعی ما خولنی
ربی بین یدیک ...». (ای ولی عصر اگر روزگار غیبت تو به درازا کشید و
عمرها و عصرها طولانی شده و سپری گردید، افزایش نمی دهم چیزی را
درباره تو مگر یقین، و برای تو مگر دوستی و بر تو جز توکل و اعتماد و برای
ظهور تو مگر توقع و انتظار و برای جهاد پیش روی تو جز آمادگی، تا جلو
رویت جان و مال و فرزندان و بستگان و جمیع دارائیم را بذل کنم ...).

و در دعای ندبه می خوانیم: «عزیزُ علیّ ان اری الخلق ولا تری و لا اسمع
لك حسیساً و لانجوی، عزیزُ علیّ ان ابکیک و یخذلک الوری ...». (ای
ولی عصر چقدر گران است بر من که همه را ببینم ولی از دیدار تو محروم
باشم و صدای زمزمه و نجوای تو را نشنوم، چقدر بر من مشکل است که من
برای تو بگریم و مردمان (نااهل) تو را رها کرده و از نصرتت سرپیچی کنند).

آنگاه که قلب دلدادگان، مورد هجوم طوفان سهمگین مصائب و رنجها
می گردد و از فراق مهدی موعود «علیه السلام» به تنگ می آیند، رو به درگاه
خدای آورده و از این مصیبت بزرگ و کمر شکن به خدا شکایت می کنند،
همانگونه که در زیارتشان می خوانیم:

«اللهم طال الانتظار و شمت منا الفجار و صعب علينا الانتصار ...» (بار
خدایا ای معبود یگانه، انتظار طولانی شد و مردم بدکار و منحرف زبان به
شماتت و ملامت گشودند و غلبه و پیروزی ما بر آنان دشوار گردید ...).

و در دعای افتتاح می خوانیم: «اللهم انا نشکوا الیک فقد نبینا صلواتک

علیه و آله و غیبه ولینا و کثرة عدونا و قلة عددنا و شدة الفتن بنا و تظاهر الزمان
علینا...» (خداوندا! ما از فقدان پیامبرمان و از غیبت امام و رهبرمان و از
زیادی دشمنانمان و کمی تعدادمان و از سختی فتنه‌هایی که ما را فرا گرفته و
ناسازگاری روزگار با ما، به سوی تو گله و شکایت می‌کنیم).

نمونه‌ای از کتب قدماء و متأخرین پیرامون امام زمان «عجل الله تعالی فرجه»

چون موضوع مهدویت از ریشه‌دارترین موضوعات مهمّ اسلامی است و دارای ابعاد گوناگون می‌باشد، کتابهایی مختلف پیرامون آن نوشته شده و هر یک از آنها حول بُعدی از آن بررسی و مذاقّه کرده‌اند، این مطلب آن چنان از پایگاه بزرگی برخوردار است که بحث و بررسی پیرامون آن نه تنها متوقف نگردیده بلکه روز به روز بررسیها حول و حوش مباحث مختلفش گسترده‌تر می‌گردد و همه ساله عدد چشمگیری بر کتابهای مربوط به امام زمان «علیه آلاف التحية والاکرام» از تألیفات شیعه و سنی افزوده می‌شود.

ناگفته نماند که رشته تألیفات و نوشته‌جات علماء و اهل قلم درباره آن بزرگوار دارای قدمت و سابقه‌ای ممتد و طولانی است و از دیر زمان علماء و دانشمندان در صدد تثبیت آن و ردّ نقضها و پاسخ به ایرادات منکرین و

نمونه‌ای از کتب قدماء و متأخرین پیرامون امام زمان «عجل الله» □ ۱۷۴

معاندین و تشکیک‌کنندگان برآمده و مطلب را به خوبی تحقیق کرده و جواب داده‌اند. از بهترین کتابها که دهها قرن از تألیف آن می‌گذرد و تاکنون مورد استفاده و مراجعه می‌باشد کتاب «اکمال الدین و اتمام النعمة» شیخ صدوق است که در اثبات غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» تألیف شده است. آن عالم بزرگ و مفخر شیعه و دانشمند اندیشمند اسلامی، کتاب مزبور را برای دفاع از حریم اهل بیت عصمت «علیهم السلام» و جواب شبهات کسانی که در غیبت امام زمان تردید کرده‌اند به رشته تحریر درآورده است.

سید ابن طاوس در این رابطه می‌فرماید: کتاب «اکمال الدین و اتمام النعمة» تألیف ابو جعفر محمد بن بابویه قمی، حاوی بخش جالب و عمده‌ای از روایات شیعه درباره امام زمان است و هر کس بخواند از هلاکت محفوظ بماند، آن کتاب را بخواند.^۱

شیخ صدوق در مقدمه کتاب، راجع به انگیزه تألیف آن چنین آورده است: انگیزه من بر تألیف این کتاب این بود که در مراجعت از سفر زیارت حضرت رضا «علیه السلام» به نیشابور وارد شده و در آنجا اقامت نمودم و دیدم اکثر کسانی که با من رفت و آمد می‌کنند در موضوع غیبت، سرگردانند و راجع به حضرت حجت دچار شبهه و تردید شده و تسلیم آراء منحرف و قیاسات ناصواب گردیده‌اند، از این رو کوشش خود را در ارشاد و سوق آنان به راه حق، به وسیله اخبار وارده از پیغمبر و امامان به کار بردم. مدتی گذشت تا اینکه در قم مرد بزرگی از اهل علم و فضل بر ما وارد شد، مردی که به خاطر دیانت، اندیشه محکم و صحیح و طریقه مستقیمش از دیر زمان آرزوی دیدارش را داشتم، آن گونه که از دیدار او خدای متعال را سپاسگزار می‌کردم و او شیخ نجم الدین بود. روزی در اثناء صحبت نقل کرد که مردی از فلاسفه

و متکلمین را دیده و کلامی از او شنیده که سبب تردید و تحیر وی در امر حضرت مهدی «علیه السلام» گردیده است، چه غیبت او به طول انجامیده و خبری از او نیست و سخن آن مرد را نقل کرد.

من فصلهائی را در اثبات وجود ولی عصر برای آن مرد عالم دیندار ذکر کرده، اخباری را از پیامبر و ائمه «علیهم السلام» راجع به غیبت مهدی «علیه السلام» برایش نقل نمودم، به طوری که او مطمئن گردیده همه را پذیرفت و شک و شبهه اش مرتفع گردید. آنگاه از من خواست که کتابی در این باره برای او تصنیف کنم، من هم خواسته او را پذیرفته، وعده دادم که هر گاه خداوند فراهم آورد و من به جایگاه اصلی خود (ری) وارد شدم، شروع به این کار خواهم نمود.

در این میانه شبی در اثناء فکر و اندیشه درباره نزدیکان و بستگان و فرزندان و برادران و نعمتهائی را که در موطنم به جای گذاشته بودم، به خواب رفته و در عالم رؤیا دیدم که گویا در مکه مکرمه مشغول طواف بر گرد بیت الله می باشم و دیدم که در شوط هفتم نزد حجر الاسود ایستاده و استلام حجر می کنم و آن را می بوسم و می گویم: «أمانتی اذیتها و میثاقی تعاهدته لتشهد لی بالموافاة». (امانت خود را ادا کردم و بر پیمان خود مواظبت نمودم تا برای من شهادت دهی که وفاداری کردم) ناگهان مولا حضرت قائم، صاحب الزمان «ارواحنا فداه» را دیدم که در خانه کعبه ایستاده، من با اندیشه ای که داشتم به آن بزرگوار نزدیک شدم و آن حضرت آنچه که در ضمیر من بود، در چهره ام دیده و اندیشه تالیف کتاب را در سیمای من خواند. آنگاه سلام کردم و حضرت جوابم را داده و فرمودند: چرا کتابی در موضع غیبت تالیف نمی کنی تا آنچه سخت درباره آن می اندیشی کفایت شود؟ عرض کردم: یا

نمونه‌ای از کتب قدماء و متأخرین پیرامون امام زمان «عجل الله» □ ۱۷۶

بن رسول الله! من در موضوع غیبت چیزهایی نوشته‌ام. فرمودند: تو را امر نمی‌کنم که بدانگونه تصنیف کنی بلکه می‌گویم: الان کتابی در غیبت بنویس و غیبت‌های پیامبران «علیهم السلام» را در آن یادآوری بنما. این را فرموده و تشریف بردند. من از خواب بیدار شدم و با دعا و گریه و مناجات شب را به پایان رساندم، صبح که فرارسید با استعانت از خداوند و با توکل بر او و برای امثال فرمان ولی الله و حجت الله، شروع به تألیف این کتاب نمودم.^۲

از جمله کتب ارزشمندی که راجع به حضرت ولی عصر «ارواحنا له الفداء» تألیف شده کتاب شریف «النجم الثاقب» است که مرحوم حاجی میرزا حسین نوری «قدس سره» راجع به آن حضرت نوشته‌اند و در بیان ارزش این کتاب، تقریظ مرحوم میرزای بزرگ شیرازی کافی است که متن آن نوشته مبارک بدین قرار است:

بسم الله الرحمن الرحيم بحمد الله تعالى و تاييده و حسن توفيقه و
بركات امام العصر ولى الله و حجته فى ارضه و بلاده و خليفه على خلقه و
عباده عليه و على آبائه البررة الكرام افضل الصلاة و السلام. این کتابی است در
نهایت تمامیت و متانت و حسن ترتیب و جودت تهذیب، که در نظر ندارم
در این باب به این خوبی کتابی نوشته شده باشد و در دفع شبهه و تصحیح
عقیده، بر متدین مراجعتش لازم است تا انشاء الله تعالی از لمعان انوار
هدایتش به سر منزل ایقان و ایمان و محلّ امن و امان رسند. خداوند اقدس،
عزّ اسمه هر که را در این امر خیر بزرگ دخلی داشته از انصار آن جناب علیه
السلام مقرر فرماید، حرّره الاحقر محمد حسن الحسينی.

و دیگر کتاب ممتازی که در این نیم قرن اخیر در این راستا تألیف شده

کتاب شریف منتخب الاثر است.

مؤلف کتاب فوق، محقق شهیر، آیه الله العظمی آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی دامت برکاته می باشد که به امر استاد بزرگشان سید الطائفه حضرت آیه الله العظمی آقای بروجردی قدس سرّه و با ارشاد و خط‌دهی آن بزرگوار تألیف کرده‌اند و مرحوم آقای بروجردی کل هزینه و مخارج چاپ آن را خود پرداخته بودند و این خود در نشانگری و اهمیت این کتاب شریف، کافی است و هر کس آن را مطالعه کرده می‌داند که تتبع و استقصا و تحقیق در این کتاب به نهایت رسیده است و از اینرو از زمان تألیف تاکنون مورد استقبال محافل محققان و عالمان بزرگ واقع شده و مدرک و مصدر کتابهایی که پس از تألیف آن، در موضوع حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» نوشته شده واقع گردیده است.

استقبال جوامع از این کتاب چنان بوده که تاکنون مکرر در مکرر در ایران و خارج به چاپ رسیده است.

علامه بزرگ مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی کتاب شناس معروف، در نامه‌ای که به مؤلف نوشته می‌گوید: تاکنون کتابی را در جامعیت، نظیر آن نیافته‌ام.

و علامه گرانقدر لبنانی شیخ حبیب آل ابراهیم مهاجر عاملی حدود سه صفحه در جامعیت و حسن ترتیب و تبویب کتاب منتخب الاثر می‌نویسد و در پایان می‌گوید: فهو کتاب فرید فی بابه لاینبغی لمؤمن الا ان یکون عنده نسخه منه^۳ این کتاب، در موضوع خودش کتابی فرید و بی نظیر است و شایسته نیست از برای هیچ مؤمنی مگر اینکه نسخه‌ای از این کتاب در نزد او باشد.

زیرنویسها و یادداشتهای

نمونه‌ای از کتب قدماء و متأخرین پیرامون امام زمان «عجل الله تعالی فرجه»

۱- الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ص ۱۸۳

۲- مقدمة اکمال الدین صفحات ۲، ۳، ۴

۳- الاسلام فی معارفه و فنونه، ص ۳۰۱- ۲۷۹

وظایف ما نسبت به امام زمان «علیه السلام»

این بحث دامنه وسیع و گسترده دارد. زیرا به حکم اینکه او امام مفترض الطّاعه و منجی انسانیت است و دیگران همه بر سر سفره احسان و انعام وی نشسته و از برکات بی شمار وجود مقدّسش بهره مندند، باید در تمامی اوقات در استخدام آن بزرگوار باشند و برای جلب رضای وی تلاش کنند. لیکن در اینجا به چند نکته بسیار مفید به صورت اجمالی بسنده می کنیم:

۱- زیارت آن حضرت.

چنانچه شهید «قدس سره» می فرماید: مستحب است زیارت مهدی «علیه السلام» در هر مکان و هر زمانی و دعا برای تعجیل فرج او به هنگام زیارت آن بزرگوار، و زیارت آن حضرت در سرداب «سُرْمَن رَای» مورد تاکید واقع شده است.^۱

۲- استغاثه به وجود مقدّس آن بزرگوار و فریادخواهی از آن حضرت، زیرا که ایشان امام و حجّت عصر حاضر است و رتق و فتق امور جهان به اذن

الله در کف با کفایت اوست، چنانکه در خبر ابوالوفاء شیرازی آمده که رسول خدا «صلی الله علیه و آله» در عالم خواب به او فرمودند: «و اما الحجّة فاذا بلغ منك السیف للذبح و او ما بیده الی الحلق فاستغث به فانه یغیشک و هو غیاث و کھف لمن استغاث فقل یا مولای یا صاحب الزمان انا مستغیث بک» (و اما حجّت «علیه السلام» پس هنگامی که شمشیر به محل ذبح تو - و اشاره به گلویم کرد - نزدیک شد به او استغاثه کن که او به فریادت می رسد و او فریادرس و پناهگاه گرفتاران و استغاثه کنندگان است. و در این هنگام بگو: یا مولای! یا صاحب الزمان! من به تو استغاثه می کنم).

در عبارت دیگری آمده که فرمود: «و اما صاحب الزمان فاذا بلغ منك السیف هنا - و وضع یدہ علی حلقہ - فاستعن به فانه یعینک».^۲ (و اما صاحب الزمان، پس هنگامی که شمشیر به اینجا - اشاره به حلق کرد - رسید پس به او یاری بجو که او تو را کمک خواهد کرد).

۳ - صدقه دادن برای امام زمان «علیه السلام»

این نشانه محبت و علاقمندی انسان به آن بزرگوار می باشد. در اینجا حاجی نوری «اعلی الله مقامه» صاحب النجم الثاقب بیانی لطیف دارد که با اندک تلخیص و اندک تصرفی نقل می کنیم: «هر صدقه ای که انسان می دهد یا برای محبوب عزیزی که در نزد او گرامی است و به حسب ظاهر، اصلاح بسیاری از امور معاد و معاشش به وجود و سلامتی او متوقف می باشد، مانند معلم ناصح و پدر و مادر و فرزند و عیال و برادران و امثال اینها که انسان در حالت مریضی یا سفر یکی از آنان به جهت صحت و سلامتی شان صدقه می دهد و خیر آن بالاخره به خود آدمی بازگشت می کند، زیرا صحت عالم مثلاً سبب سلامتی دین او است و سلامتی فرزند باعث قلت یا برطرف شدن

زحمت و کلفت اوست و چون به برهان عقل و نقل و وجدان، هیچ نفسی عزیزتر و گرامی‌تر از وجود مقدّس حضرت امام عصر «ارواحنا و ارواح العالمین فداه» نیست، بلکه او محبوب‌تر از نفس خود انسان است و او ناموس عصر و مدار دهر و حاضر در قلوب اخیار و غائب از مردمک اغیار است و جام صحّت و لباس عافیت، اندازه‌قامت اوست، پس بر خودپرستان که تمامی اهتمامشان در حفظ و حراست خویش است، چه رسد به آنان که جز آن وجود مقدّس کسی را لائق هستی و سزاوار عافیت و تندرستی ندانند، لازم است به هر وسیله‌ای برای بقاء صحّت و سلامت آن حضرت چنگ بزنند و فرقی در وسیله، میان دعا و صدقه نیست و شاید نأثیر اخیر (صدقه) بیشتر باشد...»^۳

سید ابن طاووس «قدّس سرّه الشریف» نیز صدقه دادن از سوی امام زمان «علیه‌السلام» را جزء آدابی که باید نسبت به آن حضرت «سلام الله علیه» مراعات کرد، بر شمرده و می‌گوید: «صدقه بده از سوی امام زمان پیش از صدقه دادن از خودت یا از عزیزانت».^۴

۴ - دعا برای قضاء حوائج آن حضرت:

در این مورد سید بن طاووس می‌فرماید: «حوائج آن حضرت را بر حوائج خودت مقدّم بدار به هنگامی که نماز حاجت می‌خوانی».^۵

۵ - دعا کردن برای آن بزرگوار پیش از دعا کردن برای خود:

سید ابن طاووس «اعلی الله مقامه» در اینجا بیانی بس لطیف دارد. ایشان پس از آنکه فصلی راجع به دعا در حق برادران دینی دارد، می‌فرماید: وقتی که دعا کردن از برای برادران دینی این همه فضیلت و ثواب داشته باشد پس چگونه خواهد بود دعا کردن از برای سلطانت، او که سبب امکان تو می‌باشد و شما خود معتقدی که اگر او نبود خداوند نه تو و نه احدی از مکلفین را در

زمان او و زمان خودت نمی آفرید و لطفی که خداوند به سبب وجود آن حضرت کرده سبب از برای این همه نعمت‌ها است، پس نکند که خودت یا احدی از خلایق را در ولاء و یا در دعا مقدم بداری، و قلب و زبان خود را برای دعا نسبت به این مولای عظیم الشان حاضر گردان و بپرهیز از اینکه خیال کنی که من این مطالب را بدان جهت گفتم که امام زمان نیاز به دعای تو دارد. نه، هرگز او نیازی ندارد و اگر تو این چنین معتقد باشی در اعتقاد و ولای خودت به خطا رفته‌ای. بلکه من این مطالب را به خاطر حق عظیم و احسان بسیار گران و سنگینی که آن بزرگوار نسبت به تو دارد گفتم و برای اینکه وقتی پیش از دعاء برای خود و عزیزانت از برای او دعا کردی زودتر درهای اجابت بر تو گشوده خواهد شد که تو خود با اعمال نادرست، ابواب قبولی دعاها را مسدود ساخته‌ای، و هنگامی که تو برای آن مولای بزرگ در نزد مالک زندگان و مردگان دعا کردی امید می رود که به خاطر او ابواب اجابت باز گردد و رحمت الهی و عنایت او تو را هم فرا گیرد، زیرا که تو در دعا چنگ به ریسمان امام زمان زدی.

آنگاه می فرماید:

و یک وقت نگوئی که فلانی و فلانی از شیوخ و بزرگان، این کارها را نمی کردند و آنان به یاد حضرت مهدی «صلوات الله علیه» نبودند، که من می گویم:

آنچه را که من گفتم عمل کن که این حق روشن است و کسی که از یاد آن حضرت غفلت کند راه غلط مسلمی را پیموده است ...^۶

۶ - عرض حاجت به شخص حضرت ولی عصر «ارواحنا فداه» به ویژه در اوقات خاصه، و الحاح و التماس به درگاه آن بزرگوار که او واسطه فیض الهی

است.

سید «اعلی الله مقامه» خطاب به فرزند خود می فرماید:

حاجات خود را بر آن حضرت در هر روز دوشنبه و روز پنجشنبه عرضه بدار و بعد از سلام بر آن بزرگوار خطاب به وی کرده و بگو: «یا ایها العزیز مسنا و اهلنا الضرّ و جئنا ببضاعة مزجاة فأوف لنا الكیل و تصدّق علينا ان الله یجزی المتصدّقین تالله لقد آثرک الله علينا و ان کنا لخاطئین. یا مولانا استغفر لنا ذنوبنا انا کنا خاطئین». (ای عزیز! فقر و قحطی، ما و اهل ما را فرا گرفته و با متاعی ناچیز و بی قدر به حضور تو آمدیم، اکنون بر مقدار احسانت نسبت به ما بیفزا و از ما با صدقه، دستگیری کن که خداوند صدقه دهندگان را پاداش نیکو می دهد. به خدا سوگند که خداوند تو را بر ما برگزید و ما - در حق تو - مقصر و خطا کاریم. ای مولای ما! بر تقصیراتمان از خداوند، آمرزش بطلب که ما به جدّ خطا کاریم و مرتکب خلاف کاریهای بزرگ شده ایم.

زیرنویسها و یادداشتهای

وظائف ما نسبت به امام زمان «علیه السلام»

- ۱ - الدروس الشرعية، ج ۲، ص ۱۶
- ۲ - رساله جنة الماوی مطبوع با بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۴
- ۳ - کلمة طيبة، چاپ افست عبدالرحیم، صفحات ۳۵۰ و ۳۵۱
- ۴ - کشف المهجّة، ص ۱۵۲
- ۵ - کشف المهجّة، ص ۱۵۲
- ۶ - فلاح السائل، صفحات ۴۴ و ۴۵

استعانت

در پایان، نوشته ناچیز خود در مورد حضرت مهدی آل محمد «علیه و علیهم السلام» را با یک سلام به آستان رفیع آن باقیمانده سلسله امامت و ولایت و اداء یک شهادت نسبت به ساحت قدس آن ولی اعظم الهی و اجداد طاهرین آن حضرت، و در آخر، عرض ابتهال و تضرع و درخواست دستگیری و کمک از آن مظهر الطاف و فیض خدائی خاتمه می‌دهم و از مطالعه کنندگان عزیز هم می‌خواهم که با این عبد ضعیف هم‌نوا شده و به محضر مبارک امام زمان خود صمیمانه عرض سلام نمایند و نیز مخلصانه آن شهادت پرافتخار و عقیدتی خود را اداء نموده و در آخر با همه وجود و از اعماق جان خود از آن ولی دوران بخواهند که از آنان دستگیری نموده و مشکلات معنوی و مادی آنان و همه جوامع اسلامی را رفع بفرماید.

عرض سلام:

«السلام علی المهدی الذی وعد الله عزّ و جلّ به الامم ان یجمع به الکلم

ويلمّ به الشعث ويملاء به الارض قسطاً وعدلاً و يمكن له وينجزه
وعدالمؤمنين.
اداء شهادت:

اشهد يا مولاي انك والائمة من آبائك ائمتي و موالى فى الحياة الدنيا و
يوم يقوم الاشهاد.
درخواست دستگیری:

أسألك يا مولاي ان تسأل الله تبارك و تعالى فى صلاح شأنى و قضاء
حوائجى و غفران ذنوبى و الاخذ بيدي فى دينى و دنياى و آخرتى لى و
لاخوانى و اخواتى المؤمنين و المؤمنات كافة انه غفور رحيم.

حوزه علمية قم - على كرمى جهرى

آثار چاپ شده مؤلف:

- ۱ - العتره و القران؛ عربی
- ۲ - الدر المنضود جلد ۱ و ۲، عربی
- ۳ - نتائج الافكار، عربی
- ۴ - الصّيام و شهر رمضان المبارک، عربی
- ۵ - مع معلم الاخلاق فی صفحات السکاسب
- ۶ - مقتطفات بقیة السلف، عربی
- ۷ - صورة موجزة عن حياة المرجع الاعلی (حضرة اية... العظمی
گلپایگانی)؛ عربی
- ۸ - حياة آية الله آیت اللهی، عربی
- ۹ - سیمای پرهیزکاران
- ۱۰ - آئین روزه داری
- ۱۱ - رازهای آسمانی (تفسیر سورة حدید)
- ۱۲ - نظام اخلاقی اسلام (تفسیر سورة حجرات)
- ۱۳ - تجلی انسان در قرآن (تفسیر سورة انسان)
- ۱۴ - نمونه هائی از تأثیر و نفوذ قرآن
- ۱۵ - شناخت قرآن از رهگذر قرآن
- ۱۶ - جاذبه قرآن
- ۱۷ - سیمای قرآن در نهج البلاغه
- ۱۸ - مبارزه طاغوتیان با قرآن
- ۱۹ - مسأله حنبوه
- ۲۰ - شهید ربذه، ابوذر غفاری
- ۲۱ - هشدارى از امیر مؤمنان به فرماندار بصره
- ۲۲ - خط سرخ شهادت

- ۲۳ - عنایات مهدی موعود (عج)
- ۲۴ - سیمای عباد الرَّحمن در قرآن
- ۲۵ - پیام رمضان
- ۲۶ - سرّوش رحمت، تحلیلی از خطبه پیامبر (ص)
- ۲۷ - چهره‌های محبوب در قرآن
- ۲۸ - آیه‌الله مؤسس (حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری)
- ۲۹ - خورشید آسمان فقاہت و مرجعیت (حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی)
- ۳۰ - ارزشهای اصیل انسانی
- ۳۱ - سُلالهٔ پاکان
- ۳۲ - حقوق فراموش شدهٔ امام زمان (عجل الله فرجه).
- ۳۳ - یادی از شیخ المراجع (مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی حائری)
- ۳۴ - مهدی (عج) مقتدای مسیح (ع)